

# بسم الله الرحمن الرحيم

سخن سمت

مجله

سازمان مطالعه و تدوین کتب  
علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

## فراخوانی برای اندیشه‌ورزی

مجله پژوهشی سخن سمت در نظر دارد از شماره آینده موضوعی به نام «مطالعات میان رشته‌ای» را محور بحث، تحقیق و گفتگو قرار دهد. از این رو از کلیه محققان و استادان دانشگاهها و مراکز علمی سراسر کشور در رشته‌های علوم انسانی دعوت می‌شود که نظرها، پیشنهادها و مقالات پژوهشی عمیق و ارزنده خود را به نشانی مجله ارسال فرمایند.

صاحب امتیاز: وزارت فرهنگ و  
آموزش عالی - سازمان «سمت»

• مدیر مسئول: دکتر احمد احمدی

• سردبیر: ابراهیم برزگر

• با همکاری: هیأت تحریریه و

مشاوران علمی

• مجله از مقالات استادان و

صاحبانظران در مباحث علوم

انسانی، بویژه در زمینه کتابهای

دانشگاهی علوم انسانی و اسلامی

استقبال می‌کند.

• مقالات ارسال شده به هیچ وجه

بازگردانده نمی‌شود.

• سخن سمت درگزینش و ویرایش و

تلخیص مقالات آزاد است.

• نقل مطالب نشریه با ذکر مأخذ

بلامانع است.

• نشانی: تهران، خیابان کارگر شمالی،

بالا تر از پمپ بنزین، خیابان شهید

ابوالفضل خسروی، پلاک ۸۴ -

کدپستی ۱۴۱۳۷

۸۰۰۶۵۳۵

تلفن: ۸۰۰۱۰۰۰

نمبر: ۸۰۰۹۵۳۴

## فهرست مطالب

- دولت فرهنگی و دانشگاه ..... ۲
- مصاحبه با دکتر زهرا رهنورد ..... ۵
- تفسیر قرائتی دیگر از آیات اول سوره روم ..... ۸
- نقد ژنتیکی و تولد یک اثر ..... ۱۱
- گرایشهای مختلف در فرهنگ سیاسی ایران
- عصر مشروطه (دوره قاجار) ..... ۱۴
- ضوابط نگارشی و ویرایشی سمت ..... ۲۶
- درباره ویراستار ..... ۲۸
- شیوه‌های ارزشیابی کتاب درسی دانشگاهی ..... ۳۴
- کتابشناسی برگزیده مراجع ادبیات فارسی ..... ۴۲
- فهرست کتابهای منتشره شده سمت در سال ۱۳۷۶ ..... ۵۵

## دولت فرهنگی و دانشگاه

انتظار عمومی این بوده و هست که در دوران ریاست جمهوری جناب آقای خاتمی مسائل فرهنگی و دانشگاهی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار باشد. به همین جهت مناسب می‌نماید که در این نوشتار و در این مقطع و به لحاظ جایگاه «سمت» به مسائل فرهنگی در دانشگاه، مختصر اشارتی شود. چرا که خود ریاست محترم جمهور بیشتر شخصیتی است فرهنگی و قبلاً هم سالها در پست وزرات ارشاد عهده‌دار آن بوده‌اند و قدر زر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری.

### اهمیت فرهنگ

برخی از موضوعات آنچنان فراگیر و گسترده‌اند که بر همه چیز و همه کس احاطه دارند و کسی نمی‌تواند از آنها بیرون بایستد و در باب آنها بیندیشد و یا بحث کند مانند مقوله هستی که هر کس بخواهد درباره آن سخن بگوید از آنجا که خود وی هم طبعاً موجود است و نمی‌تواند از وجود بیرون بیاید و در برابر آن بایستد و بر آن نوعی احاطه پیدا کند و سپس در باب آن سخن بگوید، ناگزیر معرفتش نسبت به آن ناقص خواهد ماند، به گفته گابریل مارسل وجود راز است و ناشناختنی، زیرا خود مدرک و متکلم محاط هستی بلکه جزء هستی است.

مقوله فرهنگ هم آن چنان در سراسر وجود یکایک ما گسترده است و

آن چنان از آغاز تولد تا پایان زندگی در درون آن غوطه‌وریم که شناخت نقش و تأثیر آن در سراسر شئون حیات خویش عملاً مقدور نیست: از نخستین مرحله فهم و فراگیری حرکات اطرافیان تا یادگیری تک‌واژه‌ها، چگونگی تلفظ آنها، اندیشه، اعتقادات دینی، آداب، سنن، حقیقت، مجاز، افسانه، مثل، شوخی، جدی، نثر، شعر، زبونی، سرفرازی، ننگ، نام و ... همه و همه آن چنان تاروپود هستی ما را تنیده‌اند و در طول روزگاران به صورت یک پیکره واحد و کل یک پارچه درآمده‌اند و آن چنان جا و پا گرفته‌اند که روزگاری باید سپری شود تا بتوان اندکی از آنها را اندکی زدود و یا جابجا کرد.

از این پیکره واحد و یکپارچه، لایه، رویه، چهره و نمودی در قالب اخلاق و رفتار اجتماعی نمودار می‌شود که تا حدی شکلی به خود گرفته و قابل نقل و انتقال و ردّ و قبول است و نمودارتر و شکل و قالب گرفته‌تر از این، قوانین حقوقی است که از متن مسائل اخلاقی برگرفته می‌شود و در قالب قوانین دقیق حقوقی تدوین و به اجرا گذاشته می‌شود. بنابراین حقوق تبلور اخلاق و اخلاق نموداری از فرهنگ است و در واقع همه اینها همان کل یکپارچه فرهنگ است که مانند کوه یخ، برخی از آن پسیدا و بخش عظیمی از آن، ناپیداست و آن بخش ناپیدا همچون ضمیر ناخودآگاه بستر این لایه‌های

پیداست و بر آنها احاطه دارد. با این اشاره مختصر می‌توان گفت فرهنگ بن و بنیاد و شالوده همه نمودهای فکری، اعتقادی، گفتاری و رفتاری انسان است و همه اجزای آن هم به گونه‌ای شدید یا ضعیف در هم تنیده‌اند، صلاح یک جزء در صلاح سایر اجزاء و فساد یک بخش در تباهی بخشهای دیگر مؤثر است و طبعاً اصلاح بهره‌ای از آن هم بدون شناخت و ارزشیابی بهره‌های دیگر ثمربخش و سودمند نخواهد بود.

### فرهنگ و دانشگاه

دانشگاه جزئی از پیکره یکپارچه اجتماع است - البته جزئی بسیار حساس و شاید حساسترین جزء - و پیداست که میان این جزء و سایر اجزای این پیکره واحد دیوار پولادین نکشیده‌اند، بلکه مانند موجی از دریا با بقیه امواج و اجزای دریا پیوسته و متداخل و درهم آمیخته‌اند و به همین جهت مسائل - و بخصوص مسائل فرهنگی - آن را باید در ارتباط با مسائل جامعه یک جا بررسی کرد. اما فعلاً به اقتضای گنجایش این مقاله تنها ارکان فرهنگی درون دانشگاه را به اختصار بررسی می‌کنیم تا در فرصتی دیگر از عوامل فرهنگی بیرون دانشگاه و پیوند آنها با دانشگاه گفتگو کنیم. اما ارکان فرهنگی دانشگاه اجمالاً از این قرار است:

استادی دانشگاه، اگر استاد شرایط استادی را داشته باشد، مقامی است منیع و افتخاری است که کمتر افتخاری به پایه آن می‌رسد، زیرا تربیت استادان، معلمان، دبیران، حقوقدانان، قضات، مهندسان، هنرمندان، محققان، ادیبان، نویسندگان، مورخان، جامعه‌شناسان، روانشناسان، فیلسوفان، مدیران، سیاستمداران، پزشکان و به یک سخن: تربیت همه فرهیختگان و فرهنگ‌سازان یک جامعه به‌دست استاد صورت می‌پذیرد و بنابراین سرچشمه و سر رشته فرهنگ و تعلیم و تربیت جامعه در دست اوست و از او به دیگران می‌رسد. گفتار، رفتار، شیوه تدریس، نرمی، درستی، معیشت، نظم، بی‌نظمی، دلسوزی، بی‌تفاوتی، دینداری، بی‌دینی، یکرنگی، دورنگی، مناعت طبع، فرومایگی، صلابت، تزلزل، پاکی، ناپاکی و خلاصه بسیاری از خصایل پیدا و به‌ظاهر ناپیدای وی در قشر برگزیده جامعه - یعنی دانشجو - منعکس و متبلور و از او به سایر اجزای جامعه منتقل می‌شود، به همین جهت استاد واقعاً فرهنگ‌ساز است و باید حرمت حریم وی را پاس داشت.

خوشبختانه در فرهنگ دینی ما به حکم «من علمنی صرفاً فقد صیرنی عبداً» همواره، و بخصوص بعد از انقلاب، رابطه دانشجو و استاد از تکریم و احترام متقابل - مخصوصاً تکریم دانشجو نسبت به استاد - سرشار بوده است و این فرهنگی است بسیار والا،

اما از جهات دیگر هم باید کرامت و شخصیت و پایگاه بلند استاد را مراعات کرد. معیشت استاد باید به گونه‌ای تأمین شود که ساعاتی را در هفته به تدریس بپردازد و بقیه وقت خویش را صرف تحقیق، نگارش و پاسخگویی به مشکلات دانشجو و هدایت وی کند و نیاز نداشته باشد که از این دانشگاه به آن دانشگاه دولتی و غیردولتی یا از این شهر به آن شهر برود و تنها آموزش سطحی عرضه کند، که خود همین شیوه تأثیر سوء فرهنگی در دانشجو می‌گذارد. بسیاری از نیازهای استادان را می‌توان مستقیم یا غیرمستقیم به گونه‌ای مرتفع ساخت که هم وقت آنها در کارهای وقت‌گیر صرف نشود و هم کرامتشان محفوظ بماند. باید هرطور شده جایی برای ماندن استاد در دانشگاه فراهم ساخت تا در ساعات موظف حضور داشته باشد و وظایف یاد شده را انجام دهد و تأثیر تربیتی مطلوب را بر جای نهد.

اما از سوی دیگر، دانشگاه هم باید کار استاد را کنترل کند و اگر پاره‌ای افراد سودجو یا کم‌کار نخواستند وقت موظف خود را دقیق و سودمند انجام دهند آنها را باز دارد و به کارگیرد، زیرا با وضع کنونی و چندکاره و چندجایه بودن بسیاری از استادان نتیجه فرهنگی مطلوب به دست نمی‌آید، بلکه نتیجه معکوس خواهد بود.

البته در آغاز بازگشایی تا مدتی گروه زیادی از استادان به حکم ضرورت چند کار داشتند، چند جا تدریس می‌کردند و

یا مسئول بودند اما اکنون مدتی است آن ضرورت مرتفع شده و جز در موارد بسیار استثنایی باید این کار را متوقف ساخت و با آوردن فارغ‌التحصیلانی که فراوانند و جویای کار، از وقت استادان توانمند استفاده بهینه به عمل آورد. اکنون که نیرو هست دانشگاه‌های غیردولتی باید افراد جدید استخدام کنند و تدریس استادان دولتی در خارج از دانشگاه‌های دولتی ممنوع شود. اگر استاد حضور کافی در دانشگاه داشته باشد و وقت کافی برای تحقیق تدریس بگذارد دانشجو هم ناچار می‌شود حضور فعال داشته باشد، عمیق و پربار درس بخواند، به موقع تکلیفش را بدهد و نمره استاد هم به موقع تحویل شود. واقعاً هم اکنون نابسامانی شدیدی در این جهت حکمفرماست و به فرهنگ دانشگاه سخت آسیب رسانده است.

#### ب: دانشجو

رکن مهم دیگر دانشگاه دانشجویست که گفتیم تعلیم و تربیت و فرهنگ را از استاد و از محیط دانشگاه می‌گیرد و در حین تحصیل، و مخصوصاً بعد از آن، که دبیر، قاضی، پزشک، پرستار، مهندس، مدیر، نویسنده و ... شد آن را به جامعه منتقل می‌کند. خوشبختانه بعد از انقلاب تحولی عظیم و بی‌سابقه و کم‌نظیر در دانشجویان دانشگاه پدید آمد، دانشجویان انقلابی دانشگاه‌ها را از عناصر ناصالح تا حدی پیراستند و خود ضمن حضور فعال در جبهه‌ها، در تدوین برنامه‌های جدید، به جد

دانشگاه پیش از انقلاب، رنج می بردند. اکنون محیط را فراخور خواسته خویش می یابند و این زمینه بسیار خوبی است که باید آن را به لحاظ فرهنگی بارورتر ساخت.

#### د: متصدیان فعالیت فرهنگی

پس از بازگشایی دانشگاهها تلاش مسئولان محترم نظام تا آنجا معطوف تکاپوهای فرهنگی در دانشگاه بوده است که رهبر معظم انقلاب دفتری تأسیس کردند تا اعضای آن، نمایندگانی را در دانشگاهها تعیین کنند، جهاد دانشگاهی هم قبلاً وظیفه فعالیت فرهنگی داشت تشکلهای دانشجویی و گاه معاونت فرهنگی دانشگاه نیز هرکدام عهده دار این وظیفه اند و از قضا همین تعدد و تکثر متولیان، مایه تنزل و کاهش فعالیتهای فرهنگی شده است و هیچکدام را هم نمی توان در مورد ضعف این فعالیتها، بازخواست و مؤاخذه کرد. باید یک ارگان - آن هم دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری - مسئول و پاسخگوی این کار باشد و وقت کافی بگذارد و با برنامه ریزی دقیق، همه افراد و گروهها را در یک پیکره واحد گردآورد و به کار بگمارد. طبعاً با زمینه مساعدی که در دانشگاههاست فعالیت فرهنگی رشدی روزافزون خواهد داشت.

ادامه دارد

نشود، بلکه فرهیخته ای که وارد اجتماع می شود فرهنگساز شایسته ای باشد.

#### ج: مدیریت و کارکنان دانشگاه

همه می دانیم که هیأت رئیسه دانشگاه نقش محوری در اصلاح اساسی دانشگاه دارد. روحیه انقلابی، آگاهی عمیق اسلامی، صرفه جویی در بیت المال، عدالت و انصاف در تصمیم گیریها، برخورد شایسته با مراجعان و گره گشایی از کار آنها، حضور مستمر در دانشگاه، رسیدگی به نیاز قشر محروم و کارمندان کم حقوق، کنترل کار استادان و دانشجویان و کارمندان به صورت قاطع و بدون تسامح، ایجاد جو دینی و فرهنگی، هماهنگ سازی حرکات فرهنگی و ... اموری است که هیأت رئیسه باید خوب از آنها برخوردار باشد. با آنکه گفتیم باید زندگی استاد را تأمین کرد اما ضرورتاً باید میان درآمد و دریافت استاد و کارمندان دانشگاه نسبت معقولی برقرار باشد. عدم تعادل حقوق و دستمزد علاوه بر آن که به خودی خود یک خسارت بزرگ فرهنگی است در رفتار و گفتار و برخورد کارکنان با استاد و دانشجو و دیگران تأثیر سوء و بار فرهنگی نامطلوب دارد.

خوشبختانه بعد از پیروزی انقلاب جو عمومی دانشگاه به لحاظ فرهنگی دگرگون شده است و بسیاری از کارکنان شریف و دینداری که از جو غیراسلامی

همکاری کردند و هم اکنون هم، همچون دیدبانی تیزبین، مراقب اوضاع درون و بیرون دانشگاهند، و این نعمت فرهنگی بسیار بزرگی است که باید سپاسگزار آن بود.

اما از سوی دیگر، متأسفانه همان چندکاری در دانشجویان مقاطع بالا و حتی گاه در مقطع کارشناسی، ساری و جاری است، البته در مواردی به حکم ضرورت - زیرا بیشتر آنها همسر و فرزند دارند و برای گذران حداقل معیشت باید کمابیش کار کنند - ولی در مواردی هم برای تأمین زندگی بهتر. به یکی از دانشجویان ضعیف مقطع دکتری که هم خوابگاه داشت و هم هزینه تحصیلی می گرفت و متعهد بود حداقل شش ساعت بیشتر تدریس نکند گفته شد چند ساعت تدریس می کنی؟ گفت ترمهای پیش زیاد بوده ولی این ترم فقط چهارده ساعت تدریس دارم و این کار علاوه بر آن که خلاف تعهد است بیانگر همان روح سودگرایی است که از زندگی دانشجویی و طلبگی بسیار به دور است و پیداست که چنین دانشجویی پس از فراغ از تحصیل چه زیان علمی و فرهنگی برای جامعه خواهد داشت. برای زدودن این نقیصه هم باید کارشناسی درست و دقیقی به عمل آورد و به اندازه حداقل نیاز دانشجوی بورسیه، کمک هزینه به وی پرداخت و کار او را کنترل کرد تا وقتش جز در جهت تحصیل مصروف





«بخشی از تعیین هویت اسلامی  
ایران ما، مرهون هنر است.»

## مصاحبه با خانم دکتر زهرا رهنورد مدیر گروه هنر سازمان «سمت»

● لطفاً شمه‌ای از تاریخچه و جایگاه گذشته و حال رشته هنر را در بین سایر رشته‌های علوم انسانی بیان بفرمایید.

اگر بسیاری از علوم پس از اسلام و بویژه در پانصد سال نخست ظهور اسلام پا به عرصه نهادند، هنر از گذشته‌ای بس دیرپا به قدمت حیات بشر بر کره زمین برخوردار است، چه آن زمان که انسانها به تلاش زیستی در مصاف با طبیعت مشغول بودند و چه زمانی که به بیان مکنونات قلبی و وجد و حال درونی پرداختند. از همان ازمه نخست - پیش از سپیده دم تاریخ - هنر وجود داشته و در ابزار و آلات و سلوک و مناسک و آیینهای روزمره، متجلی شده است. انسان نخست در پی آفرینش هنر نبود، بلکه زندگی می‌کرد و در روند این زندگی هنر که یکی از پیچیده‌ترین محصولات ذهنی بشر و نمادی‌ترین عنصر فرهنگ است پا به عرصه نهاد. در قلمرو آموزش باید عرض کنم که در گذشته مؤسسات هنری در کنار دربارها، امور هنر را سامان می‌دادند. در کشور ما

در قلمرو دانشگاهی هنر، پیش از تأسیس دانشگاه تهران در مؤسسات سازمان یافته و منظمی چون هنرستان صنایع مستظرفه که به همت کمال‌الملک - استاد بزرگ نقاشی - و دیگر یارانش تأسیس شده بود، تدریس می‌شد از این روی قدمت تعلیماتی و اصولی و منسجم هنر بیش از سایر فنون و علوم است؛ اما متأسفانه ارزش لازم به این رشته فرهنگ‌ساز داده نشده و همچنان ناشناس مانده است، حال آنکه بخشی از تعیین هویت اسلامی - ایران ما، مرهون هنر است. وضعیت هنر در شرایط فعلی از حالت ویژه‌ای برخوردار است: در ذهن نخبگان، ارزش الهی و از نظر رهبران ارزش تبلیغاتی دارد، در حالی که در سطح دانشگاهی برنامه‌ریزان هنر، توجه کافی به آن ندارند. حال این سؤال مطرح است که طی بیست سال اخیر. در جهت اعتلای هنر در سطح دانشگاهها چه کرده‌ایم؟ گمان می‌کنم که با مروری بر دستاوردهای این دوران متوجه خواهیم شد گرچه نسبت به پیش از انقلاب

موفقیت‌های بسیاری داشته‌ایم، نسبت به تواناییها و آرمانهای دو دهه اخیر، کاری اساسی انجام نداده‌ایم و لازم است در این زمینه تلاش جدی‌تری شود. اول آنکه با دستاوردهای برنامه‌ریزی معاصر دانشگاهی در سطح جهان - بویژه پس از مدرنیسم - هماهنگی مناسب به عمل آید، دوم آنکه خواستها و نیازها و زمینه‌های فکری و فرهنگی اسلامی و ملی در شرایط معاصر در نظر گرفته شود و برای تکمیل برنامه‌ریزی لحاظ گردد، سوم آنکه لازم است مکانیسمهایی تعبیه شود که براساس آن در برنامه‌ریزیهای دانشگاهی برای هنر و همچنین سایر رشته‌ها، هر از گاهی انعطاف و نوآوری لازم صورت گیرد.

● چه کمبودها و نارساییهایی در زمینه منابع درسی این رشته وجود دارد؟

هنر اگرچه پدیده‌ای سرشار از ظهور عاطفی و شهودی است، اما از جدی‌ترین دقایق اندیشه و حیات مایه می‌گیرد و آنها را برتر می‌آورد و به صورت هنر، پیام روح خداجو ارائه می‌دهد. رشته هنر به طور جدی با

کمبرود منابع روبه‌روست، زیرا کلاً از سویی منابع به زبان فارسی در سطح کشور کم است و از سویی دیگر منابع به زبانهای دیگر در سطح جهانی کم تولید می‌شود، چرا که هنر محصولی خلاق و ناظر به روح و روان و قلب و عاطفه است و آنجا که نیازمند منابع و مباحث نظری می‌گردد پای «عقل چوبین» به میان می‌آید و کمتر هنرمندی حاضر می‌شود قلم استدلالیان را به جای بیان تصویری و تجسمی عارفان و دل‌گرایان برگزیند. در همین ارتباط نگاشتن کتابهای درسی در قلمرو هنر که یا نظری محض و یا نظری - عملی است، کمتر مورد علاقه هنرمندان و اساتید هنر قرار گرفته و آنان ترجیح می‌دهند جزوه‌های خود را که براساس سلیقه و هنر خود نوشته‌اند تدریس کنند و وقت آزاد خود را نیز به خلاقیت‌های هنری پردازند؛ از این رو حجم کتابهای درسی هنر در قلمرو دانشگاهی نسبت به رشته‌های دیگر بسیار محدود است و این معضل نه تنها در ایران که در سطح جهان یک مسأله جدی است. تذکر این نکته ضروری است که چنین کمبودی نه به دلیل فقر اطلاعات هنرمندان و اساتید بلکه به دلیل بیان خاصی است که هنر از آن بهره‌مند است و هنرمند حاضر

**«هنر از گذشته‌ای بس دیرپا به قدمت حیات بشر برکره زمین برخوردار است. چه آن زمانی که انسانها به تلاش زیستی در مصاف با طبیعت مشغول بودند و چه زمانی که به بیان مکنونات قلبی و وجد و حال درونی پرداختند.»**

نیست شیرینی فروتنانه شهودی و عاطفه و عرفان را به خشکی فاخر خردورزی بفروشد.

● به نظر شما یک کتاب خوب دانشگاهی باید دارای چه ویژگیهایی باشد؟

فکر می‌کنم در زمینه هنر، کتاب درسی خوب کتابی است که (۱) پایه‌های نظری قوی و متنوعی داشته باشد، (۲) نمونه‌های عملی و عینی از محصولات خلاقه ذهنی بشری را به تناسب رشته و گرایش هنری ارائه نماید و از تصویر به حد کافی سود جوید، (۳) از ارائه مطالب خوبی برخوردار باشد، (۴) معادلهای دقیقی (به دلیل پیچیدگی بحث) برای کلمات انتخاب کند. (۵) فهرست و مأخذ غنی و متنوعی داشته باشد، (۶) در نگرش تحلیلی موشکاف و در نگرش تاریخی، دقیق و مطالبش به روز باشد. (۷) ضمن نگرش به هنر جهانی، به هنر شرق و به هنر اسلامی توجه خاص و به هنر ایران بویژه درگذشته و حال به تناسب موضوع و رشته عنایت همدلانه داشته باشد بدون آنکه گرفتار تعصب شود. (۸) از منابع قوی و معتبر برخوردار باشد.

● لطفاً سوابق فعالیت‌های گروه پژوهشی هنر سازمان مطالعه و تدوین کتابهای علوم انسانی دانشگاهها (سمت) را که سرکار مدیریت آن را عهده‌دار هستید بیان فرمایید.

این گروه در سازمان «سمت» گروهی نوپاست و پیشنهاد آن را حقیر زمانی که از من خواسته شد کتابی درباره فلسفه

هنر بنویسم، ارائه کردم و در آن زمان سال ۱۳۷۳ - نیاز برپایی چنین گروهی مطرح شد. برای این منظور ابتدا سمینار گروه هنر با دعوت از معاونان آموزشی دانشکده‌های هنر و نیز رؤسای گروههای دانشکده‌های هنری، برگزار گردید که گاه هنرمندان صاحب‌نظر نیز به عنوان مهمان برای ارتقای بیشتر سطح امور هنری و علمی دعوت می‌شدند. در این راستا سؤالاتی کلی درباره معضلات هنر و جامعه علمی هنری برای اساتید فرستاده شد تا از این طریق بتوان با دریافت پاسخ اشراف بهتری به هنر، مباحث هنری - علمی - نظری پیدا کرد. سپس نیازهای علمی - نظری رشته‌های هنری در سه زمینه اصلی در کلیه گرایشهای هنری یعنی مبانی، تاریخ هنر و تجزیه تحلیل به عنوان نیازهای اساسی در اولویت قرار گرفت و در کنار آن مباحث فرعی که واحدهای کمتری را به خود اختصاص می‌دهند در درجه دوم. اما تجربه نشان داده است اساتید محترم بیشتر علاقه‌مندند که در مورد سه اولویت اول از جزوه‌های تهیه شده خود استفاده کنند. معمولاً استادان مباحث فرعی تر را که واحدهای کمتری را به خود اختصاص می‌دهند به منظور نگارش پیشنهاد کرده‌اند سازمان «سمت» نیز از آنها استقبال کرده است به همین منظور در حال حاضر اساتید برجسته‌ای چون آقای دکتر ناظرزاده و آقای دکتر آیت‌اللهی پذیرفته‌اند که بخشی از مبانی و تجزیه تحلیل‌ها را عهده‌دار شوند. در کنار کار ارزشمند این اساتید اکنون اساتید برجسته دیگری که

در سطح دانشکده‌های هنر کشور به تدریس اشتغال دارند برای نوشتن کتب درسی یا ترجمه کتب دانشگاهها با سازمان «سمت» قرارداد دارند.

• چه معیارها و ضوابطی را برای پذیرش و چاپ کتاب تألیفی و یا تدوین طرحهای تألیف در نظر می‌گیرید؟

کتاب به لحاظ محتوایی باید براساس ضوابط و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و کمیته هنر شورای مذکور و شورای عالی برنامه‌ریزی آموزش عالی نگاشته شود. نویسندگان کتابهای درسی، در درجه اول از اساتید سرشناس و اندیشمند و هنرمند دانشکده‌های کشور انتخاب می‌شوند، مگر اینکه نویسنده از دانش خاصی برخوردار باشد که معمولاً در میان اساتید جوان چنین خصوصیتی، فقدان شهرت تثبیت شده و قدمت تدریس را تا حدودی جبران می‌کند. آثار ارائه شده تا زمان چاپ مراحل را طی می‌کنند که به این ترتیب است: ابتدا فهرست، مقدمه و فصلی از کتاب ارائه می‌شود تا برای ارزیابی در اختیار چند تن از کارشناسان قرار داده شود و در صورت تأیید، از استاد مذکور درخواست می‌شود تا کل کتاب را بنویسد، سپس کارشناسی مجدد می‌شود و پس از رفع همه ابهامات و اشکالات و تأیید شورای نظارت برای ویراستاری و چاپ فرستاده می‌شود. من به عنوان مدیر گروه پژوهشی هنر سازمان تمامی کتابها را مطالعه می‌کنم و نکاتی که تذکرشان ضروری باشد یادآوری می‌کنم و این

غیرازکارشناسیهای اساتید برجسته است که اصل، نظر آن کارشناسان است. و چون تاکنون به مباحث هنر ایران، در قلمرو نظری کمتر توجه شده است، معمولاً فصلی درباره هنر ایران در تمام گرایشهای هنری اضافه می‌شود مگر اینکه آن کتاب صرفاً درباره هنر ایران باشد که در این صورت تمامی فصول ضمن مقایسه هنر ایران با هنر جهان فقط درباره کشور عزیزمان ایران خواهد بود.

• انتخاب کتابها برای ترجمه با چه شرایط و ضوابطی صورت می‌گیرد؟

کتابهای ترجمه‌ای معمولاً به وسیله اساتید دانشکده‌ها معرفی می‌شود و پس از مرور کلی توسط حقیر و ارائه به کارشناسان (که پس از ترجمه فهرست، مقدمه و فصلی از کتاب است) در صورت تأیید آنان برای ترجمه به مترجمان قدیمی که در رشته مذکور تخصص دارند یا خود، استاد همان درس هستند، ارائه می‌شود و پیش از چاپ، مجدداً برای کارشناسی در اختیار دو تن از کارشناسان که از اساتید دانشکده‌های هنر هستند قرار داده می‌شود و اگر به اصلاح نیاز داشت پس از تصحیح برای ویرایش و چاپ ارسال می‌شود. در زمینه ترجمه کتابهای هنری دقت می‌شود که ضمن دستیابی به زبانی روشنفکرانه و دقیق و وفادار به معادلهای، ترجمه‌ای سلیس و قابل درک برای دانشجویان و دیگر علاقه‌مندان فراهم آید که خوشبختانه ترجمه‌هایی تاکنون در این گروه به ثمر رسیده، مانند تناول خدایان اثر یان کات که ترجمه آقایان دانشور و براهیمی است یا تاریخ

طراحی صنعتی که ترجمه آقای رضایی است.

• جایگاه «سمت» را در بین سایر مراکز پژوهشی و انتشاراتی دانشگاهها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

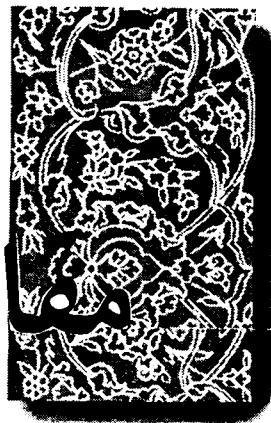
اگرچه گروه هنر در این سازمان نوپاست، اما سایر گروههایی که در این سازمان تشکیل شده‌اند تاکنون آثار علمی ارزنده‌ای ارائه داده‌اند که نیازهای درسی دانشکده‌ها را تا حدودی برطرف می‌کند و من امیدوارم که این سازمان جزء بهترینها باشد.

• برنامه‌های آتی گروه پژوهشی هنر «سمت» چیست؟

باید عرض کنم کتابهایی که در سازمان «سمت» برای رشته هنر تدوین می‌شوند حرف آخر را نمی‌زنند. با تجربه‌ای که در تدریس هنر دارم متوجه شده‌ام که گاه برای یک واحد و یک مبحث باید طیف متنوعی از کتابها و نظریه‌ها مطالعه شود و همچنین ضمن گفتگوی حضوری با اساتید، اطلاعات و دانشهای لازم برای آن واحد و مبحث خاص جمع‌آوری گردد: از این رو کتابهایی که در گروه هنر سازمان «سمت» تدوین می‌شود گامی است برای کسب آگاهی تخصصی که به زمینه‌های وسیع هنر متکی می‌باشد چراکه هنر به دلیل محتوا و هویتش دارای ابعاد وسیعی است. فرض کنید مبحثی چون «زیباشناسی» که یکی از مهمترین مباحث رشته هنر است، نه تنها عمری به قدمت اندیشه بشر دارد و بیشتر متفکران بزرگ دنیا بخصوص

ادامه در صفحه ۲۵

# مقالات



دکتر احمد احمدی

## تفسیر قرائتی دیگر از آیات اول سوره روم

سوره روم سوره سیام قرآن کریم است و به گفته مشهور، تمام آن در مکه نازل شده است. آلوسی می‌گوید: «قال ابن عطية و غيره لاختلاف في مكيتها ولم يستثنوا منها شيئاً و قال الحسن هي مكة الا قوله تعالى: «فسبحان الله حين تمسون» الآية و هو خلاف مذهب الجمهور والتفسير المرضي». اما آیات اول سوره:

بسم الله الرحمن الرحيم آلم (۱)  
غُلِبَتِ الرُّومُ (۲) فی ادنی الارض و هم من بعد غلبهم سیغلبون (۳) فی بضع سنین لله الامر من قبل و من بعد و یومئذ یرفع المؤمنون (۴) بنصر الله ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم (۵)  
وعد الله لا یرفع الله و عد و لکن اکثر الناس لا یعلمون (۶) یعلمون ظاهراً من الحیوة الدنیا و هم عن الآخرة هم غافلون (۷) به نام خداوند گسترده مهر مهربان، الف، لام، میم (۱) رومیان مغلوب شدند (۲) در نزدیکترین سرزمین، و آنها پس از مغلوب شدنشان

چیره خواهند شد (۳) در اندی سال، امر، از آن پیش و از آن پس، از آن خدا است و روزی که چنین شود مؤمنان شادمان می‌شوند (۴) از یاری خداوند، (خدا) یاری می‌کند هر که را بخواهد و او عزیز (چیردست) و مهربان است (۵) (خدا) وعده کرده است آن‌هم وعده کردن خدای (که تخلف‌پذیر نیست) (یا، هان وعده خدای را) (و) خدا وعده خویش را خلاف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند (۶) (آنها فقط) ظاهری از نزدیکترین زندگی را می‌دانند و آنها، همانها، از حیات بعدی غافلند (۷).

### شأن نزول

در بیشتر تفاسیر آمده است در جنگی که میان ایران و روم رخ داد ایرانیان (فارس) در شامات آن روز بر رومیان چیره شدند. در این میان مشرکان مکه از پیروزی ایرانیان شادمان بودند و مسلمانان را شماتت کرده می‌گفتند ایرانیان کتاب آسمانی ندارند،

بت‌پرستند و به رستاخیز هم ایمان ندارند و بنابراین ما و آنها همکیشیم و همان‌طور که آنها بر رومیان نصاری اهل کتاب پیروز شدند ما هم بر شما پیروز خواهیم شد. از سوی دیگر مسلمانان دوست داشتند رومیان بر ایرانیان پیروز شوند؛ زیرا رومیان را اهل کتاب می‌دانستند و ایرانیان را بت‌پرست و مشرک. وقتی جریان پیروزی ایرانیان و شماتت مشرکان را به پیامبر گزارش دادند، فرمود: رومیان پیروز خواهند شد. ابوبکر این خبر را به مشرکان رساند و آنها گفتند: حال که پیامبر از آینده خبر داده، بیا شرط ببندیم. یک مدتی تعیین کن اگر در آن مدت، این خبر درست درآمد تعدادی شتر - که تا صد تا هم گفته‌اند - ما به تو می‌دهیم وگرنه، تو همان تعداد شتر به ما بده. ابوبکر هم پذیرفت و مدتی - سه یا پنج یا شش یا هفت سال به اختلاف روایات - تعیین کرد، وقتی جریان را به رسول خدا (ص) خبر داد، حضرت فرمود: لفظ بضع در

آیه ۳ تا ۹ را می‌رساند بنابراین مدت را تا ۹ سال افزایش بده. و در برخی روایات است که فرمود: هم بر شمار شتران بیفزای و هم مدت را تا ۹ سال اضافه کن. و او هم چنین کرد و پس از پیروزی رومیان بر ایرانیان، شتران را گرفت و پیش پیامبر (ص) آورد و پیامبر فرمود: این شحت است آن را صدقه بده. در بیشتر روایات، این شرطبندی بین ابوبکر و اُتبی بن خلف صورت گرفته و پس از هلاکت وی در اثر جراحی که به دست پیامبر برداشت، ابوبکر صد شتر از ورثه وی گرفت و نزد پیامبر (ص) آورد. به تعبیر المیزان: «در برخی از روایات، این شرطبندی یا قمار میان مسلمانان و مشرکان بوده و ابوبکر نماینده مسلمانان و اُتبی نماینده مشرکان بوده‌اند، در بعضی از روایات، شرطبندی میان دو گروه و در برخی هم بین ابوبکر و مشرکین بوده است».

در روایتی هم آمده است که مدّت تعیین شده پنج سال و در روایت دیگر هفت سال بود و بعد از آنکه در آن پنج یا هفت سال رومیان پیروز نشدند مشرکان شماتت‌کنان شتران شرط را مطالبه کردند و رسول خدا (ص) به ابوبکر فرمود: بضع تان سال است و او هم این سخن را به آنها گفت و مطالبه متوقف شد و در این مدّت رومیان غلبه یافتند. در برخی از روایات پیروزی رومیان همزمان با پیروزی مسلمانان در بدر (سال دوم هجرت) و در برخی همزمان

با بازگشت پیامبر (ص) و مسلمانان از حدیبیه (سال هشتم) بوده است. در این میان بحثی جدی پیش آمده و آلوسی آن را به تفصیل مطرح کرده است که پیامبر (ص) چگونه شتران قمار و شرطبندی را پذیرفته و دستور داده است آنها را صدقه بدهند؟ برخی گفته‌اند، قمار در سوره مائده - آخرین سوره به لحاظ نزول - تحریم شده و این دستور پیش از تحریم قمار بوده، اما اشکال شده است که در سوره بقره، قمار، گناه شمرده شده و در این صورت چگونه پیامبر به ابوبکر دستور مداخله در قمار و صدقه‌دادن پول قمار می‌دهد؟ - بخصوص اگر دستور صدقه‌دادن پس از بازگشت از حدیبیه باشد که قطعاً بعد از نازل شدن سوره بقره است -.

### بررسی

در این روایات که عمدتاً در جامع البیان طبری و الدرالمستثور سیوطی است موارد فراوانی برای نقد و نظر وجود دارد، از جمله اینکه:

۱. مضمون آنها با یکدیگر اختلاف فراوان دارد که به برخی از موارد اختلاف اشاره شد.

۲. خود پیامبر (ص) وارد شرطبندی شده و حتی بنا به برخی از روایات به ابوبکر دستور داده که بر تعداد شتران شرط - که ده تا یا کمتر از آن بوده - بیفزاید و او هم تعداد را به صد شتر رسانیده است، اما خود پیامبر (ص)

وقتی ابوبکر همین شتران را می‌آورد می‌فرماید: هذالشحت تصدّق به! این ناسازگاری چگونه زدودنی است؟! ۳. همان ایراد فقهی که آیا این شرط،

شحت بوده یا نه و اگر بوده شحت را چگونه می‌شود صدقه داد، بدون پاسخ است و آلوسی هم پس از نزدیک به یک صفحه بحث، به جایی نرسیده است و به تعبیر استاد علامه طباطبائی (ره) فلاسبیل الی تصحیح شیء من ذلک بالموازين الفقهية وقد تكلفوا فی توجیه ذلک بما لا یزید إلا إشکالاً.

۴. گرفتن صد شتر از مشرکین مگه - واقعاً جای این سؤال و تردید هست که با آن رابطه تیره و تار مسلمانان با مشرکان مگه، و با آن همه خونریزی و قطع رابطه و رفت و آمد ابوبکر - که مشرکان به خونس تشنه بودند - چگونه توانسته است به مگه برود و آنها هم بابت این شرط و قمار، خیلی خوش حساب، بیدرنگ، یک قطار شتر صدتایی که برای مسلمانان قدرت عظیم اقتصادی و نظامی بود به وی تقدیم کرده باشند و او هم پس از پیمودن آن مسافت طولانی آنها را سالم خدمت

به گفته باستان‌شناسان در سراسر سرزمین پهناور ایران اثری از بت و بتخانه دیده نشده است و پیروان زرتشت نه تنها به رستاخیز معتقدند بلکه حیات بعد از مرگ در آئین زرتشت از حیات پس از مرگ در هر دو دین نصاری و یهود به اسلام نزدیکتر است.

و این نزدیکترین سرزمین باید نسبت به حجاز باشد که محل زندگی مسلمانان مورد تخطاب بوده نه نزدیکترین سرزمین نسبت به ایران آن روز، که از حوزه تخطاب به دور است. تازه براساس تواریخ، پیروزی ایرانیان بر رومیان در اذرعاع شام (در ۱۰۶ کیلومتری جنوب دمشق و در داخل سوریه کنونی) بوده که نه نسبت به ایران نزدیکترین سرزمین است و نه نسبت به حجاز، اما بر مبنای قرائت «عَلَبَتْ» و تفسیر دوم، «ادنی الارض» سرزمین مویه خواهد بود که نزدیکترین سرزمین نسبت به حجاز بوده است.

۸. لحن آیه «و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله، ینصر من یشاء و هو العزیز الرحیم، وعد الله لا یخلف الله وعده» با شأن نزول یاد شده سازگار نیست، زیرا این لحن و این تعبیر، بخصوص تعبیر «وعد الله لا یخلف الله وعده» فراخور جایی است که متکلم در برابر مخاطب تعهدی داشته و قولی داده باشد نه آنجا که دو گروه برای کشورگیری و کینه کشی به جان هم افتاده اند و حیات هزاران بیگانه را نابود می کنند و اصلاً هیچکدام طرف خطاب متکلم نبوده اند تا وعده ای به وی داده باشد بلکه همین متکلم و همین کلام و پیام و دعوت، آنها را از اساس قبول ندارند و آمده اند تا در آینده نزدیک آنها را برانند.

و جوه دیگری هم می توان ذکر کرد که برای پرهیز از تطویل مقاله از ادامه در صفحه ۶۱

«شادمانی مؤمنان از یاری خداوند در جایی مناسبت دارد که آن یاری مربوط به خود آنها باشد و در اینجا هم خدا، خود همان مؤمنان را یاری کرده است نه اینکه رومیان بر ایرانیان پیروز شده باشند و مسلمانان آن را یاری خدا بدانند و از آن شادمان شوند.»

پهناور ایران اثری از بت و بتخانه دیده نشده است و پیروان زردشت نه تنها به رستاخیز معتقدند بلکه حیات بعد از مرگ در آئین زردشت، از حیات پس از مرگ در هر دو دین نصاری و یهود - یا دست کم در دو دین کنونی آنها - به اسلام نزدیکتر است.

۶. اهل کتاب ندانستن مجوس هم، با گفته ها و رفتار پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و نیز با نظر بسیاری از عالمان و فقیهان مسلمان ناسازگار است. این هم که در برخی از این روایات گفته شده است که پیامبر (ص) دوست داشت رومیان بر ایرانیان پیروز شوند با آن همه روایاتی که از خود رسول خدا در تکریم مردم فارس رسیده و با آن همه احترامی که امیرالمؤمنین (ع) از ایرانیان بعمل می آورد - تا آنجا که برخی از عربها آن را نکوهش می کردند و او هم وقتی به گفته آنها نمی گذاشت - و با آن همه خدمتی که ایرانیان در یمن به اسلام کردند و ...، با هیچکدام اینها سازگار نیست.

۷. در آیه شریفه، عبارت «فی ادنی الارض» (در نزدیکترین سرزمین) آمده

پیامبر (ص) آورده باشد؟ مشرکان مکه نه تنها طلب قانونی مسلمانان مهاجر را به آنها نمی دادند بلکه از بردن اندک مایه ای هم که آنها داشتند ممانعت می کردند، حال چطور ممکن است بابت قمار، یک صد شتر دو دستی تقدیم مسلمانانی کنند که در جنگ بدر، سه اسب و هفتاد شتر بیش نداشتند! بعلاوه، اگر این شرط بندی در مکه رخ داده باشد خواه نه سال به جنگ بدر مانده باشد (بنابه روایت همزمانی پیروزی رومیان با پیروزی مسلمانان در بدر) و خواه نه سال به بازگشت از حدیبیه (بنابه روایت همزمانی غلبه رومیان با این حادثه) در هر دو صورت نه شخص ابوبکر و نه همه مسلمانان هیچکدام چنان موقعیت اقتصادی نداشته اند که دست به چنین قمار سنگینی بزنند، بخصوص در صورت دوم که در آن زمان یا در شعب ابی طالب بوده اند و یا تازه بیرون آمده بودند<sup>۱</sup> و این دشوارترین دوران سیاسی و اقتصادی مسلمانان بوده است و شرط بستن بر سر یکصد شتر کاری نامعقول می نموده است.

۵. ایرانیان بت پرست و بی اعتقاد به رستاخیز معرفی شده اند با آنکه چنین نسبتی کاملاً خطا است زیرا به گفته باستان شناسان در سرتاسر سرزمین

۱. جریان حدیبیه در ذی قعدة سال ششم و پایان محاصره در شعب ابی طالب حدود سه سال پیش از هجرت رخ داده است - که فاصله دو حادثه حدود نه سال می شود.

اللّٰهُ شَكَرُ اسَدِ اللّٰهِ تَجَرَّقُ \*

## نقد ژنتیکی و تولد یک اثر

### ۱. مقدمه

توجه عمیق مکاتب «ساختارگرایی»<sup>۱</sup> و «صورت‌گرایی»<sup>۲</sup> به متن، بویژه به نوشته‌های ادبی و تجزیه و تحلیل آن از بُعد فلسفه زبان، موجب پیدایش گرایش‌های متعددی در زمینه «متن‌نگری»<sup>۳</sup> شده است. یکی از گرایش‌های مورد توجه برخی از منتقدان، «نقد ژنتیکی»<sup>۴</sup> و یا «مطالعه نسخه‌های خطی»<sup>۵</sup> است که در سال‌های قبل از ۱۹۸۰ در کشور فرانسه مطرح شده. نقد ژنتیکی اگرچه دستاورد ساختارگرایان است، در عمل راه و روش آن بکلی با راه و روش این محققان متفاوت می‌باشد. مکتب ساختارگرایی که به ثبات متن معتقد است، نمی‌کوشد تا با جستجو در متن و تجزیه و تحلیل آن نانوشته‌ها را بخواند و خط فکری نویسنده را دنبال کند، بلکه صرفاً ساختار و شکل «متن»<sup>۶</sup> را بررسی می‌کند. در حالی که نقد ژنتیکی متن را ثابت و مرده نمی‌انگارد و بیشتر ظرایف آن را در نظر می‌گیرد و با چندبار خواندن نسخه‌های خطی<sup>۷</sup> به ناگفته‌ها و \*

گروه زبان و ادبیات فرانسه «سمت»

یا گفته‌های ناتمام برمی‌خورد و سعی دارد تمام جهات فکری نویسنده اثر را از لابلای خطوط نوشته شده، قلم‌خوردگی‌ها، «گفتار ناتمام»<sup>۸</sup> نامطمئن، بی‌پایان و حذف و اضافاتی که در حین نوشتن رخ داده است، دنبال کند؛ یعنی به جای بررسی زبان‌شناختی متن ثابت، آن را دوباره از ابعاد گوناگون به حرکت وامی‌دارد، به آن پویایی بخشیده، متن‌های متعددی از آن می‌آفریند؛ به عبارتی از نوشته «نوشته‌ها»، از جمله «جمله‌ها»، از متن «متون» و خلاصه، از ثبات «حرکت» می‌سازد.

### ۲. موضوع

موضوع «نقد ژنتیکی»، همچنان که اشاره شد، اسناد کتبی و بویژه «نسخه‌های خطی» می‌باشد که اصولاً صحنه نبرد فکری و ذهنی نویسنده است. در آنجا به ماجراهای عمیق ذهنی اشاره شده است که بعد از فعالیتهای فراوان به تولد متن منجر می‌شود. نسخه خطی در واقع نقطه تماس مستقیم حیات و غلیان روح است، تفکر و اندیشه‌های خلاق نویسنده در این بستر خام و بی‌آلایش جریان دارد. آنجا صحنه عالی است که احساس، عواطف

بزرگترین هنر منتقد ژنتیکی حرکت دادن به متن، وارد شدن به پیچ‌وخم‌های آن و ایجاد فرضیه‌ها و افکار متفاوت براساس قالب شکلی نوشتار است

و خلاقیت در آن انباشته شده است و با هم تلاقی دارد. گشت و گذار در این محیط، بررسی و مطالعه زوایای این عناصر فکری، کشفیات و درک نکات مبهم بسیاری را به ارمغان می‌آورد. اسرار درونی مؤلف که به‌طور مستقیم بیان نشده است، آثارش در همه جای نوشته به چشم می‌خورد، به مرور آشکار می‌شود، فریادهایی که در لابلای خط خوردگی‌های واژگان یا در دوباره‌نویسی‌های آن خاموش مانده است، جان می‌گیرد و دیگر بار آهنگ خود را باز می‌یابد.

در واقع موضوع کار نقد ژنتیکی در حیطه «قبل از پیدایش متن»<sup>۹</sup> متمرکز است و به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که به آفرینش متن منجر می‌شود. یادآوری این نکته لازم است که «نسخه‌های خطی» اسرار نهفته‌ای را در خود جای می‌دهند. اگر به سعی و تلاش مؤلف در خصوص خلق آثارش توجه داشته باشیم، به این نتیجه می‌رسیم که قبل از

تولد «متن» به عنوان یک محصول، کارهای بسیاری روی آن انجام می‌شود: نوشتن فعلی به جای فعل دیگر، انتخاب صفتها و قیدها، کاربرد جمله فعلیه به جای اسمیه و بالعکس، استفاده از جملات کوتاه یا بلند، به کارگیری بعضی از اصطلاحات یا عبارات برای توجیه عقاید و نظریات خود و خلاصه هرگونه تغییرات و تحولاتی که مؤلف برای خلق آثارش بدان دست می‌زند و خلاصه هر قالب شکلی<sup>۱۰</sup> که نویسنده برای بیان افکار خود انتخاب می‌کند، اینها همه موضوعاتی هستند که نقد ژنتیکی<sup>۱۱</sup> به مطالعه و بررسی آنها می‌پردازد. منتقد ژنتیکی پرده‌های اسرار ذهنی و فکری نگارنده را یک به یک از لابلای همین تحولات و تغییرات بالا می‌زند. باید افزود که متون ادبی، رمان و شعر بتنهایی موضوع نقد ژنتیکی نیست، بلکه این نقد به بررسی متون و نسخه‌های خطی تاریخ علوم، موسیقی، سینما، هنرهای نمایشی و معماری نیز می‌پردازد. علومى که همانند ادبیات مى‌تواند جزئیات فکری، تحولات ذهنی و یا بازنگریهای سلیقه‌ای نویسنده را نشان دهد.

یادآوری این مطلب ضروری است که گاهی نویسنده علاوه بر تغییر و بازنویسی واژگان و بعضی از جملات که گویای پویایی تفکر نویسنده در محدوده کوچکی از فعالیتهای ذهنی اوست، دست به دوباره‌نویسی یک بند

**«سیلان فکری مؤلف و احساسات و عواطف وی در حاشیه سفید کتاب و خطوط ماشین شده اثر، ساکت و آرام پنهان مانده است.»**

یا یک صفحه و حتی گاهی چند صفحه می‌زند. در این حیطه در کار، افکار محوری نویسنده دچار تردید می‌شود و با گزینش بستری جدید برای تفکری نوین به جستجوی مطالب و مفاهیم تازه می‌شتابد. این دسته از «چرخشهای محوری»<sup>۱۱</sup> برخلاف تغییرات جزئی که بیشتر در عرصه «دستور زبان» رخ می‌دهد، مانند تغییر صفات، افعال، قیود... که در سراسر دستنوشته‌های مؤلف به چشم می‌خورد، بندرت پیش می‌آید.

### ۳. روش

روش کار منتقد ژنتیکی با بررسی نسخه خطی آغاز می‌شود. بزرگترین هنر او حرکت دادن به متن، وارد شدن به پیچ و خمهای آن و ایجاد فرضیه‌ها و افکار متفاوت براساس قالب شکلی نوشتار است. به نظر وی ادبیات صحنه «انجام دادن»<sup>۱۲</sup>، فعالیت و حرکت محسوب می‌شود.

نخستین کاری که منتقد ژنتیکی انجام می‌دهد این است که نسخه خطی مؤلف را واژه به واژه دنبال کند، به کوچکترین تغییر قالبی مکتوب در متن توجه کند. هر واژه قلم خورده، جابه‌جا شده و هر طرح، یادداشت و شکل در حاشیه نسخه خطی می‌تواند ما را به

دنیای پیچیده مؤلف رهنمون شود. علی‌رغم شیوه معمول منتقدان که خود را آن سوی نوشتار می‌یابند و شروع کار خود و حوزه فعالیتشان را در اتمام کار مؤلف می‌بینند، منتقد ژنتیکی خود را در موقعیت قبل از آفرینش متن، به عبارتی هم زمان با مؤلف یافته و حتی بیشتر از وی نیز در پیدایش<sup>۱۳</sup> «متن» سهیم است.

محصول مؤلف در نسخه چاپ‌شده به منزله راه همواری است که هیچ پیچ و خمی در آن به چشم نمی‌خورد. آن همه سعی و تلاش نگارنده، سیلان فکری وی و احساسات و عواطف او در حاشیه سفید کتاب و خطوط ماشین‌شده اثر ساکت و آرام پنهان مانده است. اما با مراجعه به «نسخه خطی»، آن مسائل پنهان در سایه بررسی و سیر در بیراهه‌های متن رفته رفته برای ما آشکار می‌شود. در واقع کار منتقد ژنتیکی «چندباره‌نویسی» است. اگر به واسطه تغییرات جزئی کوچکترین روزنه‌ای در نوشتار برای نفوذ به ذهنیات نویسنده و دنیای وی در حین خلق اثر وجود داشته باشد، منتقد آن را غنیمت می‌شمارد و به تجزیه و تحلیل آن می‌پردازد. حتی ممکن است جمله‌ای از مؤلف را به چندین شکل بنویسند و تا وصول به آخرین احتمالی که بتواند تمام زوایای نویسنده را بازگو کند، به پیش برود. در واقع می‌توان گفت که نویسنده بعد از پیمودن

کنار هم قرار گرفتن این متنهای عمقی متن افقی مؤلف نیز خودبه خود تفسیر می شود.

#### ۴. نتیجه

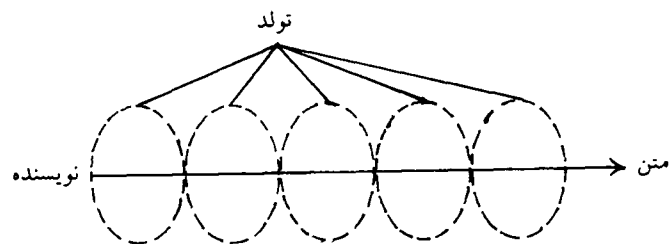
«تولد» هیچ متنی بدون تلاشهای ژنتیکی ممکن نیست. بهترین آثار نویسندگان مشهور دنیا در سایه همین سایشهای ذهنی، خط خوردگیهای مداوم، دوباره نویسیها، تعویضها و تغییرات شکل ظاهری نوشتار ایجاد شده است. اگر بخواهیم به ارزشهای والای آثار یک نویسنده یا شاعر و همچنین به چگونگی تلاش نوشتاری آنها پی ببریم، لازم است علاوه بر بررسی ساختار اثر، به نحوه پیدایش آن نیز توجه کافی داشته باشیم و این میسر نیست مگر با مطالعه و بررسی «نسخه خطی» که می تواند ما را به واقعیتهای پنهان دنیای درونی مؤلف رهنمون شود و احساسات و عواطف وی را که در روند پیدایش خشکیده اند، بنمایاند.

با توجه به نقش نقد ژنتیکی در تجدد روح پیدایش متن، چنین می توان گفت که این نقد همزمان به «متن» و به نویسنده آن جان می بخشد و دید ما را به زمان انجام اثر نزدیکتر ساخته و پیدایش آن را ملموستر می کند. منتقد ژنتیکی نقش چند بعدی خود را در تحقق این هدف به کار می گیرد. وی در واقع به مثابه نویسنده ای است که علاوه بر خلق «چند باره» اثرش به تحلیل موضوعات

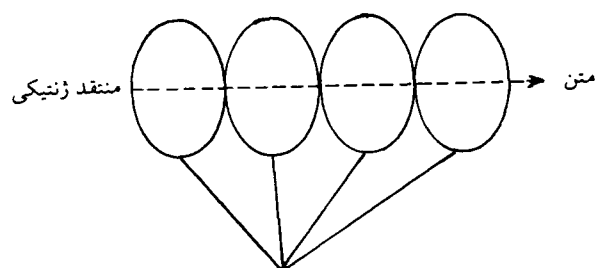
ادامه در صفحه ۲۷

بوضوح می توان گفت که کار منتقد ژنتیکی به مراتب دشوارتر از کار خود نویسنده است. همچنان که طرحهای ذیل نشان می دهد، تولد متن در زیر قلم مؤلف مسیری نسبتاً مستقیم در پیش دارد. البته نمی توانیم تلاش نویسنده و چرخشهای جانبی وی را که (در شکل ۱) با خطوط منحنی نقطه چین مشخص شده است. نادیده بگیریم. هر یک از این انحناها بیانگر تلاش مستمری است که نویسنده در زمینه دستور زبان، سبک، انتخاب واژه، تحلیل سخن و غیره انجام می دهد. اما نهایتاً بعد از تغییرات، تردیدهای متعدد و به حاشیه رفتنهای مداوم رگه اصلی کار مشخص می شود و متن بستر خود را باز می یابد و برای تولد مهیا می گردد. ولی کار منتقد ژنتیکی ابتدا جهت منحنی یا به اصطلاح «عمودی» به خود می گیرد و آن را هدف اصلی خود می سازد و تفسیری از هر یک از انحرافات نویسنده می سازد و با

مسیرهای انحرافی، سرانجام راه خود را که همان رسیدن به انتهای متن است می یابد و اثر خود را می آفریند، یعنی هدف نویسنده رسیدن به پایان است. اما هدف اصلی منتقد رسیدن به پایان متن نیست، بلکه کار وی یک «حرکت جانبی و چرخشی» است. منتقد باید ابتدا آن انحرافات را با تحلیلهای اصولی خود بیابد که این خود کار بسیار دشواری است و تا انتها نیز برود و در چند و چون آن بحث کند. هر انحرافی در واقع آغازی است که باید به انتها کشید و اینجاست که مسأله «چندباره نویسی» مطرح می شود. به عبارتی هر تغییری که توسط مؤلف صورت گرفته است نیاز به تفسیر و بازنویسی دارد که در نتیجه «متن» نویسنده به «متون» فرضی تحلیلی گوناگونی تبدیل می شود. برای پی بردن به اهمیت کار منتقد به اشکال زیر توجه کنید:



شکل ۱



شکل ۲

پیدایش

نورالله قیصری \*

## گرایشهای مختلف در فرهنگ سیاسی ایران عصر مشروطه (دوره قاجار)

یکدیگر بستگی دارند. در فرض ما این گرایشها، نقش حاملان و عاملان فرهنگ سیاسی را عهده دارند.

لازم است مختصری درباره مفاهیمی چون «فرهنگ»، «فرهنگ سیاسی» و «ساز و کارهای نفوذ فرهنگی» ذکر شود. روشن شدن این مفاهیم به چگونگی نضج و پیدایش گرایشهای سیاسی جدیدی که در فرهنگ سیاسی ایران سابقه نداشته است، کمک می‌کند. به عبارت دیگر ترکیبی از درون‌مایه‌های این مفاهیم که وضعیت انضمامی پیدا کند، می‌تواند تحلیلی در مورد چگونگی پیدایش، بالندگی و افول گرایشهای سیاسی ایران باشد.

### الف) فرهنگ

قبل از هر چیز این نکته شایان ذکر است که بر سر مفاهیمی همچون فرهنگ، فرهنگ سیاسی، ساز و کارهای نفوذ فرهنگی مانند بسیاری از دیگر مفاهیم در علوم انسانی، اجماع نظر وجود ندارد. مثلاً ادبا، فلاسفه، مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان و علمای علم سیاست، تعاریف مختلفی از فرهنگ ارائه کرده‌اند و هر کدام بنا به معیارهای پذیرفته شده

می‌دهد.

در این مقاله ما به وجه سوم اهمیت نهضت مشروطه در تاریخ معاصر ایران می‌پردازیم و با ارائه مباحثی در باره فرهنگ و فرهنگ سیاسی، به گرایشهای مختلف شکل دهنده فرهنگ سیاسی دوران مشروطه اشاره خواهیم کرد.

فرض اصلی ما در این مقاله این است که فرهنگ سیاسی ایران بتدریج از اواسط دوران قاجاریه تحت تأثیر عناصر و اجزایی از فرهنگ غربی قرار گرفت که نهایتاً به شکل‌گیری خرده‌فرهنگهای متعدد انجامید. این خرده‌فرهنگها، هر کدام تجلی رفتار، اندیشه، خواسته‌ها و تمایلات یکی از گرایشهای سیاسی دوران معاصر، از نهضت مشروطه به بعد بوده است. فرض دیگرمان این است که بین خرده‌فرهنگهای سیاسی شکل‌دهنده و گرایشهای سیاسی بستر آن، نوعی رابطه تعاملی برقرار است و حیات هر دو به

«فرهنگ سیاسی ایران بتدریج از اواسط دوران قاجاریه تحت تأثیر عناصر و اجزایی از فرهنگ غربی قرار گرفت که نهایتاً به شکل‌گیری خرده‌فرهنگهای متعدد انجامید.»

اگر تأسیس سلسله قاجاریه را آغاز دوران معاصر تاریخ ایران به حساب آوریم، نهضت مشروطه به دلایلی چند از نقاط عطف بسیار مهم آن به‌شمار می‌آید. اولاً نهضت مشروطه ساختار نظام سیاسی پادشاهی استبدادی ایران را دگرگون ساخت. برای اولین بار در عرصه سیاست «رعایای ایران» در چهارچوب قانون اساسی و نظامنامه انتخاباتی پارلمان به حقوقی دست یافتند که شأن آنها را به «ملت» که در منشأ قدرت سیاسی سهیم است، ارتقا داد.<sup>۱</sup> ثانیاً این دستیابی به حقوق جدید و آگاهی از آن، در نتیجه نضج و انتشار افکار و اندیشه‌های جدیدی بود که تغییری در جهان‌نگری ایرانیان در عرصه مسائل سیاسی ایجاد کرد.<sup>۲</sup> ثالثاً نهضت مشروطه سبب ظهور نیروهایی جدید در جامعه شد که اندیشه‌ها، آمال و آرزوها و اقدامات آنها توانست فرهنگ عمومی و به تبع آن، «فرهنگ سیاسی» ایران را تاحدودی تحت تأثیر خود قرار دهد، به گونه‌ای که تحولات سیاسی بعدی، این تأثیر را بخوبی نشان

\* دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی از

دانشگاه تربیت مدرس

خود، عناصری را در تعریف فرهنگ برجسته کرده‌اند. برخی نیز تعریفی ابتکاری و خاص خود، ارائه داده‌اند.<sup>۳</sup> در این مقاله، نگاه مردم‌شناسانه به فرهنگ، ارجح دانسته شده است.

از دیدگاه مردم‌شناسانه، فرهنگ «نظامی از ارزشها»<sup>۴</sup>، احساسات<sup>۵</sup>، باورها<sup>۶</sup>، نمادها<sup>۷</sup>، نگرشها<sup>۸</sup> و سمت‌گیریها<sup>۹</sup> است که به رفتار فرد در قالب الگوهای رفتاری در موقعیتهای مختلف، جهت، معنا و مفهوم می‌بخشد.<sup>۱۰</sup> این نظام، سازنده هویت جمعی یک گروه یا ملت است و آن را از سایر گروهها و یا ملتها، متمایز می‌سازد.<sup>۱۱</sup> فرهنگ، حفظ و بقای هویت جمعی را از طریق اعمال دو کارویژه اساسی «فرهنگ‌پذیری»<sup>۱۲</sup> و «جامعه‌پذیری»<sup>۱۳</sup> تضمین می‌کند. فرهنگ‌پذیری در ادبیات فرهنگی به دو معنا به کار رفته است. یکی اینکه فرهنگ‌پذیری فرایندی است که فرهنگ به وسیله آن، کلیت خود را از طریق آموزش دادن و آموختن ارزشها، احساسات، اندیشه‌ها و خلاصه اجزا و عناصر خود به افراد حفظ می‌کند. در این معنا، فرهنگ عناصر خود را به نسل جدید آموزش می‌دهد و با فرهنگ‌پذیر کردن آنها، بقای خود را تضمین می‌کند.<sup>۱۴</sup>

در معنای دوم، فرهنگ‌پذیری فرایندی است که طی آن دو فرهنگ در تماس با یکدیگر قرار می‌گیرند و در

«بین خرده‌فرهنگهای سیاسی شکل‌دهنده و گرایشهای سیاسی پستر آن، نوعی رابطه تعاملی برقرار است و حیات هر دو به یکدیگر بستگی دارد.»

نتیجه این تماس به همگرایی بیشتری می‌رسند. اجزا و عناصر دو فرهنگ در نتیجه تبادل با یکدیگر می‌توانند همگرایی، مبادله مساوی ارزشها و اندیشه‌ها و یا محو یک فرهنگ باشند.<sup>۱۵</sup> قدرت فرهنگها در این عرصه سنجیده می‌شود. هر فرهنگی که بتواند بیشتر عناصر خود را نفوذ دهد و یا آنها را جایگزین عناصر فرهنگ مقابل کند، از قدرت و توان بیشتری برخوردار است. بعداً درباره این مطلب بیشتر بحث خواهیم کرد.

در کار ویژه جامعه‌پذیری، فرهنگ، با هویت بخشیدن به یک جامعه، از طریق الگوهای رفتاری خاص، بقای آن جامعه را تضمین می‌کند. فرهنگ و سازوکارهای آن، مانع پاشیدگی گروهها و تجمعات انسانی شده، آنها را به هم پیوند می‌زند و وضعیتی به وجود می‌آورد که یک جامعه را از سایر جوامع متمایز می‌کند و امکان بقای آن را در مواجهه با حوادث و دگرگونیها، فراهم می‌سازد.<sup>۱۶</sup> افراد، اجزا و عناصر هویت‌بخش فرهنگ را فرا می‌گیرند و براساس آن هویت فردی خود را در جامعه‌ای که ارزشهای فرهنگ را پذیرفته است، بازسازی می‌کنند و به

این ترتیب افراد، به جامعه‌ای خاص بستگی پیدا می‌کنند و به یک اعتبار، جامعه‌پذیر می‌شوند. البته الگوهای رفتاری فرهنگ، همیشه ثابت نیستند و با تغییر و تحولات زمان، یا دگرگون یا با آن هم‌نوا می‌شوند. تغییرات در ارزشها، اندیشه‌ها، احساسات و سمت‌گیریها، به تغییر در الگوهای رفتاری پذیرفته شده می‌انجامد. اصولاً، اجزا و عناصر فرهنگ، خود از سنخ پدیده‌هایی هستند که متحولند و این تحول‌پذیری هم الگوهای رفتاری و هم چهره فرهنگ را تغییر می‌دهد.<sup>۱۷</sup>

در این دو کار ویژه اساسی، تمامی فرهنگها مشترکند. یکی دیگر از ویژگیهای فرهنگ این است که علاوه بر اجزا و عناصر، دارای نظامهای فرعی یا «خرده‌فرهنگ» است. تنوع فعالیتهای انسانی در جامعه باعث شده است که به تناسب سطح تکامل و رشد جامعه در درون فضای فرهنگ عمومی، خرده‌فرهنگهایی شکل بگیرد.<sup>۱۸</sup> این خرده‌فرهنگها، خاصه‌ها و کارویژه‌های فرهنگ عمومی را دارا هستند، منتها سپهر و سایه آنها، گستردگی سپهر و سایه فرهنگ عمومی را ندارد. یکی از این خرده‌فرهنگهای مهم، فرهنگ سیاسی است که در این جا مورد بحث ماست:

### ب) فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی، مهمترین خرده‌فرهنگ

در فضای فرهنگ عمومی است که بتدریج از سایر خرده فرهنگها بیشتر به فرهنگ عمومی شباهت پیدا کرده است، یعنی عمومیت بیشتری یافته است. علت آن نیز تقریباً واضح است؛ به این معنا که شأن سیاسی همواره از مهمترین شئون حیات اجتماعی انسان بوده است و بویژه با آغاز دوران نوین و پدید آمدن واحدهای سیاسی ملی<sup>۱۹</sup>، سیاست و رفتار سیاسی در عرصه عمومی، اهمیت فزاینده تری پیدا کرده است. این فزاینده گی به عمومیت یافتن خرده فرهنگی که هدایت کننده رفتار سیاسی فرد است، می انجامد.

فرهنگ سیاسی از جمله پدیده هایی است که ریشه در بنیادهای تاریخی یک قوم و ملت دارد و پیوند بسیار نزدیکی با خاطره جمعی و حافظه تاریخی دارد که بتدریج شکل گرفته و راهنمای عمل سیاسی آن قوم یا ملت شده است. بنابراین، دربرگیرنده حوزه های عمیق احساسات و وفاداری نسبت به هویت جمعی است.<sup>۲۰</sup>

لوسین پای، یکی از علمای علم سیاست امریکا، فرهنگ سیاسی را این گونه تعریف می کند: «نظامی از عقاید تجربی، نمادهای قابل بیان و

فرهنگ سیاسی از جمله پدیده هایی است که ریشه در بنیادهای تاریخی یک قوم و ملت دارد و پیوند بسیار نزدیکی با خاطره جمعی و حافظه تاریخی دارد.»

ارزشهایی است که مشخص کننده موقعیتی است که عمل سیاسی در آن به وقوع می پیوندد.<sup>۲۱</sup>

در این تعریف، عمده عناصر فرهنگ عمومی، وجود دارد، منتها حوزه عمل فرهنگ سیاسی، دادن شکل، جهت و معنا به رفتار سیاسی فرد در قالب الگوهای رفتار سیاسی در موقعیتهای مختلف عمل سیاسی است. اما از آنجا که الگوهای رفتار سیاسی در یک فرهنگ نسبت به فرهنگ دیگر متفاوت است، در فرهنگ سیاسی یک جامعه نسبت به جامعه دیگر نیز تفاوت به وجود می آید.<sup>۲۲</sup>

از میان عناصری که به فرهنگ سیاسی شکل می دهند چند عنصر اهمیت خاص دارند و براساس آنها می توان اولاً فرهنگ سیاسی یک جامعه را در همه سطوح شناسایی کرد. ثانیاً توصیف محتوای این عناصر، معیاری است برای تمیز یک فرهنگ سیاسی از فرهنگ دیگر.

این عناصر عبارتند از: ۱) سمت گیری نسبت به قدرت سیاسی<sup>۲۳</sup>؛ ۲) گرایشهای موجود نسبت به قدرت سیاسی<sup>۲۴</sup>؛ ۳) بروز احساسات مختلف نسبت به قدرت سیاسی<sup>۲۵</sup> و ۴) ارزشها. ۱. سمت گیری نسبت به قدرت سیاسی. علی رغم تنوعی که در الگوهای رفتار سیاسی یک جامعه مشاهده می شود فضایی وجود دارد که در آن رفتار فرد، رنگ و بوی سیاسی به خود

می گیرد. این فضا، فضایی ذهنی و قانونمند است که به سیاست معنا می دهد، نهادها را به نظم در می آورد و اعمال فردی را به اعمال جمعی، متصل می سازد. رابطه فرد با قدرت سیاسی نیز در این فضا برقرار می شود.<sup>۲۶</sup> به عبارت دیگر، در این فضا است که فرد نسبت به قدرت سیاسی سمت گیری می کند. در سمت گیری فرد نسبت به قدرت، سطح دانش و شناخت فرد از نظام سیاسی، احساسات او نسبت به نظام و قدرت سیاسی و قضاوت او درباره موضوعات سیاسی اهمیت دارند. در بسیاری از موارد ممکن است ارزشها، انگیزه ها و باورهایی که به سمت گیری فرد نسبت به قدرت سیاسی شکل می دهد ناشی از فضای فرهنگی داخلی نباشد.

۲. گرایشهای موجود نسبت به قدرت سیاسی. از آنجا که روابط بین حاکمان و محکومان یا بین مادونها و مافوقها، موضوع اصلی در سیاست است، بخشی از فرهنگ سیاسی، به چگونگی تنظیم این روابط و مشروعیت یافتن آنها مربوط می شود. چگونگی مشروعیت رفتار حاکمان با محکومان در یک نظام سیاسی به فرهنگ سیاسی و گرایش سیاسی ملهم از نظام ارزشی جامعه بستگی دارد. در جوامع سنتی، مشروعیت این روابط مبتنی بر تنظیم سلسله مراتبی است. در حالی که در فرهنگ سیاسی جوامع پیشرفته، جهت

در نتیجه نفوذ فرهنگی غرب، سه خسرده فرهنگ مهیم در فرهنگ سیاسی ایران در عصر مشروطه پدید آمد که به گونه‌ای جامعه سیاسی ما را تا پیروزی انقلاب اسلامی متأثر کرد.<sup>۲۶</sup>

مشروعیت این روابط بر حذف روابط مبتنی بر نظام منزلتی در مسائل سیاسی، رهبری کارآمد و مؤثر سیاسی و آرمانهای تساوی خواهانه است.<sup>۲۷</sup> در گرایش و شکل‌گیری آن، کلیه عناصر شکل‌دهنده فرهنگ مهیم هستند و در واقع، گرایش سیاسی افراد، برآیند برداشتهای آنها از فرهنگ سیاسی است، و از آنجا که این برداشتها و عناصر شکل‌دهنده آنها یکی نیست، تنوعی در این گرایشها مشاهده می‌شود.

۳. بروز احساسات مختلف نسبت به قدرت سیاسی. فرهنگ سیاسی، تبلور حوزه‌های احساسی عمیق از رفتار سیاسی فرد است، از جمله احساس هویت جمعی، احساس وفاداری به نظام سیاسی، احساس تعلق و وابستگی به سرزمین، کشور، ملت و حوزه جغرافیایی معینی که فرد در آن پرورش پیدا کرده است. در جوامع سنتی، وفاداریهای سیاسی بیشتر متوجه سرزمین پدری، قوم و قبیله و رهبری آن است و جنبه شخصی دارد و مبتنی بر پیوندهای بین افراد است در حالی که در جوامع پیشرفته جای خود را به وفاداری به ملت و آرمانهای آن می‌دهد.

۴. ارزشها. فرهنگ، نظام ارزشی

جامعه را تغذیه و اصلاح می‌کند. رفتار عمومی فرد در جامعه با معیار ارزشها ارزیابی می‌شود. در حوزه عمل سیاسی نیز، ارزشهایی وجود دارند که راهنمای عمل سیاسی و معیار آن هستند. به عنوان مثال، در فرهنگ سیاسی ما «شهادت» همواره یک ارزش سیاسی کامل و وابستگی به بیگانه، وطن‌فروشی از اعمال ضد ارزش بوده است. ارزشهای فرهنگ سیاسی، عموماً همان ارزشهای مقبول و پذیرفته شده در حوزه فرهنگ عمومی است، منتها آنها در حوزه عمل سیاسی، رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند.

### ج) ساز و کارهای نفوذ فرهنگی

نفوذ فرهنگی یکی از انواع تحول فرهنگی<sup>۲۸</sup> است. تحول فرهنگی جریانی است که در نتیجه برخورد یا تماس فرهنگها با یکدیگر، در نهادها، ارزشها، گرایشها و سایر اجزا و عناصر آنها ایجاد می‌شود.<sup>۲۹</sup>

اما اینکه چرا یک فرهنگ می‌تواند اجزا و عناصر خود را به فرهنگ دیگر منتقل کند، دلایل متعددی وجود دارد که ما در اینجا متعرض آن نمی‌شویم و فقط به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که با توجه به ماهیت آن، مقلد و بی‌ابتکاربودن یا خالق و مبدع، این وضعیت متفاوت می‌شود.<sup>۳۰</sup>

اما به طور کلی مبادله و نفوذ فرهنگها با یکدیگر از طریق دو سازوکار انتشار و فرهنگ‌پذیری انجام می‌شود:

۱. انتشار<sup>۳۱</sup>. انتشار به معنای پخش شدن عناصر یک فرهنگ به درون فرهنگی دیگر است. اما برخی از مردم‌شناسان بر این نظرند که زمانی می‌توانیم از انتشار صحبت کنیم که بپذیریم جنبه‌هایی از یک فرهنگ به فرهنگ دیگری منتقل شده، نه صرفاً عناصری خاص و معین. در نظریه انتشار، فرض بر این است که تکامل و تغییر فرهنگها، صرفاً پدیده‌ای درونزاد نیست، بلکه، فرهنگها با یکدیگر در کنش متقابلند و از این طریق است که فرهنگها تغییر و تکامل می‌یابند.<sup>۳۲</sup>

بسیاری از عادات که امروزه در زندگی روزانه ما متداول شده، در نتیجه انتشار فرهنگ غربی است. در بسیاری از جوامع دیگر نیز وضع به همین منوال بوده است و فقط فرهنگهایی که در معرض شعاع فرهنگ غربی قرار نگرفته‌اند تا حدودی توانسته‌اند آداب و سنتهای خود را حفظ کنند.

حتی این پدیده در مورد جوامع غربی نیز مصداق دارد، به طوری که این گفته مشهور لیستون مردم‌شناس امریکایی، «از اینکه صد در صد وجودش امریکایی است از یک خدای عبری به یک زبان هند و اروپایی سپاسگزاری خواهد کرد»<sup>۳۳</sup> حاکی از گستردگی انتشار ارزشها و عادات از سایر فرهنگها به فرهنگ امریکایی است. البته همان‌گونه که ذکر شد، پدیده انتشار پدیده‌ای همه جایی است و همه

فرهنگها از آن بهره‌برداری می‌کنند. منتها برخی از فرهنگها در اقتباس عناصر از فرهنگ دیگر، آزادانه عمل کرده، آن را در قالبهایی که خاص خودشان است می‌ریزند و به نحوی آن را خودی می‌کنند. در مقابل، در برخی از فرهنگها، عناصر اقتباس شده در اثر انتشار، به شکل اولیه خود باقی می‌مانند یا به‌عنوان زائیده فرهنگ اقتباس شده و یا به‌عنوان عناصری که جایگزین عناصر درونی و بومی آن فرهنگ می‌شود، ظاهر می‌شوند. گاهی نیز در نتیجه تماس دو فرهنگ با یکدیگر محصولاتی جدید پدید می‌آیند، مثلاً در اثر برخورد عناصری از فرهنگ خارجی با فرهنگ بومی، در معماری بناهای یک کشور سبکهای جدید ظاهر می‌شود. نمونه‌ای از این‌گونه را می‌توان در ساختمان مسجدالجواد در تهران مشاهده کرد.

در حوزه فرهنگ سیاسی نیز وضع به همین منوال است. بسیاری از عناصر و ارزشهای سیاسی فرهنگ سیاسی غربی بخصوص از زمان پیروزی انقلاب فرانسه به بعد، در جهان منتشر شده و حاملان فرهنگهای سیاسی جوامع دیگر، بویژه جهان سوم، هرکدام بنا به ذوق و سلیقه خودشان، برخی از این عناصر را جذب و در درون فرهنگ خود پخش کرده‌اند. این روند به‌گونه‌ای بوده است که امروزه، دموکراسی و احترام به حقوق اساسی انسان یک ارزش عام

جهانی شده و استبداد و تحقیر انسان به صورت پدیده‌ای ضد ارزش درآمده است.

۲. فرهنگ‌پذیری. فرهنگ‌پذیری یکی از ساز و کارهای نفوذ فرهنگی است که منجر به تغییر و دگرگونی در فرهنگها می‌شود. علمای مردم‌شناس، فرهنگ‌پذیری را این‌گونه بیان کرده‌اند: «فرهنگ‌پذیری در برگزیده آن پدیده‌هایی است که بر اثر تماس مستقیم و مداوم گروههایی از افراد که دارای فرهنگهای مختلفند و بر اثر تغییرات حاصل در انگاره‌های فرهنگی اصلی یکی از آنها یا هر دوی آنان، پدیدار می‌شوند»<sup>۳۴</sup> در این معنا، دگرگونی فرهنگی انجام می‌پذیرد و می‌تواند ساز و کار انتشار را هم در برگیرد. می‌توان انتشار را یکی از جنبه‌های فرهنگ‌پذیری دانست، منتها، انتشار بدون «تماس مستقیم و مداوم» که خاصه فرهنگ‌پذیری است، به وقوع می‌پیوندد.

در فرهنگ‌پذیری دو فرهنگ در اثر تماس مداوم به همگرایی بیشتری دست می‌یابند. جریان تماس می‌تواند پدیده‌های مختلفی از جمله استعمار، جنگ، اشغال نظامی، مهاجرت، مبادلات اقتصادی و فرهنگی،

«همکاری نزدیک علمای بزرگ شیعه با حکومت صفوی، سستی را پایه‌گذاری کرد که تا اواخر دوره قاجاریه ادامه یافت».

جهانگردی، فعالیتهای میسیونری، اعزام دانشجو و ... را دربرگیرد.

در بسیاری از مواقع ساز و کار فرهنگ‌پذیری، نتیجه تماس همگرایی دو فرهنگ نیست، بلکه محو و ضعیف‌شدن یک فرهنگ در مقابل فرهنگ دیگر است. از جمله می‌توان به برنامه‌های «اداره استعمار» و «دفتر امور سرخپوستان» برای متمدن ساختن مردمان افریقا و بومیان امریکا، که در نتیجه نفوذ فرهنگهای غربی، فرهنگ بومی آنها بشدت آسیب دیده و به مرز اضمحلال رسیده است، اشاره کرد. در حوزه فرهنگ سیاسی نیز وضع همین‌گونه است. امروزه در اثر گسترش تماس بین کشورهای جهان سوم با ممالک غربی، نظامهای سیاسی این کشورها و فرهنگ سیاسی - بومی آنها، بشدت تغییر کرده است. اگر چه بازمانده‌های آن هنوز در وجدانیات افراد و نهادهای تشکیل دهنده اجتماعی باقی مانده است و در مواقع مختلف بروز می‌کند، با این حال می‌توان گفت که فرهنگ سیاسی این جوامع، دیگر همان فرهنگ سیاسی قبل از استعمار نیست. فرهنگ سیاسی و بومی ما نیز، بتدریج از دوران قاجاریه با دو ساز و کار انتشار و فرهنگ‌پذیری، از فرهنگ غربی اثر پذیرفته و نتیجه آن پیدایش گرایشهایی نوین بوده که افکار، اندیشه‌ها، آمال و آرزوهای آنها همراه با عملکردشان در عرصه سیاست ایران،

خرده‌فرهنگ‌هایی را ایجاد کرده است. گسترش ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین کشور ما و کشورهای غربی، اعزام دانشجو به خارج، برپایی تأسیسات تمدنی جدید در ایران، ترجمه و نشر آثار و کتب ادبی و علمی غربی، انتشار روزنامه، و ... از آن جمله است.

تماس فرهنگی ما با تمدن غربی - اروپای غربی - در بسیاری موارد مستقیم نبوده است. بجز ارتباطات فرهنگی خاص مانند اعزام دانشجو به فرنگ و ترجمه آثاری از علم، فلسفه و ادبیات سیاسی غرب<sup>۳۵</sup> و ارتباطات سیاسی و تجاری، در سایر موارد تماس از طریق دو حوزه فرهنگی عثمانی و هندوستان (جهان اسلام) و روسیه تزاری انجام گرفته است.<sup>۳۶</sup> این دو حوزه فرهنگی نیز به نوبه خود با همان دو سازوکار نفوذ فرهنگی، از فرهنگ اروپای غربی متأثر شده بودند. روابط اقتصادی و تجاری و فرهنگی ما با دو حوزه مذکور به دلیل نزدیکی جغرافیایی و سنخی و روابط دیرینه فرهنگی، به مراتب گسترده‌تر از روابط با اروپای غربی بوده است. مثلاً در اوایل نهضت مشروطه هزاران نفر از کارگران ایرانی در شهرهای روسیه تزاری (عمدتاً قفقاز و باکو) به کار مشغول بودند و بسیاری از روزنامه‌های فارسی زبان که از راه‌های مهم آشناسازی ایرانیان با تمدن و فرهنگ غربی بوده است، در

عثمانی (اسلامبول و قاهره) و یا در هند (کلکته و بمبئی) چاپ می‌شده و به ایران می‌آمده است. بسیاری از کتابهای نویسندگان غرب‌شناس آن دوران در هند و قاهره چاپ شده است. عمده برداشتهای ایرانیان از اندیشه‌های سوسیالیستی، متأثر از حوزه فرهنگی روسیه تزاری بوده که این اندیشه‌ها در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم اندیشه و عمل ناسیونالیستی و یا آنچه که به‌عنوان گرایش سیاسی ناسیونالیسم در ایران عصر مشروطه می‌توان شناسایی کرد، ویژگیهای خاصی دارد. اولاً به صورت طیفی درآمد که در آن از ناسیونالیسم خالص و تمام عیار تا ناسیونالیسم لیبرال و ناسیونالیسم سوسیالیستی و حتی مذهبی می‌توان سراغ گرفت. ثانیاً در بسیاری موارد خصلت تلفیقی پیدا کرده و با سایر گرایشهای مهم سیاسی از جمله گرایش اسلام سیاسی و سوسیالیسم در مقاطعی از تاریخ عجین شده است. ثالثاً آنچه به‌عنوان گرایش سیاسی ناسیونالیسم در ایران عصر مشروطه قابل شناسایی است، با نمونه مثالی آن رواج زیادی داشته است.

به هر حال در اثر تماسهای با واسطه از طریق حوزه‌های فرهنگی مجاور و یا بسواسطه با فرهنگ غرب، خرده‌فرهنگ‌هایی در عرصه فرهنگ سیاسی ایران شکل گرفت که بسیاری از عناصر و اجزای آن علی‌رغم تلاش

آگاهانه و ناآگاهانه حاملان این خرده‌فرهنگها - در بومی ساختن آنها - همچنان نشان از نفوذ عناصر فرهنگ غربی دارند. به عبارت دیگر، مسأله غرب و تمدن و فرهنگ آن، برای نخبگان فکری ما، به همان قوت اولیه، همچنان مطرح است و هنوز بسیاری از چالشهای فکری، پیرامون رهیافتی برای بومی سازی عناصر این فرهنگ، در عرصه فرهنگ سیاسی اروپای غربی، متفاوت است. برای تشریح ویژگیها و عناصر این خرده‌فرهنگ که در گرایش سیاسی، ناسیونالیسم، متجلی شده است، از ویژگی سوم، جریان ناسیونالیسم در ایران عصر مشروطه، بحث را باز می‌کنیم.

از اواسط قرن نوزدهم میلادی ناسیونالیسم در اروپا به‌عنوان یک نظریه و جنبش سیاسی شناخته شد و انقلاب فرانسه، آشکارا، مبدأ این گرایش سیاسی بود. اندیشه ناسیونالیستی اروپا، ارتباط تنگاتنگی با مسأله هویت ملی پیدا کرد. تا قبل از پیدایش این اندیشه و جنبش سیاسی، هویت انسانها براساس دودمان، مذهب و مکان جریان است.

به هر صورت در نتیجه نفوذ فرهنگی غرب، سه خرده فرهنگ مهم در فرهنگ سیاسی ایران در عصر مشروطه پدید آمد که به‌گونه‌ای جامعه سیاسی ما را تا پیروزی انقلاب اسلامی متأثر کرد:

الف) خرده فرهنگ سیاسی ناسیونالیسم؛  
 ب) خرده فرهنگ سیاسی سوسیالیسم؛  
 ج) خرده فرهنگ سیاسی اسلام سیاسی.

## الف) خرده فرهنگ سیاسی ناسیونالیسم

اندیشه و عمل ناسیونالیستی و یا آنچه که به عنوان گرایش سیاسی ناسیونالیسم در ایران عصر مشروطه می توان شناسایی کرد، ویژگیهای خاصی دارد. اولاً به صورت طیفی درآمد که در آن از ناسیونالیسم خالص و تمام عیار تا ناسیونالیسم لیبرال و ناسیونالیسم سوسیالیستی و حتی مذهبی می توان سراغ گرفت. ثانیاً در بسیاری موارد خصلت تلفیقی پیدا کرده و با سایر گرایشهای مهم سیاسی از جمله گرایش اسلام سیاسی و سوسیالیسم در مقاطعی از تاریخ عجین شده است. ثالثاً آنچه به عنوان گرایش سیاسی ناسیونالیسم در ایران عصر مشروطه قابل شناسایی است، با نمونه مثالی آن در عرصه فرهنگ سیاسی اروپای غربی، متفاوت است. برای تشریح ویژگیها و عناصر این خرده فرهنگ که در گرایش سیاسی، ناسیونالیسم، متجلی شده است، از ویژگی سوم، جریان ناسیونالیسم در ایران عصر مشروطه، بحث را باز می کنیم.

از اواسط قرن نوزدهم میلادی ناسیونالیسم در اروپا به عنوان یک نظریه و جنبش سیاسی شناخته شد و انقلاب فرانسه، آشکارا، مبدأ این گرایش سیاسی بود. اندیشه ناسیونالیستی اروپا، ارتباط تنگاتنگی با مسأله هویت ملی پیدا کرد. تا قبل از پیدایش این اندیشه و جنبش سیاسی، هویت انسانها براساس دودمان، مذهب و مکان زندگیشان شناخته می شد؛ اما بعد از پیدایش آن، بتدریج، تعلق به دولت ملی جایگزین این هویتها شد و از این بعد، انسانها بر مبنای تعلق به جغرافیای سیاسی خاص و ویژگیهای خاص خود، اعم از سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی، شناخته شدند.

البته، اندیشه ناسیونالیسم، بجز اندیشه هایی که به انقلاب فرانسه منجر شد، حاملان دیگری نیز داشت. در آلمان اندیشه های فیلسوفانی چون «فیخته» و «هردر» که مبتنی بر یگانگی و برتری ملت آلمان بود، منادی ناسیونالیسم آلمانی بود. از دیدگاه هردر، «هر ملت دارای یک روح ملی»<sup>۳۷</sup> است و بر این مبنای، نقش ناسیونالیسم آگاهی یافتن به این پدیده و قدرشناسی نسبت به فرهنگ و سنن ملت است. هدف دکترین ناسیونالیسم اروپایی، تأسیس ملت است، ملتی که حق

حاملان اندیشه های ناسیونالیستی به ایران، روشنفکران و آشنایان به افکار جدید غربی بودند

دخالت در تعیین سرنوشت<sup>۳۸</sup> خود را دارد و با عناصری چون نژاد، زبان، فرهنگ، ایده ها، آرمانها، تجربه های تاریخی و سرزمینی مشترک مشخص می شود. از لحاظ نظری، اندیشه ناسیونالیسم به گرایشهای متعددی تقسیم شده است، از جمله ناسیونالیسم کلاسیک که مبتنی بر اندیشه های قرون ۱۸ و ۱۹ فلاسفه سیاسی اروپا بوده، در انقلاب فرانسه تجلی پیدا کرده و بر ملت سازی<sup>۳۹</sup> استوار است؛ جریانی که یا از طریق متحد شدن<sup>۴۰</sup> و یا از طریق به دست آوردن استقلال ارضی و بیرون راندن بیگانگان امکان پذیر می شود. شاخه های دیگری از ناسیونالیسم در قرن بیستم پدید آمده است مانند، ناسیونالیسم فرهنگی، تکنولوژیک، یکپارچه کننده که اهداف دیگری را تعقیب می کنند.

حال ببینیم چگونه امواج ناسیونالیسم در جهان منتشر شد و به ایران رسید و به صورت یک گرایش سیاسی و خرده فرهنگ سیاسی نمود پیدا کرد.

گسترش امواج ناسیونالیسم در جهان، بویژه در آسیا و سایر کشورهای جهان سوم، متأثر از صدور پیام انقلاب فرانسه بود. جنگهای ناپلئونی (۱۷۹۲-۱۸۱۵) که به اتحاد آلمان و ایتالیا انجامید، از نخستین امواج ناسیونالیستی در اروپای غربی بود، این موج سرانجام در قرن نوزدهم و اوایل

قرن بیستم به آسیا رسید و به صورت نهضت‌های استقلال‌طلبانه بروز کرد.

آنچه قابل ذکر است اینکه ناسیونالیسم اروپایی پدیدهٔ شوم استعمار را برای آسیا و جهان سوم به همراه داشت و ناسیونالیسم آسیایی و جهان سومی، پیامد آثار این استعمار بود.<sup>۴۱</sup>

استعمار، همراه با جهانی شدن فرهنگ، سیاست و اقتصاد سرمایه‌داری بود. جریانی که هویت‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره را به چالش کشید، سبب بیداری آنها و در نتیجه رشد روحيات و انگیزه‌های ناسیونالیستی شد. رشد‌گرایش سیاسی ناسیونالیسم و خرده‌فرهنگ سیاسی آن در ایران عصر مشروطه نیز متأثر از همین جریان بود، اما در عمل، اندیشه و عمل ناسیونالیستی در ایران بتدریج خصلتی دوگانه<sup>۴۲</sup> پیدا کرد.<sup>۴۳</sup> یک وجه آن اخذ و جذب برخی از عناصر این‌گرایش فکری از فرهنگ سیاسی و اندیشه‌ای غرب - برای رهایی از ظلم، فقر و استبداد - و وجه دیگر آن، طرد نفوذ و مداخله اقتصادی و سیاسی غرب در وجوه مختلفش، برای حفظ و تأمین استقلال ایران بود. همین خصلت دوگانه اندیشه و عمل ناسیونالیسم، آثاری از خود بر این‌گرایش گذاشت که از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد: (۱) پیدایش‌گرایش «بیگانه‌ترسی شدید»<sup>۴۴</sup>

### ناسیونالیسم اروپایی پدیده شوم استعمار را برای آسیا و جهان سوم به همراه داشت

در میان بخش‌های مختلف طیف ناسیونالیسم، مقوم این‌گرایش، هم عینیت مداخله نفوذ خارجی بویژه مداخلات روس و انگلیس در ایران بود و هم نظریه مشهور توطئه<sup>۴۵</sup> که تمامی تحولات در ایران را متأثر از نفوذ خارجی‌ان می‌دانست.<sup>۴۶</sup> چنین بودن نسبت به خارجی‌ان و اعمال و نیات آنها و هرگونه رابطه از طرف سیاستمداران داخلی با آنها، از تبعات این وضعیت بوده است. بخشی از طیف‌گرایش سیاسی ناسیونالیسم متأثر از همین وضعیت، خواهان قطع کامل رابطه ایران با خارجی‌ان بوده است. (۲) پیدایش رهیافت‌های متفاوت در میان بخش‌های طیف ناسیونالیسم برای رسیدن به ترقی، پیشرفت، حفظ استقلال و قطع نفوذ و مداخله خارجی.

در میان بخشی از طیف ناسیونالیسم در ایران، برای رسیدن به استقلال و حفظ خود و کاستن از نفوذ و مداخله خارجی، رهیافتی که می‌توان آن را همانند شدن با رقیب<sup>۴۷</sup> نامید، انتخاب شده است. در این رهیافت، رهایی از مشکلات و وابستگی و حفظ استقلال، در گروی به‌دست آوردن مظاهر و ویژگی‌هایی است که به حریف نیرو و توان بخشیده است. باید آنچه که خود داریم، تماماً واگذاشته شود، و در عوض

وجوه مختلف زندگی همانند حریف گردد. با همانندی با رقیب است که می‌توان در مقابلش ایستاد و از مداخله و نفوذش جلوگیری کرد و از انفعال و عقب‌ماندگی خلاص شد. غربی شدن تمام عیار شعار این بخش از طیف ناسیونالیسم است که تجسم ایده‌ها و آرمان‌های آن را در اندیشه‌های سیدحسن تقی‌زاده می‌توان یافت.

بخش دیگری از طیف ناسیونالیسم، موضع میانه‌ای دارند. از نظر آنها، لزومی ندارد که تمام ارزش‌ها و عناصر شکل‌دهنده به فرهنگ خودی را کنار بگذاریم، بلکه باید پالایشی در افکار و برداشتهایمان از اجزای مقوم فرهنگ از جمله مذهب خودمان انجام دهیم. نوسازی مذهب باید به گونه‌ای باشد که از یکسو توانایی جذب عناصر مفید فرهنگ و تمدن غربی را داشته باشد و از سوی دیگر، راه رسیدن به استقلال و حفظ خود در مقابله با مداخله و نفوذ خارجی است. اندیشه‌های میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی را می‌توان از این سنخ دانست.

بخش چهارم از طیف ناسیونالیسم در ایران - با مشاهدهٔ پیشرفت‌های غرب، عقب‌ماندگی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی داخلی - گرایش به گذشته باستانی ایران و پناه گرفتن در افتخارات و شکوه باستانی، کشورگشایی و اعتلای تمدن باستانی را پیشهٔ خود ساخته، مذهب اسلام را عامل

عقب‌ماندگی و دور افتادن ایرانیان از اصل خود دانسته است. بازگشت به دوران باستانی همراه با جذب عناصر سکولاریستی فرهنگ غربی را وجهه همت خود قرار داده‌اند و آن را وسیله‌ای در رسیدن به استقلال و ترقی و پیشرفت و قطع مداخله خارجی دانسته‌اند. اندیشه‌های آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی را می‌توان از نمادهای این بخش دانست.<sup>۴۸</sup>

حاملان اندیشه‌های ناسیونالیستی به ایران، روشنفکران و آشنایان به افکار جدید غربی بودند. آنها، همگی از یک طبقه و صنف نبودند. در میان‌شان سیاستمدار، تاجر، اندیشمند و فیلسوف، روزنامه‌نگار و حتی مردم عادی کوچه و بازار دیده می‌شد. بعضی از آنها یا از حوزه فرهنگی روسیه یا از حوزه فرهنگی عثمانی (اسلامبول و مصر) متأثر بودند. در نواحی قفقاز که محل رفت و آمد ایرانیان و مأوای دکابریست‌های روسی بود هم اندیشه‌های سوسیالیستی و هم سایر اندیشه‌های نوین غربی رواج داشت و این خود اسباب آشنایی با افکار جدید و در مجموع مظاهر مادی و اندیشه‌ای فرهنگ غربی شده بود. عده‌ای نیز مستقیماً از حوزه فرهنگی اروپای غربی متأثر بودند که البته تماس آنها با مظاهر فکری و فرهنگی و مادی فرهنگ غرب، بیواسطه بود. دانشجویان اعزامی به فرنگ و سفرای ایران در اروپا از زمره

این گروه بودند. بعلاوه، نقش روزنامه‌های فارسی‌زبان که در قاهره، اسلامبول، لندن، کلکته چاپ می‌شد و به ایران می‌رسید را نیز نباید نادیده گرفت. آنها، نقش مؤثری در انتقال افکار و اندیشه‌ها، بخصوص اندیشه‌های ناسیونالیستی داشتند.<sup>۴۹</sup> روزنامه‌های داخلی نیز مبلّغ چنین افکار و آرمانهایی بودند به گونه‌ای که از روزنامه‌های معروف دوران مشروطه که در تهران به چاپ می‌رسید، حدود سی تای آنها، گرایش ناسیونالیستی داشتند، از جمله روزنامه‌های تمدن، زبان ملت و سرزمین پدری.<sup>۵۰</sup>

علاوه بر روزنامه‌نگاران و روشنفکران آشنا با فرهنگ غربی، برخی از طبقات اجتماعی ایران عصر مشروطه نیز نسبت به این گرایش سیاسی بی‌تفاوت نبودند و از آن طرفداری می‌کردند. اصناف شهری، تجار بزرگ و ثروتمند و بورژوازی شهری و عامه طبقات شهرنشین، بویژه شهرهای بزرگ چون تهران، تبریز، رشت، حامی این گرایش بودند یا لاقلاً با برخی از ارزشهای آن چون «وطن‌پرستی»، «دفاع از کشور و استقلال آن در مقابل بیگانه»، «ضدیت با نفوذ روس و انگلیس»، «ضدیت با نفوذ ارزشهای فرهنگی بیگانه»، موافقت داشتند.

در میان اقلیتهای مذهبی ایران، زرتشتیان و ارامنه بیش از دیگران نسبت

لوسین پای: فرهنگ سیاسی نظامی از عقاید تجربی، نمادهای قابل بیان و ارزشهایی است که مشخصی کنندۀ موقوعیتی است که عمل سیاسی در آن به وقوع می‌پیوندد

به این گرایش روی موافق نشان دادند. آنها بیش از سایر اقوام ایرانی با مظاهر فرهنگی تمدن غربی تماس و آشنایی داشتند. ارامنه به دلیل سنخیت مذهبی با اروپا و آشنا بودن به زبان، آداب و رسوم و سبک زندگی غربی و زرتشتیان نیز به دلیل رفت و آمد زیاد با هندوستان که در آن زمان مستعمره انگلستان بود، با مظاهر فرهنگی و تمدن غرب آشنا بودند، بعلاوه در مذهب آنها، موانع کمتری بر سر راه هم‌سنخی با فرهنگ و تمدن غرب وجود داشت، به همین دلیل راحت‌تر آن مظاهر را پذیرفته بودند. در نهضت مشروطه و به ثمر نشاندن آن، هر دو قوم فداکاری زیادی کردند. کمکهای تجار ثروتمند زرتشتی از جمله ارباب جمشید به مردم و فداکاری پیرم خان ارمنی در مقابله با نیروهای محمدعلیشاه - که برای بازپس‌گیری تاج و تخت از دست رفته او عازم تهران بودند - از جمله اقدامات فداکارانه آنها است و هر دو نفر نیز جان خود را بر سر اهداف نهضت مشروطه ایران گذاشتند. اگر بخواهیم حاملان اندیشه ناسیونالیسم را در ایران بر مبنای مشی فکری و عملی، دسته‌بندی کنیم

گرایشهای ذیل در طیف اندیشه و عمل ناسیونالیسم ایران عصر مشروطه قابل شناسایی است:

۱. اندیشه‌های کسانی چون آخوندزاده، زین‌العابدین مراغه‌ای، میرزا آقاخان کرمانی، گرایش از ناسیونالیسم را به نام «ناسیونالیسم ترقیخواه»<sup>۵۱</sup> شکل داده‌اند، خط فکری آنها را کسانی چون میرزاده عشقی، عارف قزوینی، فرخی‌یزدی، لاهوتی، ذبیح بهروز و کسروی ادامه دادند. مهمترین عناصر اندیشه و عمل این گروه که در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ سیاسی ناسیونالیسم در ایران تأثیر داشته از این قرار است: الف) انتقاد شدید از وضع موجود از لحاظ سیاسی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی؛ ب) طرفداری از ایده پیشرفت و ترقی، آزادی، حقوق بشر و دموکراسی، متأثر از اندیشه‌های ناسیونالیستی اروپایی بویژه متفکران عصر روشنگری فرانسه؛ ج) گرایش به سکولاریزم و ضدیت با مذهب و عامل عقب‌ماندگی قلمداد کردن آن؛ د) احیای گذشته باستانی ایران (باستان‌گرایی) و یادآوری خاطرات قدرت و شکوه و اقتدار سیاسی ایران، شیوه مملکت‌داری، شجاعت و دادگستری شاهان ایرانی؛ و) وطن‌پرستی شدید و مخالفت با نفوذ بیگانه.

۲. اندیشه‌های کسانی چون، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، طالبوف،

سیدحسن تقی‌زاده، میرزااحسن مشیرالدوله، میرزا حسین مؤتمن‌الملک، میرزا حسن مستوفی‌الممالک و دکتر محمد مصدق، که به گرایش «ناسیونالیسم لیبرال» نامیده شده‌اند.<sup>۵۲</sup> مهمترین عناصر اندیشه و عمل آنها که بر خرده‌فرهنگ سیاسی ناسیونالیسم در ایران تأثیر گذاشته، عبارتند از: الف) تأکید بر اصلاح ساختار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران، گسترش و رواج حکومت قانون، مردم سالاری، برقراری نظم و امنیت در کشور؛ ب) تمایل به غرب در حوزه‌های مختلف عمل سیاسی و تأکید بر اخذ الگوهای فرهنگی و اقتصادی و سیاسی غرب؛ ج) حمایت و دفاع از حقوق مدنی و حفظ هویت ملی و حمایت از دستاوردهای قانون اساسی مشروطه.

۳. اندیشه و اعمال کسانی چون میرزا هاشم آشتیانی، سید ابراهیم ضیاء‌الواعظین، شیخ محمدعلی تهرانی، فیروزآبادی، حائری‌زاده، کازرونی و ملک‌الشعراى بهار که از دو گروه قبلی سرسخت‌تر بودند، کمتر تحت تأثیر غرب قرار داشت و بیشتر آنها از وکلای مجلس و اهل عمل سیاسی بودند. این گرایش «ناسیونالیسم تندرو» نامیده شده است.<sup>۵۳</sup> مهمترین عناصر اندیشه که عمل آنها بر فرهنگ سیاسی ایران عصر مشروطه تأثیر گذاشته عبارتند از: الف) حمایت از حکومت پارلمانی، تقسیم

قدرت، آزادیهای فردی و دستاوردهای نهضت مشروطه؛ ب) مخالفت شدید با نفوذ و مداخله خارجی که بارزترین شکل آن در مخالفت با قرار داد تحت‌الحمایگی ایران و انگلیس ۱۹۱۹/۱۲۹۸ نمود یافت؛ ج) حمایت از ارزشها و ایدئالهای مذهبی در راه اهداف ناسیونالیستی.

ادامه دارد

۱. در مقدمه فرمان مظفرالدین شاه در مورد قانون اساسی مشروطیت آمده است: «... نظر بدان اصل اصیل که هر یک از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم علی‌قدر مراتبهم محق و سهمند تشخیص و تعیین اعضای مجلس را با انتخاب ملت محول داشتیم.» و همچنین اصل دوم همین قانون. اصل سی و پنجم متمم قانون اساسی مشروطیت، حاکی از این مسأله است. رجوع شود به: مرتضی‌راوندی؛ تفسیر قانون اساسی ایران؛ تهران: مبشری، ۱۳۷۵، ص ۱۳۵-۱۵۱.

۲. نوراله قیصری؛ «جامعه ایران و ورود تفکر جدید»، ۱۵ خرداد؛ ش ۲۱، سال پنجم، ۱۳۵۷، ص ۷۶.

۳. برای آشنایی با تعاریف ادبی فرهنگ به منابع ذیل رجوع شود:  
- لغتنامه دهخدا، فرهنگ فارسی معین، ذیل لغت فرهنگ.

- محدودی بختیاری، علیقلی؛ زمینه فرهنگ و تمدن ایران؛ تهران: انتشارات مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۵۳، ص ۲۶ و ۳۳.  
- اسلامی ندوشن، محمدعلی؛ فرهنگ و شبه‌فرهنگ؛ تهران: تمدن بزرگ، ۱۳۵۴، ص ۷۳.

۳۰. طبری، احسان؛ برخی بررسی‌ها درباره جنبشهای اجتماعی در ایران؛ بی نا، بی نا، ص ۴۰.

31. deffusion

۳۲. دیدگاههایی درباره دگرگونی اجتماعی؛ ص ۲۰۶ و ۲۰۷.

۳۳. همان؛ ص ۲۰۶.

۳۴. همان؛ ص ۲۰۸.

۳۵. مهمترین آثاری که از فلاسفه غرب در آغاز دوران جدید در ایران ترجمه شده عبارتند از:

کتاب تقریر دکارت که توسط ملا اسحاق لازار به توصیه کنت دوگوبینو سفیر مختار فرانسه در ایران ترجمه شد، «تفکرات» از پاسکال، «اخلاق» از اسپینوزا، «منادلژی» از لایب نیتس، «رساله در باب فهم بشر» از جان لاک، «سه گفت و شنود» و «رساله در اصول علم انسانی» از جورج بارکلی و از دیوید هیوم «تاریخ طبیعی دین» و «تحقیق در علم انسانی»، رجوع شود به: داوری اردکانی، رضا؛ «وضع فلسفه در ایران»، نامه فرهنگ، ش مسلسل ۱۰ و ۱۱ تابستان و پاییز ۱۳۷۲، ص ۱۵۱.

۳۶. ر.ک:

- Nasr, Seyyed Vali Reza; "Religious Modernism in the Arb world, India, and Iran: The Perils And Prospect of A Discourse", *The Muslim World*; vol LXXX, No. 1, 1993, P. 22.

- آبادیان، حسین؛ روابط فرهنگی و ظهور مشروطه ایرانی، نامه فرهنگ؛ سال اول، ش ۴، تابستان ۱۳۷۰، ص ۶۶.

- ناطق، هما؛ ایران در راه‌یابی فرهنگی (۱۸۳۴-۱۸۴۸)؛ لندن: سازمان چاپ و نشر پیام، ۱۹۸۸، ص ۲۳۹-۲۴۳.

- آدمیت، فریدون؛ اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سیهسالار؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۱۷ و ۱۹ و ۲۰.

12. aculturation 13. socialization

14. Cultural Anthropology; P. 14,

15.

۱۵. لاور، رابرت اج؛ دیدگاههایی درباره دگرگونی اجتماعی؛ ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰.

16. Cultural Anthropology; P. 14,

15.

۱۷. اینگلهارت، رونالد؛ تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی؛ ترجمه مریم وتر، تهران: کویر، ۱۳۷۳، ص ۱۹.

۱۸. برای اطلاع از نظریات تکامل‌گرایان در حوزه فرهنگ رجوع شود به:

- دیدگاههایی درباره دگرگونی اجتماعی؛ ص، ۲۰۵-۲۰۰.

"Theories of Social Change", P. 273-278.

19. nation-state 20. Verba,

Sidney; "Compative Political Culture", in *Pye and Verba(eds.)*; Political Culture and Political Development; Princeton, New Jersey: 1965, P. 9.

21. Ibid. , P. 13. 22. Pye, Lucian w.; "Introduction: Political Culture and Political Development", in *Pye and Verba a (eds.)*, P. 7.

23. orientation 24. attitudes

25. sentiments

26. Doves, Robert E. and John A. Hughes; *Political Sociology*, London: 1975, P. 227.

27. "Introduction: Political Culture and Political Development", P. 22, 23.

28. cultural change

۲۹. نفوی، علی محمد؛ جامعه‌شناسی غرب‌گرایی؛ ج اول، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱، ص ۱۵.

- آشوری، داریوش؛ فرهنگ شناخت؛ تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۴.

برای آشنایی با تعاریف فلسفی فرهنگ رجوع شود به:

- جهاننگلو، رامین؛ «مفهوم فرهنگ در آیین جهان امروز»، کیان سال چهارم؛ ش ۱۹، خرداد ۱۳۷۳، ص ۳۴ و ۳۵.

- ساموئل هانتینگتون از علمای علم سیاست معاصر، در زمره کسانی است که تعریف ابتکاری و ابداعی خاص خود را از فرهنگ دارند رجوع شود به:

- Huntington, Samuel P.; "The Goals of Development", in *Mayron Winer*; Samuel P. Huntington (eds), *Undrstand-ing Political Development*, Boston: 1987, P 23, 24, 25.

- برای آشنایی با تعاریف جامعه‌شناسی از فرهنگ رجوع شود به:

- Appelbaum, Richard P.; "Theories of Social Change", Chicago: 1970, P. 74.

- معینی، جهانگیر؛ نظریه و فرهنگ؛ تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۴.

4. values 5. sentiments

6. beliefs 7. symbols

8. attitudes 9. orientations

10. Haviland, William A.; *Cultural Anthropology*; New York: 1978, P. 22, 23.

۱۱. عابد جابری، محمد؛ رویارویی هویت‌های مدنی؛ ترجمه یوسف عزیزی بنی‌طرف، روزنامه همشهری، ۱۳۷۴/۴/۱. همچنین رجوع شود به:

محمدی، سید بیوک؛ «الگوهای فرهنگی، فرهنگ»، کتاب نهم؛ تابستان ۱۳۷۰، ص ۱۶۰ و ۱۶۱.

- «برخی بررسیها درباره جنبشهای اجتماعی در ایران»، ص ۱۴۰.

37. volkgeist  
38. Self-Determination  
39. Nationbuilding  
40. Unification

۴۱. آشوری، داریوش؛ «ایران مدرن و مشکل آن»، ایران فردا؛ ش ۱۹، سال چهارم، مرداد ۱۳۷۴، ص ۵۱.

42. ambivalence

۴۳. خصلت دوگانه یا دو احساسی بودن (ambivalence) بیانگر وضعیت خاص روانی است که در آن تمایل و غبطه با بی میلی و تنفر همراه می شود. یکی از خصایل جریان روشنفکری ما از آغاز پیدایش آن نسبت به کلیت تمدن و فرهنگ غربی است. مراجعه شود به:

- داوری اردکانی، رضا: «وضع تاریخی تفکر و فلسفه در ایران»، جاویدان خرد، سال دوم، ش اول، ۲۵۳۵.  
- ناسیونالیسم و انقلاب، وزارت ارشاد اسلامی، دفتر پژوهشها و برنامه ریزی

فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۴۷-۴۹.

44. exnophobia 45. conspiracy

Theory

۴۶. برای آشنایی بیشتر از ابعاد این نظریه مراجعه کنید به:

- اشرف، احمد؛ «توهم توطئه»، گفتگو، ش ۸، تابستان ۱۳۷۴، ص ۷.

- Zonis Marvin, and Craig M. Joseph; "Conspiracy Thinking in the Middle East", *Political Psychology*; Vol. 15, No. 3, 1994, P. 443.

47. homeopathic

۴۸. ر.ک:

- طالیوف، عبدالرحیم؛ مسالک المحسنين، با مقدمه و حواشی باقر مؤمنی، تهران: شبگیر، ۲۵۳۶، ص ۹۶.

- کرمانی، میرزا آقاخان؛ «سه مکتوب»، شماره میکروفیلم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۴۰۴۴۴، ص ۲۲۳ و ۶۸ و ۴۱.

- محمدزاده، حمید؛ الفبای جدید و مکتوبات آخوندزاده؛ تبریز: ۱۳۵۷، ص ۱۳۹.  
- آخوندزاده، میرزا فتحعلی؛ مقالات

فلسفی؛ ویراسته ح - صدیق، ج دوم، تبریز: کتاب ساوالان، ۲۵۳۷، ص ۳۳-۳۹.

۴۹. برای نمونه مراجعه کنید به: پستور حاتم، آنبا؛ «روزنامه اختر انتقال دهنده اندیشه های سیاسی عثمانی»، ترجمه فاطمه سیرا، ادبیات معاصر؛ سال اول، اردیبهشت ۱۳۷۵، ص ۶۶-۶۵.

50. Macshayekhi, Mhrdad; "The Politics of Nationalism and Political Culture", in S.K. Farson and M. Macshayekhi (eds.), IRAN, Political Culture in the Islamic Republic IRAN, London and New York: 1992, P. 86.

۵۱. برای درک دلیل شهرت «ترقیخواهی» ر.ک.

- کاتوزیان، محمدعلی (همایون)؛ اقتصاد سیاسی ایران؛ ج اول، ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران: پاپیروس، ۱۳۶۲، ص ۱۲۰.

- «ایران مدرن و مشکل آن»، ص ۵۰.

۵۲. اقتصاد سیاسی ایران؛ ص ۱۲۰.

۵۳. همان؛ ص ۱۲۱.

ادامه از صفحه ۷

۲. هنر اسلامی در سطح ایران و جهان،

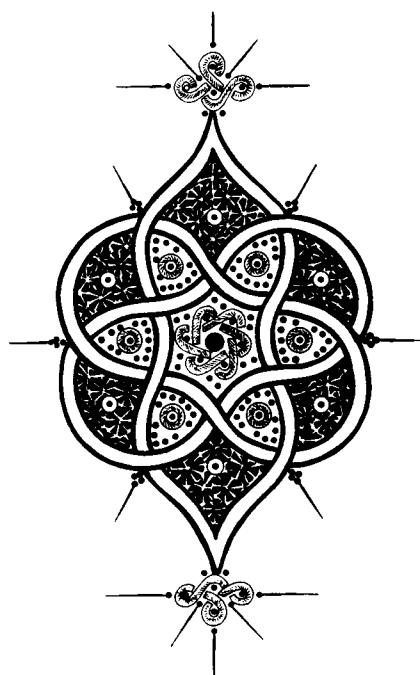
۳. هنر معاصر ایران،

۴. هنر انقلاب اسلامی ایران،

۵. مجموعه ای از نقدها، چه به صورت جزئی (در رشته های مختلف) و چه به صورت کلی و نظری، همچون نقد مدرنیسم، پُست مدرنیسم، مارکسیسم و نظایر آن.

جهان اسلام درباره آن سخن گفته اند، بلکه از آن قبیل مباحثی است که پیش از آنکه وارد قلمرو اندیشه و نظر گردد، در قلمرو خلاقیت و عمل حضور داشته و تقریباً نخستین دستاورد عینی خلاقیت بشر است. اشاره به این نکته ضروری است که غیر از سرفصلهای مصوب کمیته هنر شورای عالی برنامه ریزی و علاوه بر کتابهای مرجع این رشته، دروس دیگری مورد نیاز رشته هنر است که اولویت خاصی دارد؛ از جمله:

۱. هنر دینی (به طور اعم)،



## ضوابط نگارشی و ویرایشی «سمت» فهرستهای راهنما

نکته‌هایی که در ذیل ذکر می‌شود، ضروری است.

۱. ضرورت تهیه فهرستهای پس از متن به نوع نوشته و نیاز خواننده بستگی دارد و در هر کتابی فقط تهیه بعضی از آنها لازم است و گاهی با توجه به حجم مطالب فهرستها و نوع استفاده از آنها، ممکن است چند فهرست در هم ادغام شوند؛ مثلاً بنا به ضرورت می‌توان برای نام اشخاص، جاها، مؤلفان و کتابها در مجموع یک فهرست الفبایی تهیه کرد. البته در بیشتر کتابها، معمولاً بجز فهرست منابع و مآخذ - که آوردن آن در بیشتر نوشته‌ها ضروری است - تهیه فهرست دیگری لازم نیست.
۲. ترتیب فهرستهای پایانی کتاب، بر مبنای آنها تعیین می‌شود؛ مثلاً ابتدا فهرستهای توضیحی واژگانی و مانند آن می‌آید و سپس فهرست نامها؛ ولی در هر صورت - برای سهولت در استفاده - فهرست راهنمای موضوعی در آخر و قبل از فهرست منابع قرار می‌گیرد.
۳. فهرستهای آیات و احادیث، با توجه به هدفی که فهرست برای آن تهیه می‌شود مرتب می‌شوند؛ مثلاً به ترتیب

باید توجه داشت که هر قدر کتاب تخصصی‌تر باشد، باید فهرست آن مفصلتر و دقیقتر باشد

۲. شکل تنظیم فهرست از نظر اینکه ساده باشد یا پله‌ای، دو ستونه باشد یا یک ستونه، به تفصیل فهرست، کوتاه و بلند بودن عنوانها و نوع استفاده از آن بستگی دارد.
۳. فهرستهایی که عنوانهای فرعی آنها از نظر رابطه جزء و کل، همردیف یکدیگر هستند.

- ب) فهرستهای پس از متن**
- فهرستهای پس از متن معمولاً به ترتیب الفبا، یا ترکیبی از الفبا و موضوع، یا معیار منطقی دیگری تنظیم می‌شوند. فهرستهای پس از متن شامل فهرستهای موضوعی، واژه‌نامه‌های توضیحی و غیرتوضیحی یک زبانه و چند زبانه، نامهای کسان و جاها و کتابها و مانند آنها، آیات و احادیث و چیزهایی از این قبیل است. تهیه فهرست راهنمای موضوعی از همه فهرستهای پایانی مهمتر و فنی‌تر است؛ در تهیه فهرستهای پس از متن توجه به

هر کتاب به طور کلی دارای سه بخش است: واحدهای پیش از متن، متن، و واحدهای پس از متن. هر یک از این واحدها دارای اجزایی است که سعی خواهد شد در شماره‌های آینده نشریه به اجمال در مورد آنها بحث شود. با توجه به اهمیت فهرستها برای این شماره این مقوله را برگزیده‌ایم. فهرستها بر دو نوعند: فهرستهای پیش از متن و فهرستهای پس از متن.

### الف) فهرستهای پیش از متن

فهرستهای «مطالب، نشانه‌های اختصاری، تصویرها، جدولها، نقشه‌ها» و مانند اینها قبل از متن قرار می‌گیرند و بجز فهرست نشانه‌های اختصاری - که به ترتیب الفبا تنظیم می‌شود - بقیه معمولاً به ترتیب شماره صفحه‌ها مرتب می‌شوند<sup>۱</sup>. در تنظیم فهرست مطالب باید به نکته‌هایی که در ذیل می‌آید، توجه شود.

۱. تصمیم‌گیری درباره اینکه عنوانهای فرعی تا چند درجه، باید در فهرست بیایند، به نوع کتاب و چگونگی استفاده از آن بستگی دارد؛

موضوع یا مانند آن، و چنانچه هدف خاصی مورد نظر نباشد، آنها را به ترتیب حروف الفبای کلمه اول آنها تنظیم می‌کنند.

۴. در واژه‌نامه‌ها، فقط واژه‌هایی را باید در فهرست آورد که اطلاع از آن برای خواننده لازم است و بخصوص در واژه‌نامه‌های دو زبانه که قصد نشان دادن معادلهای تهیه می‌شوند، ذکر واژه‌های رایج ناپسند است؛ در ضمن در این‌گونه واژه‌نامه‌ها باید همان معادلی ذکر شود که در متن آمده است.

۵. در تهیه فهرستهای پایانی کتابها،

باید همه واحدهای کتاب، اعم از متن، پانوشتها، جدولها و نمودارها در نظر گرفته شوند.

۶. فهرستهای پایان نوشته‌ها - که دارای شماره ارجاعی به متن است - پس از پایان تصحیح چاپخانه‌ای و صفحه‌آرایی کامل، به وسیله مؤلف یا فرد متخصص دیگری زیر نظر ویراستار تهیه می‌شود و چنانچه فهرستها از قبل تهیه شده باشند، شماره‌های ارجاعی آنها به همراه شماره صفحه‌های فهرستهای پیش از متن اصلاح خواهد شد.

### پی‌نوشتها

۱. در اینجا لازم است دو نکته یادآوری شود:

الف) علاوه بر صفحه‌های مقدمانی ثابت کتابها، صفحه اهدا و مقدمه ناشر نیز قبل از فهرست مطالب قرار می‌گیرد، ولی پیشگفتار مؤلف و مترجم بعد از فهرستهای پیش از متن می‌آید.

ب) در کتابهای چند جلدی، لازم است فهرست نشانه‌های اختصاری در آغاز هر مجلد تکرار شود، البته گاهی در بعضی از کتابهای مرجع، نشانه‌های اختصاری مهم و راهنمای آنها در زیر همه صفحه‌ها تکرار می‌شود.

ادامه از صفحه ۱۳

جنبی متن نیز می‌پردازد.

به کارگیری روشهای نقد ژنتیکی در آثار ارزشمند نویسندگان و شعرای کشورمان دریچه تازه‌ای بر ادبیات می‌گشاید، غنای بیشتری به آن می‌بخشد و ما را به گنجینه‌های پنهانی رهنمون می‌شود.

### پی‌نوشتها

۱. structuralisme
۲. formalisme
۳. textualité
۴. critique génétique
۵. manuscriptologie
۶. texte
۷. manuscrit
۸. ellipse
۹. avant-texte
۱۰. scriptural
۱۱. détournement axial
۱۲. faire
۱۳. genèse

ادامه از صفحه ۳۷

### منابع

1. *Essais de critique génétique*; H. Louis, Flammarion, Paris, 1979.
2. *L'Écriture et ses doubles, genèse et variation textuelle*; D. Ferrer et J.L. Lebrave, Ed. SNRC, Paris, 1991.
3. *Métamorphose du récit*; R. Debray Genette, Seuil, Paris, 1988.
4. *Revue internationale de critique génétique*; ITEM, GENESIS, Archivos, Paris, 1992.
۵. کلیات سبک‌شناسی: س. شمیسا؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۴.
۶. نقد ادبی (جستجو در اصول و روشها و مباحث نقادی؛ عبدالحسین زرین‌کوب؛ ۲ جلد، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱.
- Misanchuk Eart; Preparing Instructional Text; Englewood Cliffs, New Jersey: Educational Technology Publications, 1992.
- Hartley, James; op. cit.
7. Key words
۸. به عنوان نمونه از این شیوه در کتابهای زیر استفاده شده و فرم ارزشیابی هر کدام در ضمیمه شماره (۲) آورده شده است.
- شعبانی، حسن؛ مهارتهای آموزشی و پرورشی؛ ج پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۷۴.
- Behler, Robert and Jack Snowman; *Psychology Applied to Teaching* Houghton, Mifflin Company, 1990.

## درباره ویراستار

آنچه در پی می‌آید گلچینی است از مقالات کتاب درباره ویرایش (زیر نظر نصرالله پورجوادی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳) که خود برگزیده‌ای است از مقاله‌های نشر دانش درباره ویرایش، منتها در این نوشتار تنها نکاتی مورد توجه و تأکید قرار گرفته که به نوعی با ویراستار و کار وی ارتباط داشته است، و هم از این روست که عنوان «درباره ویراستار» برای آن در نظر گرفته شد.

سعی بر آن بوده است که مطالب به‌گزین شده، با عنوان‌بندی‌هایی متناسب و نظم و ترتیب نسبتاً معقول و مقبول آورده و عرضه شود؛ آن‌گونه که در مجموع، بیان‌کننده نکاتی اساسی درباره ویراستار، منش و شخصیت و وظایف او، خصوصیات بایسته و شایسته او، مزایا و مشکلات کار او و ... باشد.

عنوان مقاله‌ها، که شامل هفت مقاله است، و نویسندگان و مترجمان آنها و شماره صفحات هر مقاله در کتاب درباره ویرایش در پایان این نوشته آمده

است. از این رو، عدد سمت راست در شماره‌های ارجاعی متن این نوشته نشان‌دهنده شماره مقاله مورد نظر در پایان این نوشتار، و عدد سمت چپ در هر ارجاع بیانگر شماره صفحه منبع مورد استفاده است.

هرگونه اصلاح یا حذف و اضافه یا جابجایی در متن ویراسته، هرچند از جانب خود صاحب اثر باشد، حتماً باید با اصلاح و تأیید ویراستار و زیر نظر او انجام پذیرد. ویراستار و لزوم تعیین خط مشی

ویرایش اثر قبل از شروع ویرایش آن

۱. «مرحله ویرایش به معنای اخصّ با تحویل اثر به ویراستار آغاز می‌شود... ویراستار اثر را صفحه‌شماری و نظم و تداوم اجزای آن را واری می‌کند... پس از این جریان، ویراستار به مرور اجمالی اثر می‌پردازد تا ببیند که چه نوع کارهایی برای ویرایش آن باید انجام دهد و برای این کارها به چه ابزارها و منابعی نیاز دارد. چگونه باید عملیات ویرایشی را برنامه‌ریزی کند؛ از کمک ویراستار چه همکاری‌هایی بخواهد. خلاصه پیش از آنکه ویرایش را آغاز نماید سیاست و مشی آن را تعیین می‌کند» (۲۸-۲۷/۱).

ویراستار و لزوم مطالعه اجمالی اثر قبل از شروع ویرایش

۲. «ویراستارانی که بی مطالعه و به محض تحویل گرفتن اثر، ویرایش آن را به دست می‌گیرند، به دوباره کاری، وقفه‌های ناموجه، آشفته کاری و اتلاف وقت کشانیده می‌شوند» (۲۸/۱).

وظیفه ویراستار در قبال اثر

۳. «ویراستار ممکن است متنی را که ویرایش می‌کند دوست داشته باشد یا دوست نداشته باشد؛ تأیید کند یا نکند؛ ممکن است آن را بکل چیز غلطی بیندارد، یا مهملی که به زحمت نیززد، یا حتی آن را کتاب ضالّه‌ای بداند؛ مع‌هذا وظیفه او ایجاب می‌کند که کیفیتش را بهتر کند» (۳/۲).

وظیفه ویراستار در قبال ناشر

۴. «سیاست ناشر در کار ویرایش اثر می‌گذارد و سزاوار است که ویراستار همواره این معنی را مدنظر داشته باشد. هرچند این نکته نیز در کار است که ناشر همواره بر صلاح کار خود آگاه نیست... با چنین احتمالی، ویراستار وظیفه دارد دست‌کم جنبه‌های منفی موضعگیری ناشر را به وی گوشزد سازد» (۲۶/۲۵/۱).

۵. «ویراستار باید به منزله چشم ناشر عمل کند و مواظب مطالب احتمالی توهین آمیز و عالمانه عامدانه لطمه زننده به حیثیت زندگان یا مردگانی باشد که خود یا بازماندگان نشان بتوانند کار را به دادگاه بکشانند» (۷/۲).

۶. «ویراستار نظر خود را درباره اثر یا طرح آن به ناشر گزارش می‌کند. این گزارش باید گویا و زباندار و مستدل و متکی به شواهد باشد؛ از همه جهات، عیب و هنر و مزایا و کمبودهای کار را نمودار سازد و بویژه با اظهار نظر قاطع همراه باشد... در این گزارش بهتر است حجم کار ویرایشی لازم بتقریب معین گردد. خلاصه آنکه گزارش باید چنان باشد که امکان تصمیم‌گیری معقول را به ناشر بدهد» (۲۷/۱).

وظیفه ویراستار در قبال صاحب اثر  
۷. «ویراستار باید با صاحبان آثار به گونه‌ای رفتار کند که در آنان واکنش نامطلوب برنیزگیزد... ویراستار به هر حال باید حدّ خود را بشناسد و حریم را رعایت کند. بخصوص نباید سهواً القلم و لغزش صاحب اثر را به طرزی زننده به رخ او بکشد، یا اصلاح و تصحیحی را جز در صورت پیشنهاد بر او عرضه دارد» (۳۶/۱).

۸. «برخی از نویسندگان با همه پیشنهادهای ویراستار راجع به نکات دستوری، بافت کلام، فصاحت و سبک مخالفند. گاه نیز بدقلقی نشان می‌دهند... ویراستاران نباید این

بدقلقیها را به دل بگیرند. آنان موظفند خونسرد باشند؛ زیرا جانبدار خوانندگانند؛ فرایند تفهیم و تفاهم و نیز پیچیدگیهای زبان را درک می‌کنند و کار ویرایش را براساس قواعدی انجام می‌دهند که هیچ نویسنده‌ای قادر به ردّ آنها نیست» (۴۳/۳).

۹. «نویسندگان و مترجمان در ردّ و قبول پیشنهادهای تصحیحی و اصلاحی رفتار یکسان ندارند؛ جمعی از آنان بدقلقتند و طایفه‌ای زیاده آسانگیر و لّین‌العریکه. در برابر گروه اول باید نرمش نشان داد و از نرمخویی دسته دوم نیز نباید سوء استفاده کرد» (۳۷/۱).

وظیفه ویراستار در قبال خواننده  
۱۰. «ویراستار، درست همان‌گونه که از نویسنده انتظار می‌رود، خوانندگان مقاله یا کتابی را که در دست ویرایش دارد همواره باید پیش چشم داشته باشد» (۹/۲).

۱۱. «بر ویراستاران فرض است که بی‌طرفی پیشه کنند، نفوذناپذیر باشند، و در ویرایش متنی که در اختیار دارند احساسات به خرج ندهند. وظایفی که آنان در قبال خوانندگان به عهده دارند و ادارشان می‌سازد که تصمیماتی سخت و خودسرانه بگیرند؛ همچون صاحب قدرتی که دفع شری به گردن او افتاده است» (۳۹/۳).

محدودیت اصلی ویراستار در تغییر سبک اثر است که حریم صاحب سبک شمرده می‌شود...

وظیفه ویراستار پس از پایان کار ویرایش  
۱۲. «به نام واری نهایی، ویراستار در پایان کار، اثر ویراسته را یک بار از همه جهات مرور و نقایص و ناهماهنگیها و دوگونگیها را رفع می‌کند و با نوعی پرداختکاری، محصول خدمات خود را به صورت پاکیزه و پسندیده عرضه می‌دارد» (۳۳/۱).

وظیفه ویراستار پس از ارسال اثر به تولید  
۱۳. «در خلال فرایند تولید، ویراستار در جریان آنچه بر ویراسته می‌گذرد خواهد بود. در این مرحله هرگونه اصلاح یا حذف و اضافه یا جابجایی در متن ویراسته، هرچند از جانب خود صاحب اثر باشد، حتماً باید با اصلاح تأیید ویراستار و زیرنظر او انجام پذیرد و این حایز اهمیت فراوان است. دیده شده است که صاحب اثر در موردی تغییری، هرچند بجا و لازم، داده که دستکاری در جاهایی دیگر از متن اثر را ایجاب می‌کرده است، لیکن چون ویراستار که مشرف بر متن ویراسته است بیخبر مانده، آن دستکاری انجام نگرفته و در محصول کار ناهماهنگی و اختلال راه یافته است» (۳۵/۱).

وظیفه ویراستار پس از انتشار اثر  
۱۴. «علاقه ویراستار با اثر ویراسته پس از نشر آن نیز قطع نمی‌شود. در این مرحله ویراستار به اقبال خوانندگان و توجه جهان نقدکتاب حساس است. بهتر است فتوکی نقدها را در پرونده ویرایشی اثر نگه دارد و از آنها برای اصلاح و تکمیل

اثر چاپ بعدی بهره گیرد. ویراستار حتی می تواند از اهل فن نظرخواهی کند یا مشوق انتقاد باشد» (۳۶/۱).

۱۵. «مفید است که ویراستار یک نسخه چاپی از اثر را برای وارد کردن تصحیحات مطبعی و دیگر حک و اصلاحها اختصاص دهد و برای چاپ بعدی نسخه ای درخور و آماده داشته باشد. تکرار خطاها بویژه غلطهای چاپی در نوبت تازه نشر نوعی لابلایگری شمرده می شود» (۳۶/۱).

#### حدود عمل ویراستار

۱۶. «در زبان چیزهای واجب داریم و چیزهای حرام، اما چیزهایی مستحب و مکروه و مباح هم داریم؛ ویراستار باید در مورد رعایت واجبات و دوری از محرمات تعصب و اصرار داشته باشد؛ رعایت مستحبات و اجتناب از مکروهات را باید توصیه کند و با امور مباح باید اصلاً کاری نداشته باشد» (۸۳/۴).

۱۷. «محدودیت اصلی ویراستار در تغییر سبک اثر است که حریم صاحب سبک شمرده می شود و بس حساس است و جز با جواز معتبر نمی توان وارد آن شد. گفته اند که سبک خود نویسنده است... اگر ویراستاری در این مورد اعمال سلیقه و تفتن را روا شمارد، علاوه بر آفات دیگر، این خطر هست که همه ویراسته های او یکنواخت و هم سبک از کار درآیند» (۳۴/۱).

#### گمنامی ویراستار

۱۸. «گمنامی یا از خودگذشتگی ویراستاران اصل رایج و پذیرفته شده ای است. ویراستار دایه ای است که سهم عمده ای در پرورش کودکانی دارد که فرزند شخص دیگری به شمار می روند. او گاه تمایل پیدا می کند که سهمش شناخته گردد و گاه ترجیح می دهد که گمنام بماند» (۳/۲).

۱۹. «[ویراستار] پشت صحنه به کار می پردازد و موتور شهرت سایرین را روغنکاری می کند» (۵/۲).

عدم انعکاس کامل کارهای ویراستار ۲۰. «از همه آن کارهایی که برای ویرایش متنی انجام می گیرد، در متن ویراسته، اثر به جای نمی ماند. در مثل، اگر در چند مورد معلوم شود در ذکر یا تبدیل سنوات بیدقتی شده، ویراستار خود را ناگزیر از واریسی همه موارد می بیند که خود بس وقت گیر است، و با اینهمه فقط در مواردی که تصحیح لازم می آید، کارش در متن بازتاب می یابد» (۲۵/۱).

ویراستار، عامل حفظ حیثیت ناشر و نویسنده

۲۱. «هیچ ناشری دوست ندارد در کتابهایش غلطهای املایی یا دستوری یافت شود، یا منتقدان عبارتها یا اندیشه های نامفهوم در آنها بیابند و نقل کنند. این نقایص به حیثیت ناشر لطمه

می زند. بنابراین، سازمانهای انتشاراتی با بهره گیری از کار ویراستاران حیثیت خود را محفوظ می دارند... لغزشها و کوتاهیهای نویسندگان نیز جبران می شود و در نتیجه، از یک سو شهرت و حیثیت آنان فزونی می گیرد و از سوی دیگر در فرایند ویرایش نکاتی می آموزند که کتاب بعدیشان را بهتر می کند» (۶/۲).

#### ویراستار دلسوز

۲۲. «شعار ویراستار این است: من دلسوزی می کنم نسبت به کلمه ها و جمله ها و پاراگرافها در مقاله ها و جزوه ها و کتابهایی که در دست ویرایشند. وظیفه ویراستار حکم می کند که بکوشد نشر این مقاله ها و جزوه ها و کتابها برای خوانندگان مفهوم باشد: تفهیم و تفاهم؛ این هدف کوچکی در زندگی نیست» (۵/۲).

#### ویراستار مدبّر

۲۳. «ویراستار مدبّر پیش از آنکه کار ویرایش اثر را بیاغازد می کوشد تا شخصیت و انگیزه های نویسنده را کشف کند...؛ ببیند آیا نویسنده اشتیاق مفروطی نسبت به انتشار اثرش از خود بروز می دهد...؛ ببیند آیا نویسنده از اعتماد به نفس برخوردار است و عقیده دارد که اثرش از لحاظ شکل و محتوا واجد ارزشی است بی همتا؟» (۴۰/۳).

شعار ویراستار این است: من  
دلسوزی می‌کنم نسبت به کلمه‌ها و  
جمله‌ها و پاراگراف‌ها در مقاله‌ها و  
جزوه‌ها و کتابهایی که در دست  
ویرایشند.

خطایی نکنند، پس ویراستار چه کاره  
است؟ ویراستار برای این است که خطای  
صاحب اثر را ببیند، اما از آن چماقی  
برای کوبیدن بر سر او نسازد» (۷۳/۴).

#### ویراستار رسواگر

۳۱. «در مورد رسوا کردن صاحب اثر  
باید گفت که غیبت برای همه گناه کبیره  
است، اما برای ویراستار از همه کبیره‌تر  
است...؛ کافی است که مترجم یا مؤلفی  
احساس کند که ویراستار عیب اثر او را  
پیش دیگری گفته است و آنگاه حتی به  
توصیه‌های بجا و بحق او هم توجه  
نکند» (۷۳/۴).

#### ویراستار تازه‌کار

۳۲. «برخی از ویراستاران، بویژه  
تازه‌کاران این حرفه، با اکراه از  
نویسندگان سؤال می‌کنند؛ زیرا  
نمی‌خواهند جهلشان آشکار شود. اینان  
برای آنکه پاسخ سؤالی را بیابند زحمت  
مراجعه به منابع دست دوم را بر خود  
هموار می‌سازند، حال آنکه نویسنده  
می‌تواند در چند ثانیه گره از کار  
فروسته آنان بگشاید» (۴۲/۳).

#### ویراستار منتقد

۳۳. «ویراستار را خصلت دیگری باید

پزشکان عمومی اجباری و ثمربخش  
است» (۲۳/۱).

#### ویراستار یکدنده

۲۷. «در مرحله ویرایش محتوا یک  
مورد هست که... ویراستار باید در برابر  
آن تا آنجا که می‌شود موضعی یکدنده  
اختیار کند و آن هنگامی است که هم  
خود ویراستار و هم یک یا چند داور  
متخصص اثری را به نسبت با محتوایش  
بسیار طولانی تشخیص داده‌اند. در  
چنین مواردی اگر نویسنده حاضر نشود  
از سر و ته اثرش بزند، جای آن هست که  
عطایش را به لقایش ببخشند» (۶۵/۵).

۲۸. «می‌توانید پرسید: خوب، پس با  
مؤلفی که به جای «آنان هستند» با اصرار  
تمام می‌نویسد «آنان هست» یا «جرج»  
را «ژرج» می‌نویسد... چگونه باید  
تا کرد؟... در چنین مواردی ویراستار باید  
یکدندگی کند...؛ در اینجا ویراستار  
حتی مجاز است هر تغییری را که لازم  
می‌داند در اثر پدید آورد بی‌آنکه هرگز با  
مؤلف مشورت کند» (۶۸-۶۹/۵).

#### ویراستار عیبجو

۲۹. «گاهی ویراستار عیبجو از دیدن  
خطایی کوچک در جمله یا عبارتی  
چنان ذوق زده می‌شود که برای اصلاح  
آن سراسر جمله یا عبارت را خراب  
می‌کند» (۷۳/۴).

۳۰. «به ویراستار عیبجو... باید هشدار  
داد که نان خودش را آجر نکند. اگر بنا  
باشد که هیچ مؤلف یا مترجمی اصلاً

#### ویراستار هشیار

۲۴. «ویراستار باید هشیار باشد تا مبدا  
اثر عرضه شده، در بازار رقیب داشته  
باشد...؛ باید مراقب باشد تا به دام  
دغلکاران حرفه‌ای که اثرشان بعضاً یا  
تماماً مسروقه ادبی است یا خود  
ترجمه‌ای است که به نام تصنیف عرضه  
می‌شود، نیفتد» (۲۶/۱).

#### ویراستار محترم

۲۵. «ویراستار در صورتی احترام کسب  
می‌کند که واجد این کیفیتها باشد:

۱. تبخّر حرفه‌ای: شناخت کامل از  
فن ویرایش و اصول تفهیم و تفاهم؛
۲. شکیبایی: توانایی و شوق کار  
کردن با نویسندگان، بویژه با آنان که  
خبره نیستند، بدون توسل به خشونت  
لفظی و یا دلسرد کردن حریف؛
۳. تواضع: ویرایش متن بدون تکبر  
ورزیدن و مخصوصاً بدون ستیز نا لازم  
با سبک نویسنده» (۴۱/۳).

ویراستار همه فن حریف (= پزشک  
عمومی)

۲۶. «هرچند خدمات ویرایشی را نظراً  
می‌توان به شاخه‌های متعددی  
بخش‌بندی نمود و برای هر شاخه  
متخصصانی گماشت، عملاً کمبود  
نیروی انسانی ماهر استفاده از ویراستار  
همه فن حریف را ناگزیر و در عین حال  
معقول می‌سازد؛ درست به همان‌سان  
که در جهان پزشکی استفاده از وجود

که هرچند پروردنی است، اکتسابی نیست، و آن شَم انتقادی است: عیب و هنر را دیدن، به تناقضها پی بردن، به طفره کاری توجه کردن، خطا و لغزش آشکار را به یک نظر بازشناختن» (۲۴/۱).

#### ویراستار گروهگرا

۳۴. «مناسبات انسانی ویراستار با همکارانش در سراسر فرایند ویرایش و تولید برقرار است. نکته بسیار مهم در این مناسبات، لزوم حفظ روحیه همکاری جمعی و صمیمیت گروهی است. همواره این معنی باید به خاطر سپرده شود که هرچه حاصل کار مرغوبتر و آبرومندتر باشد بر وجهه و اعتبار مؤسسه انتشاراتی افزوده می شود و به تبع آن، حیثیت شغلی یکایک کارکنان مؤسسه بالا می رود؛ درست مانند تیم فوتبال که مدال پیروزی آن، بهره همه افراد تیم می گردد. البته مسئولیتها باید مقرر و مشخص باشد، لیکن در عین حال با روحیه مقصّر تراشی باید سخت مبارزه شود» (۳۷/۱).

تلقی برخی از نویسندگان از ویراستار

۳۵. «کسانی که نخستین بار با ویراستار

هیچ ناشیری دوست ندارد در کتابهایش غلطهای املائی یا دستوری یافت شود، یا مستقدان عبارت‌ها یا اندیشه‌های نامفهوم در آنها بیابند و نقل کنند.

و کار او برخورد می کنند معمولاً قدر زحمات این یار دلسوز و بی ادعا را نمی شناسند. بسیاری از مؤلفان و همچنین مترجمان، ابتدا به ویراستار به چشم شخصی مزاحم می نگرند و لذا قبول پیشنهادهای اصلاحی او برایشان دشوار است. از این رو سعی می کنند که به خیال خود از کنار این سدّی که ناشر بر سر راه ایشان ایجاد کرده است هر طور شده عبور کنند و خود را از شرّ او خلاص کنند. این طرز تلقی نتیجه عدم شناخت مؤلف از کار ویراستار و وظیفه‌ای است که به عهده ویراستار است» (۱۰۹/۶).

#### آنچه ویراستار را می آزارد

۳۶. «برای ویراستار ناراحت کننده است که نامه‌ای از مؤلف یا ارزشیاب یا هر دو به دستش برسد و در آن گفته شود که همه مشکلات دستنوشته بین مؤلف و ارزشیاب حل شده و دیگر مانعی در راه نشر دستنوشته و چاپ آن به صورت کتاب یا مقاله وجود ندارد... یک نوع آن این است مؤلف پیش از آنکه دستنوشته را به دستگاه نشر سپارد خودش فردی را که در رشته مربوط ثقه و مورد قبول است می یافته و از او می خواسته است که درباره کتابش نظر بدهد، یا آن را ویرایش کند. متخصص مزبور که نه فرصت این کار را داشته و نه مسئولیتی در این مورد می شناخته و چه بسا در اثر رودربایستی یا بیشتر

اوقات برای رها شدن از دست مؤلف سمج چند صفحه‌ای از اول و وسط و آخر کتاب را مرور می کرده و چند نکته‌ای را متذکر می شده است. مؤلف سپس دستنوشته را با اعلام اینکه «توسط آقای دکتر... که استاد همه ما هستند و قبولشان داریم...» نزد ویراستار می آورده است، به این امید که ویراستار را مرعوب کند یا در بن بست قرار دهد» (۹۵/۷).

آنچه ویراستار را راضی می کند (اجر و مزد ویراستار)

۳۷. «بهره ویراستاران... این است که درک کرده‌اند چگونه کتاب بدی خوب شده است، کتاب خوبی خوبتر شده است و کتاب بسیار خوبی خوبترین شده است. این ادراک به آنان احساس دلپذیری می بخشد. حرفه ویراستاری بی اجر نیست، بلکه خیر و برکات خاص خود را دارد» (۶/۲).

۳۸. «همین که می بینیم بر اثر زحمات ما اثر پاکیزه‌تر و آراسته‌تر به دست خواننده می رسد، خود را در خدمت علم و خلق که برترین حیات است می یابیم و از آسودگی وجدان و آرامش خاطر برخوردار می شویم» (۳۸/۱).

۳۹. «ویراستاری شغل پرزحمتی است. شاید کسانی آن را کار خشک و بیروح و افزون بر آن نامأجور و حتی مکروه بشمرند؛ اما در حقیقت چنین نیست. واقع امر این است که ویراستار حین

ادای وظیفه، مناسبات انسانی زنده و گاه بس جالب و شوق‌انگیزی پیدا می‌کند، هم با اهل قلم و تحقیق و هم با همکاران» (۳۶/۱).

۴۰. «بهترین نویسندگان نیز نسبت به ویراستاران خوب خود حق شناسند، و این همان چیزی است که به ویراستار انگیزش معنوی و رضایت عاطفی می‌بخشد» (۵/۲).

توصیه‌هایی به ویراستاران

۴۱. ۱. همیشه به نظر صاحب اثر و تخصص او احترام بگذارید؛

۲. سلیقه شخصی خود را پیشنهاد کنید، اما سعی در تحمیل آن نداشته باشید؛

۳. از خطاهایی که به واقعیات مربوط می‌شود به هیچ وجه نگذرید؛

۴. هر جا که نمی‌توانید با صاحب اثر به توافق برسید کار را پیش شخص ثالثی که مورد قبول هر دوی شماست به داوری ببرید» (۸۴/۴).

۴۲. «برای بیان یک منظور در هر زبان

راههای مختلفی وجود دارد. شما ممکن است یکی از این راهها را بیشتر پسندید و دیگران ممکن است راه دیگری را ترجیح دهند...؛ حکم کلی در این‌گونه موارد این است: باید به سبک و سلیقه مترجم یا مؤلف احترام گذاشت» (۸۳/۴).

۴۳. «در رسم خط اگر صاحب اثر خود صاحب‌نظر باشد ناگزیر باید به شیوه و سلیقه او احترام گذاشت؛ لیکن در هر حال، یکدستی و پیگیری را باید رعایت کرد» (۳۰/۱).

۴۴. «به شهرت صاحب اثر نباید اعتماد کرد. دیده شده است که محقق حتی در تعیین شماره سوره و آیه دچار سهو شده است» (۲۴/۱).

۴۵. ۱. کار ویرایش را همواره با توجه به تواناییهای نویسنده انجام دهید...؛

۲. بی‌اطلاع نویسنده به اصلاح هیچ نکته‌ای نپردازید...؛

۳. خواننده را مجوز دگرگونیهای اساسی اثر قرار دهید...؛

۴. ویرایش را با اعتماد به نفس،

حوصله و سیاستمداری انجام دهید...؛  
۵. خوش مشرب و بشاش باشید...» (۴۵/۳).

مقاله‌ها:

۱. آداب ویراستاری، احمد سمعی (گیلانی)، ص ۲۲-۳۸.

۲. ویراستار چگونه آدمی است و چه می‌کند؟، الزی مایرز استیتون، ترجمه ناصر ایرانی، ص ۳-۱۳.

۳. راه و رسم کار با نویسندگان، لوید باستی، ترجمه ناصر ایرانی، ص ۳۹-۴۷.

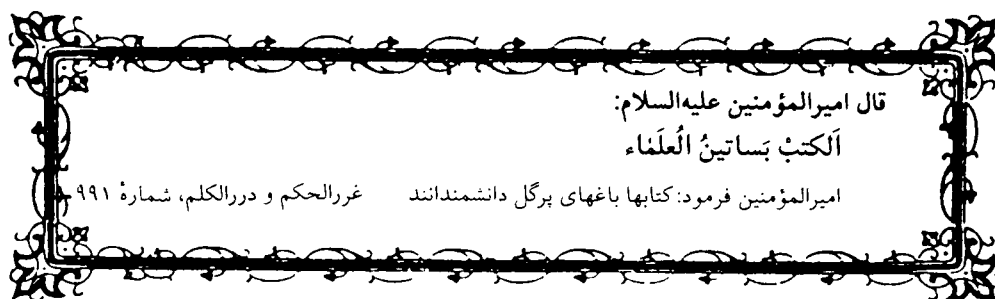
۴. بیماریهای ویراستاری، حسین معصومی همدانی، ص ۷۰-۸۵.

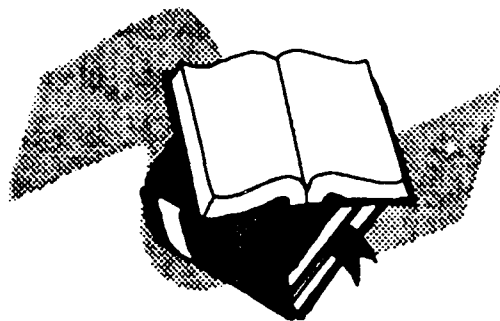
۵. در آداب ویراستار یکدنده، جس بل، ترجمه علی محمد حق‌شناس، ص ۶۱-۷۰.

۶. ویرایش کتابهای تألیفی، نصرالله پورجوادی، ص ۱۰۰-۱۱۰.

۷. ویرایش کتابها و مجله‌های علمی، حسن مرندي، ص ۸۹-۱۰۰.

~~~~~





## شیوه‌های ارزشیابی کتاب درسی دانشگاهی

ارزشیابی (ارزیابی)<sup>۱</sup> در فرهنگهای لغت به برآورد کردن، سنجیدن ارزش چیزی و ارزش و بهای چیزی را تعیین کردن و همچنین عمل یافتن ارزش هر چیز معنا شده است.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر این واژه از نظر لغوی عبارت از «آزمودن و قضاوت درباره ارزش، کیفیت، اهمیت، میزان، درجه یا شرایط یک پدیده است».<sup>۳</sup>

مراد از ارزشیابی در این نوشته عبارت است از «فرایند تعیین و فراهم آوردن اطلاعات لازم درباره پدیده و یا چیزی به منظور قضاوت درباره ارزش و میزان مفید و مؤثر بودن آن». بنابراین با توجه به تعریف فوق در فرایند ارزشیابی کتاب درسی، اطلاعات لازم درباره کتاب جمع‌آوری می‌شود تا به وسیله آن بتوان در مورد ارزش و کیفیت و میزان مطلوب بودن آن قضاوت نمود. هدف از ارزشیابی کتاب درسی تنها جستجوی معایب کتاب نیست، بلکه علاوه بر آن بررسی جایگاه و موقعیت کتاب نیز هست تا از این طریق بتوان به این نکته پی برد که آیا کتاب درسی هدف مورد نظر را تأمین می‌کند یا خیر.

\* عضو هیأت علمی سازمان «سمت»

به وسیله ارزشیابی زمینه برای بهبود کیفیت کتاب درسی فراهم می‌شود و بدون آن، نمی‌توان در مورد میزان مفید بودن کتاب قضاوت کرد. اگر نویسنده و یا سازمان تهیه‌کننده کتب درسی از ارزشیابی کتب غفلت نماید ممکن است زحمات و سرمایه فراوانی هدر برود و کتاب تهیه شده در عمل مفید واقع نشده، موجب اتلاف وقت استاد و دانشجو گردد، به همین لحاظ اغلب سازمانهای معتبر تهیه‌کننده کتب درسی، ارزشیابی را جزو برنامه‌های اساسی خود قرار داده، همواره از آن برای بهبود بخشیدن به کیفیت کتب بهره‌مند می‌شوند.

مراحل ارزشیابی کتاب درسی  
ارزشیابی کتاب درسی اصولاً در سه مرحله قبل از تدوین، در حین تدوین و بعد از تدوین صورت می‌گیرد.

الف) ارزشیابی کتاب درسی قبل از تدوین

در این مرحله چهارچوب و طرح تألیف کتاب مورد ارزشیابی قرار

می‌گیرد. معمولاً کتاب درسی براساس سرفصلهایی که برنامه‌ریزان درسی تهیه کرده‌اند تدوین می‌شود و براین اساس موضوعات آن باید تا حد بسیاری با سرفصلهای تعیین شده مطابقت داشته باشد. بنابراین در ابتدا طرح تألیف کتاب که در اصل چهارچوب کتاب است مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. در این مرحله طرح تألیف کتاب از جوانب مختلف مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد و ارزشیاب باید به سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- چهارچوب و فهرست مطالب تا چه حد با برنامه مصوب برنامه‌ریزان درسی مطابقت دارد؟

- آیا کتابی که براساس این طرح تدوین شود نیاز دانشجویان را در درس مربوطه کاملاً تأمین می‌نماید؟

- آیا میزان (حجم) مطالب با توجه به زمان پیش‌بینی شده برای تدریس کتابی که براساس این طرح تهیه می‌شود مناسب است؟

- آیا تقسیم‌بندی مطالب به بخشها و فصلها متناسب است؟

- آیا ترتیب منطقی در تنظیم

قبیل فهرست واژه‌ها، اعلام، اماکن،  
جداول و تصاویر و... هست؟  
- آیا منابع و مآخذ به طور کامل، در  
پایان، آورده شده است؟

ب) بعد از چاپ: ارزشیابی کتاب در  
مرحله بعد از چاپ از سه لحاظ صورت  
می‌گیرد:<sup>۴</sup>

۱. از لحاظ کیفیت نگارش و محتوا،
۲. از لحاظ شکل ظاهری و ویژگیهای  
فنی،
۳. از لحاظ تأثیر در آموزش.

۱. ارزشیابی کتاب درسی از لحاظ  
کیفیت نگارش و محتوا. در ارزشیابی  
کتاب از این جنبه معمولاً صحت  
مطالب، میزان سلیس و روان بودن یا  
دشواری متن، جدید و معتبر بودن  
مطالب و نحوه سازماندهی آنها و...  
مورد توجه قرار می‌گیرد. در ارزشیابی  
کتاب در این مرحله ارزیاب باید به  
سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- آیا جملات کتاب، سلیس و روان  
است؟
- آیا فصول و مطالب به طور  
صحیح سازماندهی شده است؟
- آیا مطالب از نظر میزان دشواری  
یا سهولت برای مخاطبان، مناسب  
است؟
- آیا میزان مطالب با توجه به  
اهمیت آن مناسب است؟
- آیا در تدوین کتاب از منابع و  
مآخذ معتبر استفاده شده است؟

هدف از ارزشیابی کتاب درسی  
تنها جستجوی معایب کتاب نیست،  
بلکه علاوه بر آن بررسی جایگاه و  
موقعیت کتاب نیز هست.<sup>۵</sup>

جدول و ... در حد ضرورت استفاده  
شده است؟

- آیا نکات و اصطلاحات مهم در  
پاورقی توضیح داده شده است؟
- آیا در تدوین مطالب از معتبرترین  
و جدیدترین منابع استفاده شده است؟
- آیا بین تیترها و عناوین و محتوا  
همانگی لازم وجود دارد؟

ج) ارزشیابی کتاب پس از تدوین  
این مرحله خود، به دو مرحله تقسیم  
می‌شود: قبل از چاپ و بعد از چاپ:  
الف) قبل از چاپ: وقتی نگارش  
کتاب تمام شد به ارزشیابان تحویل داده  
می‌شود تا از جنبه‌های مختلف  
ارزشیابی شود، سپس مراحل ویرایش  
و چاپ صورت می‌گیرد.

در این مرحله کلیه بخشها و فصول  
کتاب که پیش از این به طور مجزا  
ارزشیابی شده به صورت کلی و به  
عنوان یک مجموعه ارزشیابی می‌شود.  
در این مرحله علاوه بر سؤالات مطرح  
شده در مرحله پیش به سؤالات ذیل نیز  
باید پاسخ داده شود:

- آیا مقدمه مناسب برای کتاب  
تدوین شده است؟
- آیا کتاب علاوه بر فهرست  
مطالب دارای فهرستهای ضروری از

مطالب رعایت شده است؟

- آیا بین دانسته‌های قبلی  
دانشجویان در این زمینه با مطالب  
جدید ارتباط صحیحی وجود دارد؟
- آیا در تنظیم چهارچوب مطالب،  
منابع و مآخذ معتبری مورد استفاده قرار  
گرفته است؟

ب) ارزشیابی کتاب در حین تدوین  
کتاب درسی باید با نظارت گروهی از  
متخصصان تدوین شود؛ نقش این  
متخصصان همانند نقش مهندسان ناظر  
در ساخت بناهای مهم است. در این  
مرحله هریک از بخشها و فصول کتاب  
پس از تدوین مورد ارزشیابی قرار  
می‌گیرد و راهنماییهای لازم برای رفع  
اشکالات صورت می‌گیرد.

در این مرحله ارزشیاب باید به  
سؤالات ذیل پاسخ دهد:

- آیا مطالب تهیه شده در راستای  
چهارچوب از قبل تعیین شده هست؟
- آیا میزان (حجم) مطالب با توجه  
به اهمیت آنها مناسب است؟
- آیا جملات متن رسا و شیواست؟
- آیا متن از لحاظ میزان دشواری و  
سهولت برای مخاطبان مناسب است؟
- آیا انسجام لازم بین مطالب وجود  
دارد؟
- آیا در نقل قولها و استفاده از منابع  
و مآخذ امانت رعایت شده است؟
- آیا برای تفهیم مطالب و جذاب  
شدن آنها از مثال، تصویر، عکس،

- آیا برای دانشجوی تکالیف یادگیری

پیش‌بینی شده است؟

- آیا در پایان هر فصل سؤالاتی

برای تحقیق و بررسی آورده شده است؟

- آیا از تصاویر و اشکال در حد

ضرورت استفاده شده است؟

- آیا از جدول و نمودار در حد

ضرورت استفاده شده است؟

- آیا اهداف آموزشی هر فصل

مشخص شده است؟

- آیا خلاصه فصول و نتیجه‌گیری از

هر فصل ارائه شده است؟

برای سهولت ارزشیابی در مراحل و

جنبه‌های مختلف، از فرمهای ویژه‌ای

استفاده می‌شوند که نمونه‌ای از فرمهای

ارزشیابی کتاب پس از چاپ در ضمیمه

شماره (۱) آورده شده است.

روشهای ارزشیابی کتاب درسی

ارزشیابی کتاب درسی به شیوه‌های

مختلف صورت می‌گیرد. کتاب درسی

قبل از تدوین معمولاً به وسیله

صاحب‌نظران مورد ارزشیابی قرار

می‌گیرد. ناشران و مؤسسات تهیه‌کننده

کتاب درسی معمولاً از همکاری تعدادی

از متخصصان در هر موضوع استفاده

کرده، مطالب را برای بررسی و

ارزشیابی در اختیار آنان قرار می‌دهند و

متخصصان نیز که اغلب استادان دانشگاه

و یا مترجمان با سابقه هستند به

ارزشیابی کتاب براساس معیار و

الگوهای هر سازمان می‌پردازند.

ارزشیابی کتاب درسی بعد از مرحله

- آیا حاشیه صفحات مناسب

است؟

- آیا صفحه‌پردازی کتاب به درستی

صورت گرفته است؟

- آیا تصاویر و اشکال کتاب از

کیفیت خوبی برخوردار است؟<sup>۶</sup>

پاسخ این سؤالات ممکن است بله،

یا خیر باشد.

۳. ارزشیابی کتاب از نظر تأثیر در

آموزش. در ارزشیابی کتاب از این جنبه،

تأثیر مطالب در آموزش مورد توجه قرار

می‌گیرد.

کتاب ممکن است از نظر کیفیت

محتوا و نگارش و شکل ظاهری و فنی

در وضعیت خوبی باشد، ولی در عمل

یادگیری مطالب آن برای دانشجویان

دشوار بوده، در تدریس چندان به کار

نیاید بنابراین ضروری است کتاب

درسی از این جنبه نیز مورد ارزشیابی

قرار گیرد. در ارزشیابی کتاب از این جنبه

ارزشیابی باید به سؤالات ذیل پاسخ

دهد:

- آیا برای تفهیم بیشتر مطالب از

مثال در حد ضرورت استفاده شده است؟

- آیا فهرستهای لازم از قبیل فهرست

مطالب، جدول، تصاویر، اعلام، واژه‌ها

و... در کتاب آورده شده است؟

- آیا اصطلاحات تخصصی<sup>۷</sup> و

مطالب دشوار توضیح داده شده است؟

- آیا مطالب از نظر دشواری و

سهولت برای دانشجویان مناسب

است؟

- آیا در تدوین مطالب از ابراز

تعصب قومی، نژادی و... پرهیز شده

است؟

- آیا در نقل قول مطالب امانت

رعایت شده است؟

- آیا مطالب هدف درس مربوط را

تأمین می‌نماید؟

- آیا مطالب با توجه به دانسته‌های

قبلی مخاطبان تهیه شده است؟

- آیا بین تیتراها و عنوانها و متن

هماهنگی لازم وجود دارد؟

۲. ارزشیابی کتاب از لحاظ شکل

ظاهری و ویژگیهای فنی. در این نوع

ارزشیابی کتاب از نظر شکل و نوع

حروف، طرح روی جلد، کیفیت کاغذ

و... مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. در این

مرحله ارزشیابی باید به سؤالات ذیل

پاسخ دهد.

- آیا قطع کتاب مناسب است؟

- آیا صحافی و نوع جلد مناسب

است؟

- آیا رنگ روی جلد متناسب

است؟

- آیا کاغذ مورد استفاده مناسب

است؟<sup>۸</sup>

- آیا شکل و اندازه حروف مناسب

است؟

- آیا تناسب لازم بین حروف

عنوانها، متن و پاورقی وجود دارد؟

- آیا فاصله خطوط و فاصله کلمات

با یکدیگر مناسب است؟

- آیا خطوط خواناست؟

چاپ با استفاده از این روشها صورت می‌گیرد:

۱. اجرای پرسشنامه،

۲. ارسال کتاب برای متخصصان،

۳. بررسی آزمایشی.

#### ۱. اجرای پرسشنامه

معمولاً در مؤسسات تهیه کننده کتب درسی پرسشنامه‌هایی برای ارزشیابی کتاب تهیه می‌شود تا ارزشیابان پاسخهای خود را در قالب آنها ارائه نمایند. این پرسشنامه‌ها به سه طریق در اختیار ارزشیابان قرار می‌گیرد:

الف) در جلسات حضوری به ارزشیابان تحویل شده و پس از تکمیل از آنان دریافت می‌شود.

ب) به وسیله مکاتبه و از طریق پست برای ارزشیابان ارسال می‌شود.

ج) در پایان کتابها درج می‌شود تا خوانندگان پس از مطالعه و بررسی کتاب، آن را تکمیل و ارسال کنند.

الف) اجرای پرسشنامه به صورت حضوری. در این شیوه معمولاً پرسشگران کسانی را که می‌توانند درباره کتاب نظر دهند شناسایی نموده، به آنها مراجعه می‌کنند و پرسشنامه را در اختیار آنان قرار می‌دهند و پس از تکمیل پرسشنامه را تحویل می‌گیرند، گاهی ممکن است این کار به صورت مصاحبه صورت گیرد.

ب) اجرای پرسشنامه از طریق مکاتبه. در این شیوه در ابتدا ارزشیابان

کتاب شناسایی شده، سپس پرسشنامه به همراه توضیحات کامل و راهنما برای ارزشیابان ارسال می‌شود؛ معمولاً همراه با پرسشنامه پاکت تمبردار نیز برای عودت پرسشنامه ضمیمه می‌شود.

ج) اجرای پرسشنامه به وسیله درج آن در پایان کتاب. در این شیوه پرسشنامه‌هایی را که اغلب خلاصه و مختصر هستند در پایان کتاب درج می‌کنند تا خوانندگان با پاسخ بدان نظر خود را درباره کتاب بیان و ارسال نمایند؛ در این شیوه معمولاً تهیدات لازم از قبیل الصاق تمبر به پرسشنامه یا پرداخت هزینه ارسال از قبل فراهم می‌شود.<sup>۸</sup>

#### ۲. ارسال کتاب برای متخصصان

در این شیوه کتاب پس از چاپ برای ارزشیابی در اختیار متخصصان مختلف مانند ویراستار، متخصص چاپ و نشر، متخصص در موضوع کتاب و متخصص در آموزش، قرار می‌گیرد و هر یک از متخصصان با توجه به نوع تخصص خود کتاب را ارزشیابی می‌نمایند.

#### ۳. بررسی آزمایشی

این شیوه از بهترین و در عین حال از دشوارترین روشهای ارزشیابی است. در این روش معمولاً کتاب درسی را با تیراژ محدودی منتشر می‌کنند و در تعدادی از کلاسها مفید بودن آن را در عمل مورد

بررسی قرار می‌دهند. این کار با همکاری تعدادی از استادان (مدرسین) همان درسی که کتاب برای آن تهیه شده انجام می‌شود و پس از مشخص شدن معایب و محاسن کتاب تجدید نظر لازم به عمل آمده، کتاب در تیراژ وسیع (متناسب با تعداد مخاطبان) چاپ و توزیع می‌شود.

جا دارد این سؤال مطرح شود که مناسبترین شیوه برای ارزشیابی کتاب درسی کدام است. هر یک از این روشها معایب و محاسنی دارند، ولی در مجموع مکمل یکدیگرند؛ بنابراین روشهای مختلف باید با توجه به شرایط و امکانات مورد استفاده قرار گیرد.

#### منابع و یادداشتها

##### 1. evaluation

۲. رجوع کنید به:

- لغتنامه دهخدا؛ ج ۲، ذیل «ارزیابی».

- فرهنگ فارسی؛ ج ۱، ذیل «ارزیابی».

۳. بولا، ه. س.؛ ارزیابی آموزشی و کاربرد آن در سوادآموزی تابعی؛ ترجمه عباس بازرگان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۷.

4. Hartley, James; Designing Instructional Text; London: Koganpage, 1991, p. 139.

۵. مناسب بودن نوع کاغذ یا صحافی در کتاب درسی بدین معناست که صحافی و کاغذ دارای دوام لازم باشد در عین حال با کمترین هزینه و ارزانترین قیمت نیز تهیه شده باشد.

۶. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

ادامه در صفحه ۲۷

## ضمیمه شماره (۱)

### فرم ارزشیابی کتاب درسی دانشگاهی

۶. آیا حجم (میزان) مطالب با توجه به واحد درسی مناسب

است؟

☐ بله

☐ خیر، توضیح دهید.

۷. آیا در تدوین مطالب از تعصب قومی و نژادی پرهیز شده

است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را مشخص کنید.

۸. آیا در نقل قولها و ذکر منابع امانت رعایت شده است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر فرمایید.

۹. آیا در تدوین مطالب از منابع معتبر استفاده شده است؟

☐ بله

☐ خیر، منابع غیرمعتبر را ذکر فرمایید.

ب) کتب ترجمه‌ای:

۱. آیا در انتخاب واژه‌های معادل فارسی دقت لازم شده

است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را مشخص فرمایید.

۲. آیا در متن ترجمه، واژه‌ها و معادلها یکدست و هماهنگ

است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر کنید.

۳. آیا ترجمه از نظر رعایت امانت، معنی و مفهوم و

تأکیدات، صحیح صورت گرفته است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر فرمایید.

۴. آیا دخل و تصرف مترجم در متن اصلی مناسب است؟

مشخصات کتاب:

عنوان..... مؤلف.....

مترجم..... ناشر.....

محل نشر..... سال نشر.....

منبع اصلی درس..... دوره.....

رشته.....

.....

- سؤالات ویژه ارزشیابی از لحاظ کیفیت نگارش و

محتوا:

الف) کتب تألیفی:

۱. آیا جملات کتاب سلیس و روان است؟

☐ بله

☐ خیر، به چند نمونه اشاره فرمایید.

۲. آیا فصول و مطالب به طور صحیح سازماندهی شده

است؟

☐ بله

☐ خیر، چند نمونه را ذکر فرمایید.

۳. آیا مطالب با توجه به دانسته‌های خوانندگان تهیه شده

است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را توضیح دهید.

۴. آیا مطالب از نظر میزان دشواری یا سهولت مناسب است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را توضیح دهید.

۵. آیا مطالب با سرفصل مصوب مطابقت دارد؟

☐ بله

☐ خیر، چه مطالبی، چرا؟

است؟

☐ بله

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر فرمایید.

☐ خیر

.....

- سؤالات ویژه ارزشیابی از لحاظ شکل ظاهری و فنی:

۱. آیا قطع کتاب مناسب است؟

☐ بله

☐ خیر، چه قطعی را پیشنهاد می‌کنید چرا؟

۲. آیا نوع جلد مناسب است؟

☐ بله

☐ خیر، نظرتان را اعلام فرمایید.

۳. آیا رنگ و طرح روی جلد مناسب است؟

☐ بله

☐ خیر، چرا...؟

۴. آیا کاغذ مورد استفاده مناسب است؟

☐ بله

☐ خیر، نظرتان را اعلام فرمایید.

۵. آیا شکل و اندازه حروف مناسب است؟

☐ بله

☐ خیر، چه اندازه و چه حروفی را پیشنهاد می‌کنید.

۶. آیا تناسب لازم بین حروف، عنوانها، متن و پاورقی وجود

دارد؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را مشخص فرمایید.

۷. آیا خطوط کتاب خواناست؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را مشخص فرمایید.

۸. آیا حاشیه صفحات مناسب است؟

☐ بله

☐ خیر، نظرتان را اعلام فرمایید.

۹. آیا صفحه‌پردازی کتاب به‌طور صحیح صورت گرفته است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر کنید.

۱۰. آیا تصاویر و شکلهای کتاب از کیفیت لازم برخوردار

- سؤالات ویژه ارزشیابی از لحاظ تأثیر آموزشی:

۱. آیا در کتاب از مثال در حد ضرورت استفاده شده است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر کنید.

۲. آیا فهرستهای مورد نیاز از قبیل فهرست مطالب،

موضوعی، اعلام و اماکن و... آورده شده است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر کنید.

۳. آیا اصطلاحات تخصصی و مطالب دشوار توضیح داده

شده است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر فرمایید.

۴. آیا تکالیف یادگیری برای دانشجویان از جمله، سؤالاتی

برای بحث و تحقیق آورده شده است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر کنید.

۵. آیا از جداول و نمودار در حد ضرورت استفاده شده

است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر کنید.

۶. آیا از تصاویر و اشکال در حد ضرورت استفاده شده

است؟

☐ بله

☐ خیر، موارد را ذکر کنید.

۷. آیا خلاصه و نتیجه‌گیری هر فصل آورده شده است؟

☐ بله

☐ خیر

## ضمیمه شماره (۲)

## فرم ارزشیابی پایان کتاب

## Student Response Form

What do you think of this book? The authors and publisher would like to know what you think of this sixth edition of *Psychology Applied to Teaching*. Your comments will help us not only in improving the next edition of this book but also in developing other texts. We would appreciate very much if you would take a few minutes to respond to the following questions. When you have indicated your reactions, please send this form to: College Marketing, Houghton Mifflin Company, One Beacon Street, Boston, MA 02108.

1. On a ten-point scale, with 10 as the highest rating and 1 as the lowest, how do you rate the following features of *Psychology Applied to teaching*?

Overall rating compared to all other texts you have read \_\_\_\_\_

Interest level compared to all other texts you have read \_\_\_\_\_

Readability compared to other texts \_\_\_\_\_

Clarity of presentation of concepts and information \_\_\_\_\_

Value of the *Key Points* as learning aid \_\_\_\_\_

Helpfulness of *Mid-Chapter Reviews* \_\_\_\_\_

Helpfulness of Summary tables and diagrams \_\_\_\_\_

Interest level and pedagogical effectiveness of the *illustrations* \_\_\_\_\_

Usefulness of the *Suggestions for Further Study* \_\_\_\_\_

Usefulness of the *Handbook Headings and Suggestions for Developing a Personal Handbook* \_\_\_\_\_

Usefulness of *Becoming a Better Teacher: Questions and Suggestions* \_\_\_\_\_

2. Do you intend to sell this book \_\_\_\_\_ or Keep it for future reference \_\_\_\_\_ ?

(Please insert an X in the appropriate space.)

3. Have you used (or do you intend to refer to) *Becoming a Better Teacher: Questions and Suggestions* to improve your teaching effectiveness?

Yes \_\_\_\_\_ No \_\_\_\_\_

4. Please turn to the table of contents and list here the numbers of all chapters that were assigned by your instructor.

5. If not all chapters were assigned, did you read any others on your own? Please indicate chapter numbers you read on your own.

6. Were there any topics that were not covered that you thought should have been covered?

7. Please indicate the number of each of the following types of exams that your instructor asked to take:

multiple choice \_\_\_\_\_ short-answer \_\_\_\_\_ essay \_\_\_\_\_ oral \_\_\_\_\_ other \_\_\_\_\_

(please specify) \_\_\_\_\_

8. Did your instructor give you the opportunity to compare your test answers to the answers provided by the person who wrote the questions?

Yes \_\_\_\_\_ No \_\_\_\_\_

9. Were you required to write a term paper \_\_\_\_\_ or complete some sort of term project? (Please specify the nature of the term project.)

10. Did you use the Study Guide? Yes \_\_\_\_\_ No \_\_\_\_\_

On a ten-point scale, how do you rate the usefulness of the Study Guide? \_\_\_\_\_

Did your instructor ask you to use the Study Guide \_\_\_\_\_ or did you obtain it on your own \_\_\_\_\_ ?

11. Are you attending a 2-year college \_\_\_\_\_, 4-year college \_\_\_\_\_, university \_\_\_\_\_ ?

12. What was your class standing at the time you took the course in educational psychology?

Freshman \_\_\_\_\_ Sophomore \_\_\_\_\_ Junior \_\_\_\_\_ Senior \_\_\_\_\_ Graduate \_\_\_\_\_

13. Is your college or university on the quarter system \_\_\_\_\_ or the semester system \_\_\_\_\_ ?

14. If you had the chance to talk to the authors of this book just before they started to prepare the next edition, what suggestions would you give them for improving *Psychology Applied to Teaching*?

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) با تمام توان و با تحمل رنج فراوان می‌کوشد تا کتابهایی فزاینده دانشجوی در اختیار وی قرار دهد و پیداست که مرحله کمال این کوشش، تنها با حساسیت، اهتمام و همکاری استاد و دانشجو با «سمت» میسر خواهد شد. از این رو متراضعانه و مصزانه تقاضا می‌شود برای ارتقای کیفی این کتابها که بخشی از هزینه آنها از بیت‌المال تهیه شده و درواقع متعلق به خود شماست پرسشنامه زیر را تکمیل و با پست ارسال کنید.

با تشکر

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها

نام و نام خانوادگی (در صورت تمایل) ..... رشته تحصیلی ..... مدرک / مقطع تحصیلی ..... دانشگاه / مؤسسه

۱. از این کتاب تحت چه عنوانی استفاده (مطالعه) کرده‌اید؟

☐ منبع اصلی درس روشها و فنون تدریس ☐ منبع فرعی درس روشها و فنون تدریس ☐ منبع تحقیقی

۲. در صورتی که در درس فوق از ایسن کتاب به عنوان منبع اصلی استفاده نکرده‌اید از چه کتابهایی استفاده نموده‌اید؟

نام کتاب ..... نویسنده / مترجم ..... ناشر .....

.....

۳. حجم مطالب کتاب نسبت به تعداد واحد درسی درسی که به آن اختصاص یافته، چگونه است؟

☐ زیاد ☐ مناسب ☐ کم

۴. مطالب کتاب نسبت به سطح درک و فهم دانشجویان چگونه است؟

☐ بالاتر (چشمگیری؟ لطفاً دقیق نام ببرید). ☐ مناسب ☐ کمتر (چه فستهای؟ لطفاً ذکر کنید).

۵. این کتاب را از جنبه‌های ذیل چگونه ارزیابی می‌کنید؟ (لطفاً پاسخ هر کدام را جداگانه در مقابل آن بنویسید).

الف. محتوا

ب. قطع

ج. حروف چاپی

د. طرح روی جلد

۶. این کتاب را چگونه و با چه قیمتی تهیه کرده‌اید؟

۷. اگر پیشنهادی در خصوص بهبود کیفیت کتاب دارید، لطفاً مرقوم فرمایید.

## کتابشناسی برگزیده مراجع ادبیات فارسی



کتابشناسی

منابع ادبیات فارسی از کارآمدترین و پرمراجعه‌ترین منابع کتابخانه‌ای است. تاکنون مراجع بسیاری در زمینه تاریخ و نقد ادبیات فارسی، معرفی سبکهای ادبی و بررسی ادوار مختلف نظم و نثر فارسی به رشته تحریر درآمده است. نوشتن تذکره‌های گروهی نیز از جمله مرجع نگارهای ادبی است که علاوه بر شرح حال ادبا و شعرا، دربردارنده قطعاتی از آثار آنان است و به معرفی و بررسی اختصاری آنها می‌پردازد. مجموعه‌های منتخب نیز که شامل نمونه‌های برگزیده از آثار شعرا و نویسندگان مختلف است، به دلیل عضو هیأت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشکده روان‌شناسی و

علوم تربیتی دانشگاه تهران

\*\*\* کارشناس کتابداری

گزینش گلچینی از آثار مختلف بخشی از منابع مرجع ادبی به شمار می‌آید. همچنین در فن شعر و بلاغت، آیین نگارش، شرح اصطلاحات ادبی یا شرح لغات و ابیات آثار منظوم، کتابهایی تدوین شده که در زمره متون پایه است. گروه دیگری از مراجع به منظور تسهیل استفاده از منابع ادبی تنظیم شده است، مثلاً کتابشناسی‌هایی که شامل فهرست کتب و مقالات نوشته شده درباره موضوع، فرد یا اثری خاص است و اصطلاحاً به آن کتابشناسی موضوعی می‌گویند. این گروه از آثار منابع سودمندی است که پژوهشگر را در شناسایی تحقیقات انجام شده در هر زمینه یاری می‌دهد تا هم از نتایج آن تحقیقات بهره گیرد و هم از تکرار کارهای مشابه خودداری شود. تهیه نمایه‌های موضوعی و کشف‌الابیات دیوان شعرا نیز به مراجعه کننده برای بازیابی یک واژه یا یک بیت شعر کمک بسیار می‌کند. مراجعه به این منابع رابط که در آن لغات در یک ترتیب الفبایی قرار گرفته است موجب می‌شود پژوهشگر به سبب سهولت به مطلب مورد نظر خود دست یابد؛ برای مثال کتاب

فرهنگ سخنوران تألیف استاد خیام‌پور نمایه‌ای است برای منابعی که در شرح حال ادبا نوشته شده است. با مراجعه به این منبع درمی‌یابیم که درباره سعدی به کدام کتاب تاریخ ادبیات یا تذکره مراجعه کنیم. همچنین با مراجعه به کتاب از دریا به دریا: کشف‌الابیات مثنوی مولوی از طریق هر واژه می‌توان براحتی محل بیت مورد نظر را در چاپهای مختلف مثنوی پیدا کرد. هدف از تدوین مقاله حاضر معرفی مهمترین منابع ادبیات فارسی است تا سیاهه‌ای از تحقیقات انجام شده در این زمینه برای پژوهشگران ادبیات و متخصصان رشته‌های دیگر فراهم شود و به این ترتیب آنها به منابع موجود ادبی دسترسی پیدا کنند. کتابداران شاغل در کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های تخصصی ادبیات با استفاده از این فهرست، با گستره منابع ادبیات فارسی آشنا می‌شوند و برای پاسخگویی به مراجعه کنندگان خود نیز بهره می‌گیرند. در این فهرست، منابع مرجع ادبی برحسب کاربرد و نوع اطلاعاتشان طبق تقسیم‌بندیهای رایج در کتابشناسیهای تخصصی به گروههای ذیل تقسیم شده

است:

۱. تاریخ ادبیات فارسی ۲. نقد و بررسی ۳. سرگذشتنامه‌ها. این قسمت شامل سرگذشتنامه‌ها و تذکره‌های جمعی است و سرگذشتنامه‌های فردی را در برنمی‌گیرد. ۴. مجموعه برگزیده‌ها ۵. کتابشناسیها و نمایه‌ها که شامل دو بخش فرعی: ۱- کتابشناسی افراد و آثار خاص و ۲- کشف الابیاتها می‌شود. در این دو بخش فوق برخلاف بقیه قسمت‌ها که تنظیم مدخلها به ترتیب الفبایی عنوان آثار است، مدخلها به ترتیب الفبایی نام افراد تنظیم شده است تا آثار مربوط به یک شخص یا یک اثر در کنار هم قرار بگیرد. در میان کشف الابیاتها، بعضی عناوین، فرهنگ یا واژه‌نامه نام دارند (مانند فرهنگ واژه‌نامه حافظ یا واژه‌نامه بسامدی اشعار شهید بلخی). این منابع در واقع برای یافتن محل هر واژه یا تعیین میزان کاربرد لغات است نه توضیح و شرح آن. ۶. فرهنگها. در این بخش به علت جامعیت دو کتابشناسی فرهنگهای فارسی تألیف دکتر محمددبیر سیاقی و فرهنگهای عربی به فارسی علینقی منزوی از ذکر مشخصات فرهنگهای عمومی خودداری شده است. ۱-۶ فرهنگ اصطلاحات ادبی. در این قسمت علاوه بر اصطلاحات ادبی، فرهنگ اصطلاحات عرفانی و تصوّف - که جلوه بارز آن در ادبیات فارسی است و ارتباط مستقیم با مفاهیم ادبی دارد -

نیز اضافه شده است. ۲-۶ فرهنگهای عامیانه، امثال و حکم. ۷. شرح آثار. شامل منابعی است که به شرح لغات یا ابیات پرداخته است. برخی از این منابع به ترتیب الفبایی لغات تنظیم شده است؛ مثل «لغات و تعبیرات مثنوی» از دکتر صادق گوهرین. در برخی دیگر، اشعار به ترتیب درج، در کتاب شرح داده شده است؛ مانند «شرح و تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی» استاد محمدتقی جعفری. در این بخش نیز برای آنکه شرحها و واژه‌نامه‌هایی که بر آثار یک شخص نوشته شده در کنار هم بیاید، مدخلها برحسب الفبایی نام صاحب اثر تنظیم شده است. ۸. راهنماها و قواعد. با دو بخش فرعی ۱-۸ آیین نگارش و ۲-۸ فن شعر شامل دستورنامه‌هایی است که جنبه راهنمای آموزش دارند. ۹. زبانشناسی و تاریخ زبان ۱۰. دستور زبان. اطلاعات هر مدخل شامل موارد ذیل است:

کتاب: نام نویسنده. عنوان کتاب. محل نشر: نام ناشر، تاریخ انتشار. تعداد مجلدات (در مورد کتابهای چندجلدی). مقاله: نام نویسنده. «عنوان مقاله»، عنوان نشریه ادواری، شماره جلد یا دوره، (تاریخ)، شماره صفحات.

#### ۱. تاریخ ادبیات فارسی

یاسمی، رشید. ادبیات معاصر. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۲.

آرین پور، یحیی. از صبا تا نیما؛ تاریخ ۱۵۰ سال ادب فارسی. تهران: جیبی؛ فرانکلین، ۱۳۵۰.

\_\_\_\_\_. از نیما تا روزگار ما. تهران: زوّار، ۱۳۷۴.

رضا زاده شفق، صادق. تاریخ ادبیات ایران. تهران: آهنگ، ۱۳۶۹.

همائی، جلال‌الدین. تاریخ ادبیات ایران از قدیمترین عصر تاریخی تا عصر حاضر. تهران: فروغی، ۱۳۴۰. ۴ ج.

ریپکا، یان. تاریخ ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان. مترجم یعقوب آژند. تهران: گستره، ۱۳۶۴.

صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۷ - ۱۳۶۴، ۵ ج.

اته، کارل هرمان. تاریخ ادبیات فارسی. ترجمه صادق رضازاده شفق. تهران: ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.

براوون، ادوارد گرانویل. تاریخ ادبی ایران. ترجمه علی پاشا صالح و دیگران. تهران: ابن‌سینا؛ مروارید، ۱۳۳۵ - ۱۳۴۵. ۴ ج. جلد اول.

از قدیم‌ترین روزگاران تا زمان فردوسی؛ جلد دوم. از فردوسی تا سعدی؛ جلد سوم. از سعدی تا جامی؛ جلد چهارم. از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر (حدود ۱۹۲۳ میلادی).

خطیبی، حسین. تاریخ تطّور نثر فارسی قرون ششم و هفتم هجری. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.

نفیسی، سعید. «تاریخچه مختصری از ادبیات ایران». سالنامه پارس، شماره ۷

داستان‌نویسی معاصر ایران. تهران: شفا،

۱۳۶۶.

نقوی، شهریار. «ادبیات فارسی در شبه

قاره هند و پاکستان». هنر و مردم، شماره

۱۶۴ (خرداد ۱۳۵۵)، ۷۳-۸۳ و شماره ۱۶۵

و ۱۶۶ (تیر و مرداد ۱۳۵۵)، ۱۰۹-۱۱۱.

آزند، یعقوب. ادبیات نوین ایران: از

انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی. تهران:

امیرکبیر، ۱۳۶۳.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. ادوار شعر

فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت.

تهران: توس، ۱۳۵۹.

«انواع و سبک‌های ادبی». سخن، شماره

۲۲ (۱۳۵۱)، ۴۷۳-۴۷۶.

زرّین کوب، عبدالحسین. با کاروان حلّه؛

مجموعه نقد ادبی. تهران: علمی، ۱۳۷۰.

استعلامی، محمد. بررسی ادبیات

امروز. تهران: زوّار، ۱۳۴۹.

کیانوش، محمود. بررسی شعر و نثر

فارسی معاصر در آثاری از جلال آل احمد،

صادق چوبک، درویش ... تهران: مانی،

۱۳۵۱.

دستغیب، عبدالعلی. تحلیلی از شعر نو

فارسی. تهران: صائب، ۱۳۴۵.

ریاحی، محمدامین. «تحولات ادبی

ایران و وضع امروز آن». هنر و مردم، شماره

۵۹، ۱۳-۷۰.

یوسفی، غلامحسین. چشمه روشن:

دیداری با شاعران. تهران: علمی، ۱۳۷۲.

\_\_\_\_\_ . دیداری با اهل قلم:

درباره بیست کتاب نثر فارسی. تهران: علمی،

۱۳۶۷. ج ۲.

(۱۳۱۰ - ۱۳۳۱)، ۲۱ - ۵۴.

اقبال آشتیانی، عباس. تاریخ شروع نثر

فارسی: مقالات اقبال. تهران: ۱۳۵۰

کاتبی، حسینعلی. تاریخ مختصر نثر

فارسی. تبریز: (بی‌نا)، ۱۳۳۰.

براون، ادوارد گرانویل. تاریخ

مطبوعات و ادبیات ایران در دوره

مشروطیت. ترجمه رشید یاسمی و رضا

صالح‌زاده. تهران: معرفت، ۱۳۴۱-۱۳۴۵. ۳

ج.

نفیسی، سعید. تاریخ نظم و نثر در ایران

و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری.

تهران: فروغی، ۱۳۶۳. ج ۲.

صفا، ذبیح‌الله. حماسه‌سرایی از

قدیمترین عصر تاریخی تا قرن چهارم

هجری. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۳.

بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی یا تاریخ

تطوّر نثر فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۷. ۳

ج.

فروزانفر، بدیع‌الزمان. سخن و

سخنوران. تهران: خوارزمی، ۱۳۵۰.

آزند، یعقوب. نمایشنامه‌نویسی در ایران

(از آغاز تا سال ۱۳۲۰ ه. ش.). تهران: نشر

نی، ۱۳۷۳.

سپانلو، محمدعلی. نویسندگان پیشرو

ایران از مشروطیت تا ۱۳۵۰ (تاریخچه

رمان، قصه کوتاه، نمایشنامه و نقد ادبی در

ایران معاصر). تهران: زمان، ۱۳۶۳.

## ۲. نقد و بررسی

میرصادقی، جمال. ادبیات داستانی

(قصه، داستان کوتاه، رمان) نگاهی به

غلامرضایی، محمد. روش تحقیقات و

شناخت مراجع ادبی. تهران: جامی، ۱۳۷۴.

دستغیب، عبدالعلی. سایه روشن شعر

نو فارسی. تهران: فرهنگ، ۱۳۴۸.

زرّین کوب، عبدالحسین. سیری در شعر

فارسی؛ بحثی انتقادی در شعر فارسی.

تهران: علمی، ۱۳۷۱.

یوسفی، غلامحسین. «سیمای ادبیات

فارسی معاصر». دومین کنگره تحقیقات

ایرانی، ۱۳۵۱، ۳۰۳-۳۱۸.

زرّین کوب، عبدالحسین. شعر بی دروغ،

شعر بی نقاب: شامل بحث در فنون شاعری،

سبک و نقد شعر فارسی با ملاحظات

تطبیقی و انتقادی راجع به شعر قدیم و

امروز. تهران: جاویدان، ۱۳۵۶.

سلیمانی، فرامرز. شعر، شهادت است؛

نقد و بررسی شعر انقلاب. تهران: موج،

۱۳۶۰.

محمدزاده صدیق، حسین. مسائل

ادبیات نوین ایران. تهران: دنیا، ۱۳۵۴.

دستغیب، عبدالعلی. «نثر فارسی در

دوران معاصر و تحولات آن». نگین، جلد

سوم، شماره ۵، ۱۰-۱۱ و ۵۲-۵۶.

## ۳. سرگذشتنامه‌ها

این بخش شامل سرگذشتنامه‌های

جمعی است که تعداد کمی از

سرگذشتنامه‌های منتشرشده قبل از سال

۱۳۵۰ را دربردارد. برای فهرست جامع

سرگذشتنامه‌های منتشره قبل از ۱۳۵۰

مراجعه شود به: احمد گلچین معانی. تاریخ

تذکره‌های فارسی. تهران: دانشگاه تهران،

۱۳-۱۳۵۰

آذر، لطفعلی بن آقاخان. آتشکده. با  
حجیح، تحشیه و تعلیق حسن سادات  
سری. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.

یوسفی، فرشید. باغ هزارگل، تذکره  
خنوران کرمانشاهان. تهران: فرهنگ‌خانه  
عار.

یازیچی، تحسین. پارسی‌نویسان آسیای  
مغیر. تهران: الهدی، ۱۳۷۱.

دبیر سیاقی، محمد. پیشاهنگان شعر  
رسی سده‌های سوم و چهارم و آغاز سده  
نجم هجری. تهران: جیبی، فرانکلین،  
۱۳۵۰.

عطار، محمدبن‌ابراهیم. تذکرة الاولیاء:  
بررسی، تصحیح متن و توضیحات و فهرس  
از محمد استعلامی. تهران: زوار، ۱۳۴۴-  
۱۳۵۵.

دولتشاه، دولتشاه بن بختیشاه.  
تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی. تصحیح و  
تحقیق محمد عباسی. تهران: بارانی، ۱۳۳۷.  
هدایت، رضاقلی. تذکرة المحققین  
موسوم به ریاض العارفین. تصحیح و حاشیه  
مهدیقلی هدایت. تهران: مهدیه، ۱۳۱۶.

استوری، چارلز امبروز. «تذکره شعرا».  
ترجمه تقی بینش. مجله دانشکده ادبیات و  
علوم انسانی دانشگاه فردوسی، سال ۳،  
شماره ۱-۴ (۱۳۴۶) ۸۸-۱۰۹؛ سال ۴،  
شماره ۱-۳ (۱۳۴۷) ۸۱-۱۰۲؛ سال ۵،  
شماره ۱-۴ (۱۳۴۸) ۹۸-۱۱۱؛ سال ۶،  
شماره ۱-۴ (۱۳۴۹) ۲۵۳-۲۶۸؛ سال ۷،  
شماره ۱-۲ (۱۳۵۰) ۲۳۲-۲۴۷؛ سال ۸،  
شماره ۱-۲ (۱۳۵۱) ۱۹۳-۲۰۷.

دیهیم، محمد. تذکره شعرای آذربایجان؛  
تاریخ زندگی و آثار. تبریز: آذربایگان،  
۱۳۶۷. ج ۳.  
طاهریا، محمدعلی. تذکره شعرای  
دامغان. (بی‌جا: بی‌نا)، ۱۳۴۰.

خلخالی، عبدالحمید. تذکره شعرای  
معاصر ایران، حاوی مجملی از شرح حال و  
منتخبی از اشعار سی و پنج تن از گویندگان  
نامی ایران در عصر حاضر. تهران: طهوری،  
۱۳۲۷-۱۳۳۲. ج ۵.

اولیائی، مصطفی. تذکره شعرای معاصر  
دهه اول انقلاب اسلامی. اراک، جهاد  
دانشگاهی، ۱۳۶۹.

دیوان بیگی شیرازی، احمد.  
حديقة الشعراء؛ در شرح حال و آثار شاعران  
و عارفان و صوفیان ... از سال ۱۲۰۰ تا  
۱۳۰۰ هجری قمری. با تصحیح و تکمیل و  
تحشیه عبدالحسین نوائی. تهران: زرین،  
۱۳۶۴.

مدّرس، محمدعلی. ریحانة الادب فی  
تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب. تبریز:  
شفق، ۱۳۴۶. ج ۸.

بهروزی، محمود. «سخن‌سرایان  
مازندران». ارمغان، سال ۴، شماره ۷  
(۱۳۵۱) ۴۸۹-۴۹۱.

دولت‌آبادی، عزیز. سخنوران آذربایجان.  
تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.  
مدّرسی چهاردهی، مرتضی. «سخنوران  
کرد». ارمغان، سال ۲۸، شماره ۲ (۱۳۳۸)،  
۸۰-۸۸.

اسحاق، محمد. سخنوران نامی ایران در  
تاریخ معاصر؛ با مقدمه و بازنگری محمد

اسماعیل رضوانی. تهران: طلوع، ۱۳۷۱.  
برقعی، محمدباقر. سخنوران نامی  
معاصر ایران. قم: خرم ۱۳۷۳، ۱۳۲۹. ج ۶.  
مدبّری، محمود. شرح احوال و اشعار  
شاعران بی‌دیوان در قرنهای ۳، ۴، ۵ هجری  
قمری. تهران: پانوس، ۱۳۷۰.

فرجیان، مرتضی و نجف‌زاده بارفروش،  
محمدباقر. طنزسرایان ایران از مشروطه تا  
انقلاب. تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۰. ج ۳.

خانلری، زهرا. فرهنگ ادبیات جهان.  
تهران: خوارزمی، ۱۳۷۵.

عابدینی، حسن. فرهنگ داستان‌نویسان  
ایران. تهران: دبیران، ۱۳۶۹.

حقیقت، عبدالرفیع. فرهنگ شاعران  
زبان پارسی. تهران: مؤلفان و مترجمان  
ایران، ۱۳۶۸.

گلچین معانی، احمد. گلزار معانی.  
نگارش بزرگان ادب و هنر ایران در دوران  
جنگ جهانی دوم. تهران: (بی‌نا)، ۱۳۵۲.  
صفا، ذبیح‌الله. گنج سخن؛ شاعران  
بزرگ پارسی‌گوی و منتخب آثار آنان. تهران:  
ابن‌سینا، ۱۳۴۰. ج ۳.

\_\_\_\_\_ . گنجینه سخن؛  
پارسی‌نویسان بزرگ و منتخب آثار آنان.  
تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۲. ج ۵.

هدایت، رضاقلی. مجمع‌الفصحا. به  
کوشش مظاهر مصفا. تهران: امیرکبیر،  
۱۳۳۶-۱۳۴۰. ج ۶.

۴. مجموعه برگزیده‌ها  
حاکمی، اسماعیل. آشنایی با ادبیات

نثر نویس و نمونه‌هایی از تحریر ایشان». هنر مردم، شماره ۱۵۵ (شهریور ۱۳۵۴): ۴۶-۴۲.

## ۵. کتابشناسیها و نمایه‌ها

استوری، چارلز آمبروز. ادبیات فارسی بر مبنای تألیف استوری. ترجمه یحیی آرین‌پور، سیروس ایزدی و کریم کشاورز. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲. ۲ ج.

صدیقی، غلامحسین. «بعضی از کهنترین آثار نثر فارسی تا پایان قرن چهارم هجری». مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران. سال ۱۳، شماره ۴ (تیر ۱۳۴۵)، ۵۶-۱۲۶.

گلچین معانی، احمد. تاریخ تذکره‌های فارسی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸-۱۳۵۰. ۲ ج.

نقوی، علیرضا. تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان. تهران، علمی، ۱۳۴۳.

بولدیریف. ترجمه‌های روسی ادبیات فارسی. ترجمه کریم کشاورز. پیام نو، جلد ۱، شماره ۱۱ (۱۳۲۴)، ۱۸-۲۱.

سیف زرگر، احمد. داستانهای کوتاه مندرج در مجلات خواندنیها از ابتدای انتشار تا پایان دوره ۲۸ (مهرماه ۱۳۱۹ الی ۳۰ شهریور ۱۳۴۷) و سخن از ابتدای انتشار تا پایان دوره ۱۹ (خرداد ۱۳۳۲ الی اردیبهشت ۱۳۴۹). پایان‌نامه فوق لیسانس. دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۴۹.

غلامرضائی، محمد. روش تحقیق و شناخت مراجع ادبی. تهران: جامی، ۱۳۷۴.

حقوقی، محمد. شعر نو از آغاز تا امروز. تهران: جیبی؛ فرانکلین، ۱۳۵۱.

فاروقی، فؤاد. کارنامه ادبی ایران. تهران: عطائی، ۱۳۶۲.

خبره‌زاده، علی اصغر. گزیده‌ای از ادب فارسی برای دانشجویان. تهران: زمان، ۱۳۵۲. ۲ ج.

ارژنگ، غلامرضا. گزیده زبان و ادب فارسی. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۰. ۲ ج.

شاهرخی، محمود و مشفق کاشانی، عباس. مجموعه شعر جنگ. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۷.

وصال، حسین. معجزات شعر و سخن پارسی؛ منتخبی از شاهکارهای شعر و نثر موزون از رودکی تا شعرای معاصر. تهران: پدیده، ۱۳۴۹.

افشار، ایرج. نثر فارسی معاصر. تهران: معرفت، ۱۳۳۰.

یغمائی، حبیب. نمونه نظم و نثر فارسی از آثار اساتید متقدم. تهران: ۱۳۴۲.

داریوش، پرویز. نمونه‌های شعر نو. تهران: سخن، ۱۳۲۵.

متینی، جلال. نمونه‌هایی از نثر فصیح فارسی معاصر. تهران: زوار، ۱۳۴۷.

گورابی، محمدحسن. نوآوران قصه (مجموعه داستانهای کوتاه از نویسندگان معاصر). تهران: ارغنون، ۱۳۴۸.

کسمایی، علی اکبر. نویسندگان پیشگام در داستان‌نویسی امروز ایران. تهران: مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳.

کشاورز، کریم. هزار سال نثر پارسی. تهران: جیبی، ۱۳۴۵.

فتحی، نصرالله. «یادی از نه استاد

فارسی: برگزیده نظم و نثر. تهران: رز، ۱۳۵۰.

قاضی، ابوالفضل. آورده‌اند که .... مجموعه داستانهای ایرانی. تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۵.

شاه حسینی، مهری. اشعاری از زنان شاعر ایران (معاصر). تهران: مدبر، ۱۳۷۴.

ماهوزی، مهدی. برگزیده نظم و نثر فارسی، یا فارسی و نگارش. تهران: اساطیر، ۱۳۶۹.

زین‌کوب، حمید. چشم‌انداز شعر نو فارسی. تهران: توس، ۱۳۵۸.

رضوی‌نژاد صومعه‌سرائی، میرابوطالب. چهارصد شاعر برگزیده پارسی‌گوی؛ حاوی شرح احوال و معرفی بهترین اشعار درباره حکمت عملی زندگی انسانها. تهران: ۱۳۶۹.

داستانهای نو. با مقدمه جمال میرصادقی. تهران: شباهنگ، ۱۳۶۶.

حمیدی، مهدی. دریای گوهر. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۹. ۳ ج.

شاهین، داریوش. راهیان شعر امروز. تهران: آپادانا، ۱۳۶۹. ۲ ج.

شاملو، احمد. شاهکارها، زیباترین شعر نو: یادنامه نخستین هفته شعر خوشه. تهران: ۱۳۴۷.

کار، فریدون. شاهکارهای شعر معاصر ایران. تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۷.

شعر جنگ. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۲.

محمدی، حسنعلی. شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲. ۲ ج.

معیری، محمدحسین. «ساقی نامه‌ها». دانش، سال ۲ (۱۳۲۹-۱۳۳۰)، ۲۲۱-۲۲۹.

منزوی، علینقی. «ساقی نامه‌های خطی». نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه‌های خطی. دفتر اول (۱۳۴۰)، ۱۸-۶۱.

علوی، زهره. شرح حال شعرا و نویسندگانی که در ده سال اخیر در مجلات مهم فارسی چاپ شده‌است. پایان‌نامه فوق لیسانس. دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۰.

افشار، ایرج. «ظفرنامه‌ها». یغما، سال ۶، (۱۳۳۲)، ۳۵۶-۳۶۰.

خیامپور، عبدالرسول. فرهنگ سخنوران. تبریز: کتابفروشی تهران، ۱۳۴۰.

مدبری، محمود. فرهنگ کتابهای فارسی از قرن چهارم تا ۱۳۰۰ ه. ش. تهران: ویس، ۱۳۶۴.

نقوی، شهریار. فرهنگ نویسی پارسی در هند و پاکستان. تهران: وزارت فرهنگ، ۱۳۴۱.

منزوی، علینقی. فرهنگهای عربی به فارسی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.

دبیر سیاقی، محمد. فرهنگهای فارسی. تهران: اسپرک، ۱۳۶۸.

اته، کارل هرمان. فهرست تذکره‌های فارسی مندرج در تاریخ ادبیات ایران. ترجمه صادق رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.

نیلچی، والیه. فهرستی از کتابهای خارجی مربوط به ادبیات فارسی از مجموعه اهدائی آقای علی‌اصغر حکمت به کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی. پایان‌نامه

فوق‌لیسانس. دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.

رونق، محمدعلی. فهرست راهنمای دهساله نشر دانش (۱۳۵۹-۱۳۶۹). تهران: مرکز نشر دانشگاه

افشار، ایرج. فهرست مقالات فارسی فهرست موضوعی تحقیقات و مطالعات ایران‌شناسی به زبان فارسی. جلد اول. ۱۳۲۸ ق - ۱۳۳۸ ش. تهران: جیبی، ۱۳۴۸؛ جلد دوم. ۱۳۳۹ - ۱۳۴۵. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸؛ جلد سوم. ۱۳۴۶ - ۱۳۵۰. تهران: جیبی، ۱۳۵۵؛ جلد چهارم. ۱۳۵۱ - ۱۳۶۰. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.

رونق، محمدعلی. «کتابشناسی آئین نگارش و شیوه رسم‌الخط فارسی»، نشر دانش، سال ۸، شماره ۴ (خرداد و تیر ۱۳۶۷)، ۷۰-۷۵.

آژند، یعقوب. کتابشناسی ادبیات داستانی ایران از آغاز تا سال ۱۳۷۰. تهران: آرمین، ۱۳۷۳.

مولوی، فرشته. کتابشناسی داستان کوتاه ایران و جهان. تهران: نیلوفر، ۱۳۷۱.

افشار، ایرج. «کتابشناسی دستور زبان فارسی». فرهنگ ایران زمین. جلد ۳، دفتر ۱ (بهار ۱۳۳۴)، ۷۸-۹۳.

ذوالقدری، میمنت. کتابشناسی شعر نو فارسی (۱۳۰۱-۱۳۵۰). پایان‌نامه فوق‌لیسانس. دانشگاه تهران، دانشکده علوم تربیتی، ۱۳۵۱.

یارمحمدی، لطف‌الله. «کتابشناسی گزیده ترجمه و واژه‌سازی». نشر دانش، سال ۱، شماره ۲ (بهار و اسفند ۱۳۵۹)، ۴۷-۵۱.

ایزدپناه، حمید. کتابشناسی مثلثای

فارسی (به ضمیمه داستانها و زبانزدهای لری) از سده ششم هجری تاکنون. تهران: بنیاد نیشابور، ۱۳۶۲.

فتوحی، محمود. «کتابشناسی نقد داستان در ادبیات فارسی». دانشگاه انقلاب، (آذر ۱۳۷۳)، ۱۷۷-۱۸۶.

معاضد، مهیندخت. کتابشناسی نقد کتاب. تهران: انجمن کتاب، ۱۳۵۵.

رادفر، ابوالقاسم. «گزیده کتابشناسی تعزیه». کیهان فرهنگی، سال ۴، شماره ۷ (مهر ۱۳۶۶)، ۳۳-۳۴.

ماسه، هنری. «متون فارسی داستانهای مربوط به حیوانات». ترجمه احمد احمدی. سالنامه کشور ایران، سال ۱۰ (۱۳۴۴)، ۲۴۲-۲۴۷.

ستوده، غلامرضا. مرجع‌شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی. تهران: «سمت»، ۱۳۷۳.

**۵-۱ کتابشناسی افراد و آثار خاص**

افشار، ایرج. «سوغ آل‌احمد». راهنمای کتاب، سال ۱۲، شماره ۷ و ۸ (۱۳۴۸)، ۳۳۱-۳۳۵.

غیاثی، محمد. «کتابشناسی آثار جلال آل‌احمد». آدینه، شماره ۲۷ (شهریور ۱۳۶۷)، ۴۲.

افشار، ایرج. «شرح احوال و فهرست آثار عباس اقبال». راهنمای کتاب، سال ۱۸، شماره ۱۰-۱۲ (۱۳۵۴)، ۹۷۱-۹۷۶.

ریاض، محمد. کتابشناسی اقبال. راولپنڈی: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۸۶.

دانش‌پژوه، محمدتقی. «نوشته‌های بابا

افضل. مهر، شماره ۸ (۱۳۳۱)، ۴۳۳-۴۳۶.  
 نیکوهمت، ۱. بهار شادروان محمدتقی  
 بهار فرزند کاظم صبوری کاشانی. ارمغان،  
 سال ۲۵. شماره ۴ (۱۳۳۰)، ۱۷۲-۱۷۵.  
 گلبن، محمد. «سالشمار و گزیده  
 کتابشناسی بهار». آینده، سال ۱۰، شماره ۲ و  
 ۳ (اردیبهشت و خرداد ۱۳۶۳)، ۱۰۷-۱۱۲.  
 نفیسی، سعید. امام ابوالحسن بیهقی و  
 مؤلفات او. مهر، (۱۳۱۳)، ۳۳۳-۳۴۷.  
 «ابراهیم پورداود». راهنمای کتاب، سال  
 ۳، شماره ۶ (۱۳۳۹)، ۷۶۵-۷۷۱.  
 رادفر، ابوالقاسم. حافظ پژوهان و حافظ  
 پژوهشی. تهران: گستره، نیکنام، مهرداد.  
 کتابشناسی حافظ. تهران: انتشارات علمی و  
 فرهنگی، ۱۳۶۷.  
 رونق، محمدعلی. «گزیده کتابشناسی  
 پژوهشی حافظ». نشر دانش، سال ۶، شماره  
 ۳ (فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۵)، ۷۲-۷۹.  
 امیر فرهنگی، ناصر. «معرفی و  
 برگزیده‌ای از منابع و مآخذ حافظ‌شناسی».  
 کیهان فرهنگی، سال ۵، شماره ۸ (آبان  
 ۱۳۶۷)، ۶۶-۶۹.  
 «علی‌اصغر حکمت». راهنمای کتاب،  
 سال ۵، شماره ۲ (۱۳۴۱)، ۱۹۶-۱۹۸.  
 کمال‌الدین، محمدباقر. کتابشناسی  
 خواجو. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۷۰.  
 درودیان، ولی‌الله. «گزیده کتابشناسی  
 دهخدا». نشر دانش، سال ۶، شماره ۵ (مرداد  
 و شهریور ۱۳۶۵)، ۶۰-۶۵.  
 همایون‌نفر، محمد صادق. کتابشناسی  
 رودکی. تهران: مرکز اسناد و مدارک علمی،  
 ۱۳۶۵.  
 دهباشی، علی. «کتابشناسی غلامحسین

سعدی». آدینه، شماره ۲۹ (آبان ۱۳۶۷)،  
 ۳۶-۳۸.  
 ماسه، هنری. تحقیق درباره سعدی.  
 ترجمه غلامحسین یوسفی و محمدحسن  
 مهدوی. تهران: توس، ۱۳۶۴.  
 نوشانی، عارف. فهرست چاپهای آثار  
 سعدی در شبه قاره و چاپهای شروح و  
 ترجمه‌ها و فرهنگنامه‌ها در تضمین آثار وی.  
 اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و  
 پاکستان، ۱۳۶۳.  
 دانش‌پژوه، محمدتقی. «آثار و سخنان  
 شیخ جام». فرهنگ ایران زمین، جلد ۱۶  
 (۱۳۴۸-۱۳۴۹)، ۲۴۰-۳۲۵.  
 سرور، غلام. «دکتر صورتگر، شرح حال  
 و آثار او». هلال، سال ۱۸، شماره ۳  
 (۱۳۴۸)، ۲۹-۳۴.  
 افشار، ایرج. کتابشناسی فردوسی،  
 فهرست آثار و تحقیقات درباره فردوسی و  
 شاهنامه. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵.  
 معرفی نسخه‌های شاهنامه فردوسی  
 مورد استفاده مؤسسه مطالعات و تحقیقات  
 فرهنگی در کار تصحیح علمی و انتقادی  
 متن شاهنامه. تهران: (بی‌تا).  
 روحانی، مهشید و پارسای جاوید،  
 جواد. شاهنامه در موزه‌ها. تهران: وزارت  
 فرهنگ و هنر، اداره کل موزه‌ها، ۱۳۵۴.  
 افشار، ایرج. «شرح احوال و فهرست  
 آثار بدیع‌الزمان فروزانفر». مجله راهنمای  
 کتاب، سال ۴، شماره ۷ (۱۳۴۰)، ۴.  
 بختیار، مظفر. «آثار دکتر محمدمعین».  
 مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
 دانشگاه تهران؛ یادنامه دکتر معین، سال ۱۸،

(۱۳۵۰).

صدیق بهزادی، ماندانا. کتابنامه مولوی  
 تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی  
 علمی و آموزشی، ۱۳۵۱.  
 میرانصاری، علی. کتابشناسی حکیم  
 ناصرخسرو قبادیانی. تهران: انجمن آثار و  
 مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۲.  
 رادفر، ابوالقاسم. کتابشناسی نظامی  
 گنجوی. تهران: مؤسسه مطالعات و  
 تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.  
 معروف، حبیب. «نگاره‌های پنج شهر  
 آشنایی: معرفی دوازده نسخه مصور از  
 خمسه نظامی». نشر دانش، سال دوازدهم.  
 شماره اول، (آذر و دی ۱۳۷۰).  
 «کتابشناسی آثار سعید نفیسی»  
 راهنمای کتاب، سال ۴، شماره ۵ (۱۳۴۵).  
 ۴۷۶-۴۷۲.  
 صمدی، حسین. کتابشناسی نیما  
 یوشیج. (بی‌جا): کانون فرهنگ و هنر  
 مازندران، ۱۳۶۹.  
 گلبن، محمد. کتابشناسی صادق  
 هدایت. تهران: توس، ۱۳۵۶.  
 نصری، عبدالله. کارنامه همایی. تهران:  
 دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۶۷.  
**۵-۲ کشف‌الایاتها**  
 صدیقیان، مهیندخت. فرهنگ واژه‌نمای  
 حافظ؛ به انضمام فرهنگ بسامدی. تهران:  
 امیرکبیر، ۱۳۶۶.  
 منشی، محمود. واژه‌نامه بسامدی اشعار  
 شهید بلخی. تهران: فرهنگستان زبان ایران،  
 ۱۳۵۵.

عثمانف، محمدنوری. واژه‌نامه بسامدی  
عنصری. مسکو: اداره انتشارات دانش،  
۱۹۷۰.

دبیر سیاقی، محمد. کشف‌الابیات  
شاهنامه فردوسی. تهران: انجمن آثار ملی،  
۱۳۴۸-۱۳۵۰. ۲ ج.

بصاری، طلعت. زنان در شاهنامه.  
تهران: دانشسرای عالی، ۱۳۵۰.

رستگار فسانی، منصور. فرهنگ نامهای  
شاهنامه. تهران: مؤسسه مطالعات و  
تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۹.

جعفری تبریزی، محمدتقی. از دریا به  
دریا: کشف‌الابیات مثنوی. تهران: وزارت  
فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵. ۴ ج.

شریعت، محمدجواد. کشف‌الابیات  
مثنوی نیکلسون. اصفهان: کمال، ۱۳۶۳.

شفیعی سروستانی، اسماعیل. کلید  
گنجینه: کشف‌الابیات خمسه نظامی  
گنجه‌ای. تهران: هلال، ۱۳۷۰.

ریاحی، لیلی. قهرمانان خسرو و شیرین.  
تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.

## ۶. فرهنگها

در مورد فرهنگهای عمومی زبان فارسی  
به کتابشناسی ذیل مراجعه شود:

محمد دبیر سیاقی. فرهنگهای فارسی.  
تهران: اسپرک، ۱۳۶۸.

علینقی منزوی. فرهنگهای عربی به  
فارسی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.

## ۶-۱ فرهنگ اصطلاحات ادبی

گوهرین، صادق. شرح اصطلاحات

تصوف. تهران: زوار، ۱۳۶۷.

مشیری، مهشید. فرهنگ آوایی - املائی  
زبان فارسی. تهران: کتاب‌سرا، ۱۳۶۶.

خانلری، زهرا. فرهنگ ادبیات فارسی.

تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸.

یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر و  
اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران:  
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛  
سروش، ۱۳۶۹.

شریعت، رضوان. فرهنگ اصطلاحات  
ادبی. تهران: هیرمند، ۱۳۷۰.

داد، سیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی:  
واژه‌نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی  
و اروپائی به شیوه تطبیقی و توضیحی.

تهران: مروارید، ۱۳۷۱.

ساغروانیان، جلیل. فرهنگ اصطلاحات  
زبان‌شناسی. مشهد: نشر نی، ۱۳۶۹.

سجادی، جعفر. فرهنگ اصطلاحات و  
تعبیرات عرفانی. تهران: طهوری، ۱۳۷۰.

مصفا، ابوالفضل. فرهنگ اصطلاحات  
نجومی همراه با واژه‌های کیهانی در شعر  
فارسی. تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ  
ایران، ۱۳۵۷.

شعار، جعفر. فرهنگ املائی، مشتمل بر  
همه ترکیبات و مشتقات پیوندپذیر فارسی با  
مقدمه‌ای درباره روش و قواعد املا. تهران:  
بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.

رادفر، ابوالقاسم. فرهنگ بلاغی - ادبی  
شامل واژه‌ها، اصطلاحات، تعبیرات و  
مفاهیم. تهران: اطلاعات، ۱۳۶۸. ۲ ج.

صبا، محسن. فرهنگ بیان اندیشه‌ها.  
تهران: فرهنگ، ۱۳۶۶.

شمیسا، سرویس. فرهنگ تلمیحات،  
اشارات اساطیری، داستانی، تاریخی،  
مذهبی در ادبیات فارسی. تهران: فردوسی،  
۱۳۶۹.

محمدی، محمدحسین. فرهنگ  
تلویحات شعر معاصر، اشارات اساطیری،  
داستانی، تاریخی، مذهبی و جغرافیایی در  
شعر معاصر. تهران: میترا، ۱۳۷۴.

توابی، محمدعلی. فرهنگ زبان‌شناسی.  
تبریز: چهر، ۱۳۵۷.

عادل، محمدرضا. فرهنگ عبارتهای  
عربی در شعر فارسی (تا جامی)، همراه با  
عبارتهای ترکی و یونانی. تهران: امیرکبیر،  
۱۳۷۵.

شمیسا، سیروس. فرهنگ عروضی  
براساس المعجم فی معاییر اشعارالمعجم.  
تهران: خانه ترجمه، ۱۳۵۱.

ثروت، منصور. فرهنگ کنایات. تهران:  
امیرکبیر، ۱۳۶۴.

ادیب طوسی، محمدمعین. فرهنگ  
لغات ادبی شامل لغات و تعبیراتی که از  
متون فارسی استخراج شده است. تبریز:  
دانشگاه تبریز، ۱۳۵۰. ۳ ج.

مقدم، و. م. فرهنگ لغات قافیه. همدان:  
مسلم، ۱۳۷۰.

واحیدی، قدرت‌الله. فرهنگ لغات  
متشابه و مشتقه به ضمیمه قواعد مهم املاء  
و دستور زبان فارسی. تهران: آسیا، ۱۳۴۶.

شاد، محمدپادشاه. فرهنگ مترادفات و  
اصطلاحات. تهران: خیتام، ۱۳۴۶.

خلیلی، کامیاب. فرهنگ مشتقات  
مصادر فارسی. تهران: مؤسسه مطالعات و

- تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۵۰.
- وارسته، امامعلی. فرهنگ مصطلحات الشعرا. تهران: مؤسسه پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۶۴.
- سجادی، جعفر. فرهنگ مصطلحات عرفا و متصوفه. تهران: مصطفوی، ۱۳۳۹.
- سجادی، جعفر. فرهنگ معارف اسلامی. تهران: مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۳-۱۳۵۷. ج ۴.
- نوربخش، جواد. فرهنگ نوربخش؛ اصطلاحات تصوف. تهران: نوربخش، ۱۳۷۳. ج ۴.
- عفیفی، رحیم. فرهنگنامه شعری بر اساس آثار شاعران قرن سوم تا یازدهم هجری شامل ترکیبات، کنایات، اصطلاحات. تهران: سروش، ۱۳۷۲. ج ۳.
- عاصی، مصطفی و عبدعلی، محمد. واژگان گزیده زبانشناسی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- صفوی، کورش. واژه‌نامه زبانشناسی تهران: مجرد، ۱۳۶۱.
- همایون، همداخت. واژه‌نامه زبانشناسی و علوم وابسته. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۱.
- میرصادقی، میمنت. واژه‌نامه هنر شاعری؛ فرهنگ تفصیلی فن شعر و سبکها و مکتبهای آن. تهران: کتاب مهناز، ۱۳۷۳.
- فرشیدورد، خسرو. عربی در فارسی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۶-۲ فرهنگهای عامیانه، امثال و حکم شعاعی، حمید. امثال شعر فارسی. تهران: گوتنبرگ، ۱۳۵۰.
- دهخدا، علی اکبر. امثال و حکم. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲. ج ۴.
- خدایار، امیر مسعود. اندرزها و مثالهای مصطلح در زبان فارسی. تهران: خورشید، ۱۳۶۴.
- رجب‌زاده، هاشم. برخی از مثلها و تعبیرات فارسی (ادبی و عامیانه). مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم. تمثیل و مثل. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲.
- حبله رودی، محمدعلی جامع‌التمثیل. تهران: شرکت سهامی طبع کتاب، ۱۳۲۶.
- انصاری جابری، حسن. جوهر الجواهر. اصفهان: ۱۳۳۵.
- پرتوی آملی، مهدی. ریشه‌های تاریخی امثال و حکم. تهران: سنایی، ۱۳۶۵.
- جمشیدی‌پور، یوسف. فرهنگ ضرب‌المثل‌های شیرین فارسی. تهران: فروغی، ۱۳۶۹.
- امینی، امیرقلی. فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان پارسی. اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹. ج ۲.
- جمال‌زاده، محمدعلی. فرهنگ لغات عامیانه. به کوشش محمدجعفر محجوب. تهران: ابن‌سینا، ۱۳۴۱.
- عظیمی، صادق. فرهنگ مثلها و اصطلاحات متداول در زبان فارسی. تهران: نشر قطره، ۱۳۷۳. ج.
- انزوابی‌نژاد، رضا و منصور ثروت. فرهنگ معاصر؛ شامل لغات و ترکیبات عامیانه و واژه‌های نو و متداول در آثار
- نویسندگان معاصر ایرانی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- شاملو، احمد. کتاب کوچه. تهران: مازیار، ۱۳۵۷.
- دهخدا، علی اکبر. گزیده امثال و حکم. به کوشش محمدبیر سیاقی. تهران: تیرازه، ۱۳۶۲.
- دهخدا، علی اکبر. مثل‌ها، گزیده امثال و حکم. به کوشش اکرم‌السادات میر مرتضوی. مشهد: نشر نوید، ۱۳۶۵.
- حبله رودی، محمدعلی. مجمع‌الامثال. تهران: اداره فرهنگ عامه، ۱۳۴۴.
۷. شرح و تفسیر آثار ادبی زمانی‌نیا، مصطفی. فرهنگ جلال آل‌احمد. تهران: پاسارگاد، ۱۳۶۳.
- شهیدی، جعفر. شرح لغات و مشکلات دیوان انوری. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۷.
- فرهنگ دیوان اشعار امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۲.
- آژند، یعقوب. حافظ در غربت. تهران: نشر آرمن، ۱۳۷۳.
- اهور، پرویز. کلک خیال‌انگیز، فرهنگ جامع دیوان حافظ. تهران: زوار، ۱۳۶۳.
- بهشتی شیرازی، احمد. شرح جنون: تفسیر موضوعی ایران خواجه شمس‌الدین حافظ شیرازی. تهران: روزنه، ۱۳۷۱. ج ۲.
- خدیوجم، حسین. واژه‌نامه غزل‌های حافظ. تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۲.
- زَین‌کوب: عبدالحسین. از کوچه زندان: درباره زندگی و اندیشه حافظ. تهران: سخن،

۱۳۷۳.

خرمشاهی، بهاءالدین. حافظنامه؛ شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶. ج ۲.

رجائی بخارائی، احمدعلی. فرهنگ اشعار حافظ. تهران: علمی، ۱۳۶۴.

سودی بسنوی، محمد. شرح سودی بر حافظ. ترجمه عصمت ستارزاده. تهران: (بی نا)، ۱۳۴۷. ج ۴.

مضفا، ابوالفضل. فرهنگ ده هزار واژه از دیوان حافظ. تهران: پاژنگ، ۱۳۶۹. ج ۲.

مطهری، مرتضی. تماشاگاه راز. تهران: صدرا، ۱۳۵۹.

میندرسکی، ولادیمیر. شرح قصیده ترسائی خاقانی. ترجمه و تعلیقات از عبدالحسین زرین کوب. تبریز: سروش، ۱۳۴۸.

حقوقی. لغات و ترکیبات رودکی. تهران: ایران مهر، ۱۳۴۶.

خزائلی، محمد. شرح بوستان سعدی. تهران: جاویدان، ۱۳۵۳.

خطیب رهبر. شرح گلستان سعدی. تهران: صفی علیشاه، ۱۳۶۲.

سودی بسنوی، محمد. شرح سودی بر بوستان سعدی. ترجمه اکبر بهروز. تبریز: حقیقت، ۱۳۵۲.

سید بن حسن. فرهنگ بوستان. کاپور: ۱۹۰۸ م.

سودی بسنوی، محمد. شرح سودی برگلستان. ترجمه حیدرخوش طینت و دیگران. تبریز: ۱۳۴۹.

سید بن حسن. فرهنگ گلستان. کاپور: ۱۹۰۵ م.

گلچین معانی، احمد. فرهنگ اشعار صائب. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۵.

اشرفزاده، رضا. فرهنگ نوادر لغات و ترکیبات و تعبیرات آثار عطار نیشابوری.

مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷.

فاضلی، قادر. فرهنگ موضوعی ادب پارسی؛ منطق الطیر و پندنامه شیخ فریدالدین عطار نیشابوری. تهران: طلایه، ۱۳۷۴. ج ۶.

صارمی، سهیلا. مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته زبان عطار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴.

طوسی، محمدبن رضا. معجم شاهنامه. تصحیح و ترجمه حسین خدیو جم. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳.

زنجانی، محمود. فرهنگ جامع شاهنامه. تهران: عطائی، ۱۳۷۲.

جهانگیری، علی. فرهنگ نامهای شاهنامه: معرفی اجمالی قهرمانان شاهنامه فردوسی همراه با تطبیق نامهای مشترک در شاهنامه و اوستا. تهران: برگ، ۱۳۶۹.

منصور مؤید، علیرضا. از مجموعه ارسال المثل در شعر فارسی از شاهنامه فردوسی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.

اجلالی، امین پاشا. پهلوان در شاهنامه فردوسی. تبریز: کمیته استادان دانشگاه، ۱۳۵۰.

رضازاده شفق، صادق. فرهنگ شاهنامه؛

با شرح حال فردوسی و ملاحظات در باب شاهنامه. تهران: ابن سینا، ۱۳۲۰.

عادل، محمدرضا. فرهنگ جامع نامهای شاهنامه. تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۲.

نوشین، عبدالحسین. واژه نامک درباره واژه های دشوار شاهنامه. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.

جعفری تبریزی، محمدتقی. تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمدبلخی. تهران: انتشار، ۱۳۴۹-۱۳۵۴. ج ۱۵.

زرین کوب، عبدالحسین. بحر در کوزه. نقد و تفسیر قصه ها و تمثیلات مثنوی. تهران: علمی، ۱۳۶۷.

زرین کوب، عبدالحسین. پله پله تا ملاقات خدا: درباره زندگی، اندیشه و سلوک مولانا جلال الدین روحی. تهران: علمی، ۱۳۷۰.

زرین کوب، عبدالحسین. سز نی. تهران: علمی، ۱۳۶۴. ج ۲.

فروزانفر، بدیع الزمان. شرح مثنوی شریف. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸. ج ۴.

\_\_\_\_\_ . مآخذ قصص و تمثیلات مثنوی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۳.

\_\_\_\_\_ . احادیث مثنوی مشتمل بر مواردی که مولانا در مثنوی از احادیث استفاده کرده است با ذکر وجوه روایت و مآخذ آنها. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۴.

گوهرین، صادق. فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی. تهران: زوار، ۱۳۶۲. ج ۹.

همایی، جلال‌الدین. تفسیر مثنوی مولوی. تهران: نشر هما، ۱۳۶۶.

مولوی چه می‌گوید. تهران: آگاه، ۱۳۶۲.  
کی‌منش، عباس. پرتو عرفان، شرح اصطلاحات عرفانی کلیات شمس. تهران: علمی، ۱۳۶۶.

منصور مؤید، علیرضا. ارسال المثل در مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی با شرح و توضیح مختصر و بیان ریشه بعضی از آنها. تهران: سروش، ۱۳۶۵.

محقق، مهدی. تحلیل اشعار ناصر خسرو. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.  
مهدوی دامغانی، محمود. «نمونه‌هایی از تأثیر قرآن و حدیث در شعر نظامی». نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، شماره ۲۱ (زمستان ۱۳۵۵)، ۲۲-۵.

ثروت، منصور. گنجینه حکمت در آثار نظامی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰.

ثروتیان، بهروز. شرح مخزن‌الاسرار نظامی گنجه‌ای. تهران: برگ، ۱۳۷۰.  
زرین‌کوب، عبدالحسین. پیرگنجه در جستجوی ناکجا آباد: درباره زندگی، آثار و اندیشه نظامی. تهران: سخن، ۱۳۷۲.

سید بن حسن، فرهنگ اسکندرنامه. کانپور: ۱۸۸۱ م.

اخوان ثالث، مهدی. بدایع و بدعت‌ها و عطا و لقای نیما یوشیج. تهران: بزرگمهر، ۱۳۶۹.

#### ۸. راهنماها و قواعد

اشعری، محمد. آموزش زبان فارسی به

فارسی. (بی‌جا): نشر منیر، ۱۳۷۳.  
شمره، یدالله. آموزش زبان فارسی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۰.

زرین‌کوب، عبدالحسین. آشنایی با نقد ادبی. تهران: سخن، ۱۳۷۴.  
واعظ موسوی، علی. «اثر و نفوذ حدیث در ادب فارسی». نام آستان قدس رضوی. جلد ششم، شماره ۱ (مرداد ۱۳۴۴)، ۳۳.

فرشید ورد، خسرو. درباره ادبیات و نقد ادبی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲. ج ۲. ادیب سلطانی، شمس‌الدین. راهنمای آماده ساختن کتاب. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.  
راهنمای رویکردهای نقد ادبی. ترجمه زهرا مهین‌خواه. تهران: ۱۳۷۰.

بیش، تقی. «روش تصحیح متون فارسی». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، جلد ۲۷، شماره ۱۱۵ و ۱۱۶.

فرزاد، مسعود. «روش علمی برای تصحیح متون». گوهر، سال دوم، شماره ۱۰ (دی ۱۳۵۳).

زرین‌کوب، عبدالحسین. «روش علمی در نقد و تصحیح متون ادبی». یغما، جلد اول، شماره ۶ (شهریور ۱۳۳۶) و شماره ۷ (مهر ۱۳۳۶).

ادیب سلطانی، شمس‌الدین. درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.

درباره ترجمه. زیر نظر نصرالله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهها،

۱۳۶۵.

زرین‌کوب، عبدالحسین. نقد ادبی؛ جستجو در اصول و روش‌ها و مباحث نقادی یا بررسی در تاریخ و نقد و نقادان.

تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴. ج ۲.

سمیعی، احمد. «نکته‌هایی در تصحیح متون». نشر دانش، شماره ۲، سال چهارم، (بهمن و اسفند ۱۳۶۱).

#### ۸-۱ آیین نگارش

انوری، حسن. آئین نگارش. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۰.  
انوری، حسن و هوشنگ ارژنگی. آئین نگارش. تهران: رسام، ۱۳۶۵. ج ۲.  
نخعی، حسین. آئین نگارش. تهران: شرق، ۱۳۷۰.

احمدی گیوی، حسن. ادب و نگارش. تهران: مدرسه عالی بازرگانی، ۱۳۵۲.  
باب‌الحوایجی، نصرالله. اصول انشاء و نویسندگی. تهران: آسیا، ۱۳۵۰.

ایبلیخانی‌زاده، مصطفی. انشاء، نامه‌نگاری یاران: شامل طرز نوشتن انشاء، نکات دستوری، نقطه‌گذاری... تبریز: یاران، ۱۳۷۳.

رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین. اغلاط مشهور. تهران: اقبال، ۱۳۲۵.

ناصرالدین صاحب الزمانی، محمدحسن. انشاء و نویسندگی. تهران: ۱۳۳۸.

مبشری، اسدالله. تراز یا روش نویسندگی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.

سرکشیکی، منیره. چگونه املاء و انشاء

اشعار العجم. با تصحیح محمد عبدالوهاب

قزوینی. تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۲۷.

خانلری، پرویز. وزن شعر فارسی.

تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.

وحیدیان، تقی. وزن و قافیه شعر

فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.

## ۹. زیان‌شناسی و تاریخ زبان

ابوالقاسمی، محسن. تاریخ زبان فارسی.

تهران: «سمت»، ۱۳۷۲.

باقری، سری. تاریخ زبان فارسی. تهران:

نشر قطره، ۱۳۷۳.

خانلری، پرویز. تاریخ زبان فارسی.

تهران: نشر نو، ۱۳۶۵. ج ۳.

ابوالقاسمی، محسن. تاریخ مختصر زبان

فارسی. تهران: بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۷۲.

خانلری، پرویز. درباره زبان فارسی.

تهران: مجله سخن، ۱۳۴۰.

\_\_\_\_\_ . زیان‌شناسی و زبان

فارسی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۰.

احسن، عبدالشکور. گرایش‌های تازه در

زبان فارسی. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات

فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۵.

نجفی، ابوالحسن. مبانی زبان‌شناسی و

کاربرد آن در زبان فارسی. تهران: نیلوفر،

۱۳۷۳.

صفوی، کورش. نگاهی به پیشینه زبان

فارسی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۶۷.

## ۱۰. دستور زبان

طالقانی، کمال‌الدین. اصول دستور زبان

فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۰.

سپهر، محمدتقی. براهین العجم با

## ۸-۲. فن شعر

همایی، جلال‌الدین. بدیع و قافیه.

تهران: وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۹.

سمیعی، کیوان. تحقیقات ادبی یا

سخنان پیرامون شعر و شاعری. تهران: زوار،

۱۳۶۱.

رادویانی، محمدبن‌عمر. ترجمان

البلاغه. با تصحیح احمد آتش. تهران:

اساطیر، ۱۳۶۲.

نظامی، احمدبن‌عمر. چهار مقاله. با

تصحیح محمدقزوینی. تهران: ابن‌سینا،

۱۳۴۶.

مقاله اول: در ماهیت دبیری و کیفیت

دبیر کامل و آنچه تعلق بدین دارد.

مقاله دوم: در ماهیت علم شعر و

صلاحیت شاعر

رشید و طواط، محمدبن‌محمد. حدائق

السحر فی دقائق الشعر. تهران: سنائی،

۱۳۶۲.

مسعودی، امید. زبان شعر: بدیع،

عروض و قافیه. تهران: نشر ارغنون، ۱۳۷۰.

همایی، جلال‌الدین. صناعات ادبی؛ فن

بدیع و اقسام شعر فارسی. تهران: علمی،

۱۳۳۹.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. صدر خیال

در شعر فارسی. تحقیق انتقادی در تطوّر

ایجاز‌های شعر پارسی و سیر نظریه بلاغت

در اسلام و ایران. تهران: نیل، ۱۳۵۰.

همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و

صناعات ادبی. تهران: توس، ۱۳۶۲.

حمیدی، مهدی. فنون و انواع شعر

فارسی. تهران: خوشه، ۱۳۵۱.

شمس قیس رازی. المعجم فی معاییر

بنویسیم. تهران: رسام، ۱۳۶۶.

طالقانی، کمال‌الدین. دستور جدید

املاء. اصفهان: مشعل، ۱۳۴۴.

یاحقی، محمدجعفر و محمدمهدی

ناصح. راهنمای نگارش و ویرایش. مشهد:

آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.

احمدی گیوی، حسن (و دیگران). زبان

و نگارش فارسی. تهران: «سمت»، ۱۳۶۹.

شریعت، محمدجواد. زمینه بحث در

آئین نگارش. تهران: اساطیر، ۱۳۶۴.

شیوه املاء فارسی در مرکز نشر

دانشگاهی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی،

۱۳۶۴.

رفعیان، سیامک. شیوه پرهیز از غلط

نویسی: روش آموزش املاء و انشاء. تبریز:

نشر آفتاب، ۱۳۷۱.

شیوه‌نامه مرکز نشر دانشگاهی. تهران:

مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲.

فیاض، علی‌اصغر. شیوه نوشتن. تهران:

جائزاده (همگام)، ۱۳۶۳.

کار، فریدون. غلط‌نویسیم، شامل بحث

در لغات از جهت صحت تحریر و تلفظ و

نگارش، تهران: گوتنبرگ، ۱۳۳۳.

نجفی، ابوالحسن. غلط‌نویسیم؛

فرهنگ دشواریهای زبان فارسی. تهران: مرکز

نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶.

عمید، حسن. غلط‌های فاحش

فرهنگ‌های فارسی بعلاوه غلط‌های مشهور و

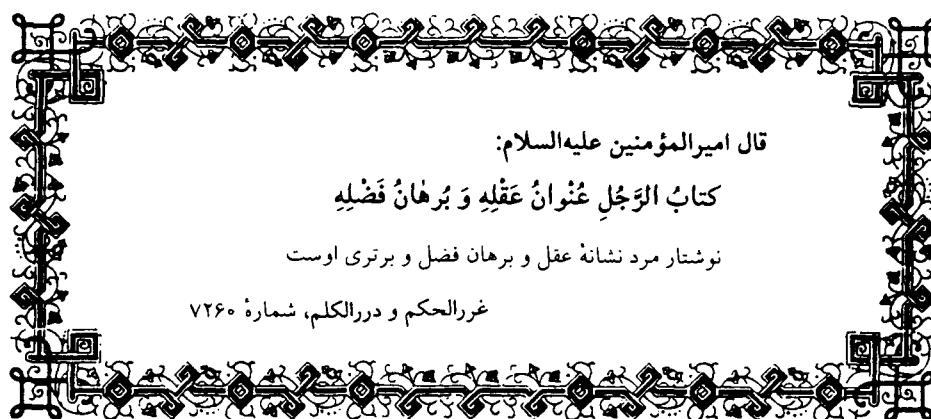
متداول و قواعد کلی برای درست خواندن و

درست نوشتن. تهران: گوتنبرگ، (بی‌تا).

محبوب، محمدجعفر. فن نگارش یا

راهنما و انشاء. تهران: اندیشه، (بی‌تا).

- حواشی و تعلیقات جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- ارژنگ، غلامرضا. پنج گفتار در زمینه دستور زبان فارسی. تهران: الست، ۱۳۷۲.
- باطنی، محمدرضا. توصیف ساختاری دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۸.
- خسرو شاهی، رضا. دستور آموز یا روش تجزیه و ترکیب. تهران: جاویدان، ۱۳۰۷.
- فرشیدورد، خسرو. دستور امروز شامل پژوهش‌های تازه‌ای در صرف و نحو فارسی معاصر. تهران: ۱۳۴۸.
- ذوالنور، رحیم. دستور پارسی در صرف و نحو زبان پارسی. تهران: ارغنون، ۱۳۴۸.
- همایونفرخ، عبدالرحیم. دستور جامع زبان فارسی. تهران: علمی، ۱۳۳۹.
- ارژنگ، غلامرضا. دستور زبان فارسی امروز. تهران: نشر قطره، ۱۳۷۴.
- احمدنیا دیسفانی، علی. دستور زبان فارسی. تهران: نشر نیایش، ۱۳۷۳.
- حسین‌نژاد. دستور زبان فارسی. لنگرود، ۱۳۵۰.
- خانلری، پرویز. دستور زبان فارسی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱.
- خزائلی، محمد و میرمیران، ضیاءالدین. دستور زبان فارسی. تهران: جاویدان، ۱۳۵۱.
- خیامپور، عبدالرسول. دستور زبان فارسی. تبریز: دانشگاه تبریز، ۱۳۳۳.
- تهران: کتابفروشی تهران، ۱۳۵۳.
- دائی جواد، محمدرضا. دستور زبان فارسی، راهنمای تجزیه و ترکیب. اصفهان: ثقی، ۱۳۳۸.
- شعار، جعفر و حاکمی، اسماعیل. دستور زبان فارسی امروز با گفتارهای دستوری. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۸.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. دستور زبان فارسی. تهران: کتابخانه مرکزی، ۱۳۶۳.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. دستور زبان فارسی پنج استاد. تهران: نگاه با نشر علم، ۱۳۷۱.
- مرزبان راد، علی. دستور سودمند: شامل قواعد دستوری و تجزیه و ترکیب. تهران: دانشگاه شهید بهشتی؛ جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۰.
- وحیدیان، تقی. دستور فارسی. مشهد: امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- بصاری، طلعت. دستور مختصر زبان فارسی. تهران: طهوری، ۱۳۴۶.
- مشکور، محمدجواد. دستور نامه در صرف و نحو زبان پارسی. تهران: مطبوعاتی شرق، ۱۳۶۳.
- زرسنج، محمدرضا. دستور و نگارش فارسی: دستور فارسی، اصول انشائی، قواعد املائی، علامت‌گذاری. تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۲.
- نفیسی، علی اکبر. نامه زبان آموز. نحو و صرف زبان فارسی. تهران: ۱۳۱۶ ه. ق.
- پرتواعظم، ابوالقاسم. نخستین دستور. تهران: نشر اندیشه، ۱۳۵۴.
- باطنی، محمدرضا. نگاهی تازه به دستور زبان. تهران: آگاه، ۱۳۶۳.

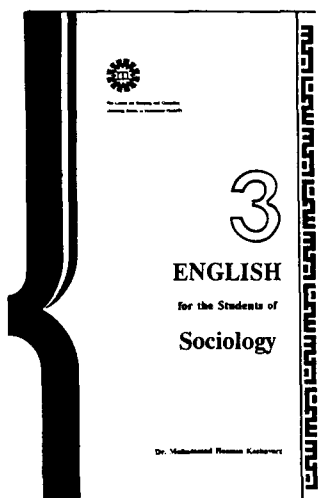


# تازه‌های کتاب

## فهرست کتابهای منتشر شده «سمت» در سال ۱۳۷۶

این کتاب برای دانشجویان رشته جغرافیا در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «روش تحلیل جمعیت» به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۴. انگلیسی برای دانشجویان رشته جامعه‌شناسی؛ محمدحسین کشاورز؛ چاپ اول، بهار ۱۳۷۶، ۲۶۷ ص، جمع تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه، بها: ۴۵۰۰ ریال.



این کتاب برای دانشجویان رشته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی به ارزش ۴ واحد تدوین شده است.

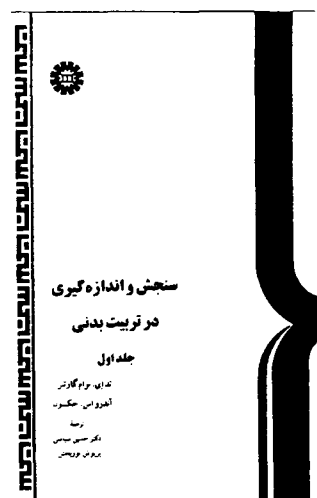
آندرواس. جکسون؛ ترجمه حسین سپاسی و پروش نوربخش، چاپ اول، بهار ۱۳۷۶، شش + ۳۷۸ ص، جمع تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه، بها: ۶۲۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درس «سنجش و اندازه‌گیری در تربیت بدنی» به ارزش ۲ واحد ترجمه شده است.

۳. تحلیل جمعیت‌شناختی؛ حبیب‌الله زنجانی؛ چاپ اول، بهار ۱۳۷۶، هفت + ۲۷۶ ص، جمع تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۴۵۰۰ ریال.



۱. سنجش و اندازه‌گیری در تربیت بدنی (جلد اول)؛ تدای. بوم گارتز و آندرواس. جکسون؛ ترجمه حسین سپاسی و پروش نوربخش، چاپ اول، بهار ۱۳۷۶، شش + ۲۵۴ ص، جمع تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه، بها: ۴۲۰۰ ریال.



این کتاب برای دانشجویان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درس «سنجش و اندازه‌گیری در تربیت بدنی» به ارزش ۲ واحد ترجمه شده است.

۲. سنجش و اندازه‌گیری در تربیت بدنی (جلد دوم)؛ تدای. بوم گارتز و

۵. انگلیسی برای دانشجویان رشته پزشکی (۳)؛ محمدحسن تحریریان؛ چاپ اول، بهار ۱۳۷۶، ۲۵۸ ص، جمع تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه، بها: ۴۴۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته پزشکی در مقطع دکتری به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی (۲) به ارزش ۳ واحد تدوین شده است.

۶. بیان شفاهی داستان؛ عباسعلی رضائی؛ چاپ اول، بهار ۱۳۷۶، ۱۳۵ ص، جمع تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه، بها: ۲۶۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته مترجمی، آموزش، دبیری و زبان و ادبیات انگلیسی به عنوان منبع اصلی درس «بیان شفاهی داستان» به ارزش ۲ واحد تهیه شده است.

۷. روانشناسی مرضی تحولی: از کودکی تا بزرگسالی (جلد اول)؛ پریخ دادستان؛ چاپ اول با تجدید نظر، بهار ۱۳۷۶، هشت + ۴۹۲ ص، جمع تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه، بها: ۸۰۰۰ ریال.



این کتاب برای دانشجویان رشته روانشناسی در مقطع کارشناسی،

کارشناسی ارشد و دکتری به عنوان منبع اصلی درس «روانشناسی مرضی کودک» و «آسیب شناسی روانی ۱ و ۲» به ارزش ۹ واحد تدوین شده است.

۸. انگلیسی برای دانشجویان رشته داروسازی؛ محمدتقی قفقازی، فرشته مهرابی و محمدرضا طالبی نژاد؛ چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶، ۲۹۴ ص، جمع تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه، بها: ۴۸۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته داروسازی در مقطع دکتری به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی به ارزش ۴ واحد و همچنین به عنوان منبع فرعی رشته های بیوشیمی، تغذیه، فارماکولوژی و گیاه درمانی تدوین شده است.

۹. انگلیسی برای دانشجویان رشته علوم سیاسی ۱؛ هرمز داورپناه؛ چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶، ۲۲۷ ص، جمع تیراژ: ۳۵۰۰ نسخه، بها: ۴۲۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی (۱) به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۱۰. انگلیسی برای دانشجویان رشته علوم سیاسی ۲؛ هرمز داورپناه؛ چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶، ۲۳۶ ص، جمع تیراژ: ۳۵۰۰ نسخه، بها: ۴۴۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درسی زبان تخصصی

(۲) به ارزش ۲ واحد تدوین شده است. ۱۱. انگلیسی برای دانشجویان رشته روزنامه نگاری و علوم ارتباطات؛ سیدمحمد ضیاء حسینی و فهیمه معرفت؛ چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶، ۲۲۷ ص، جمع تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه، بها: ۴۳۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته روزنامه نگاری و علوم ارتباطات در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی به ارزش ۴ واحد تدوین شده است.

۱۲. تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم؛ علی رضائیان؛ چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶، هشت + ۳۸۰ ص، جمع تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه، بها: ۷۰۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته مدیریت در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درس «تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم» و منبع کمک درس «سیستم های اطلاعات مدیریت» تدوین شده است.

۱۳. انگلیسی برای دانشجویان رشته علوم و صنایع غذایی؛ ابراهیم جدیری سلیمی، حسن عدالت نمین و سیروس مسیحا؛ چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶، ۱۹۸ ص، جمع تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه، بها: ۳۷۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته علوم و صنایع غذایی دانشکده های

کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس  
«حفاظت و نگهداری مواد کتابخانه» به  
ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۱۹. نظریه پردازی در روابط  
بین الملل: مبانی و قالبهای فکری؛  
سیدحسین سیفزاده؛ چاپ اول،  
تابستان ۱۳۷۶، هشت + ۳۷۲ ص،  
جمع تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه، بها: ۷۰۰۰  
ریال.



این کتاب برای دانشجویان رشته  
علوم سیاسی و روابط بین الملل در  
مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به  
عنوان منبع اصلی درس «نظریه های  
مختلف در روابط بین الملل» به ارزش ۳  
واحد تدوین شده است.

۲۰. نحو زبان فارسی (بر پایه نظریه  
حاکمیت و مرجع گزینی)؛ سیدعلی  
میرعمادی؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶،  
هشت + ۳۵۰ ص، جمع تیراژ: ۲۵۰۰  
نسخه، بها: ۶۵۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته  
زبانشناسی در مقطع کارشناسی و

۱۷. منتخبات من المباحث الفقهية؛  
حسین مهرپور؛ چاپ اول، تابستان  
۱۳۷۶، شش + ۱۸۶ ص، جمع تیراژ:  
۳۰۰۰ نسخه، بها: ۳۵۰۰ ریال.



این کتاب برای دانشجویان رشته  
حقوق در مقطع کارشناسی به عنوان  
منبع اصلی دروس «متون فقه» تدوین  
شده است.

۱۸. حفاظت و نگهداری مواد  
کتابخانه ای؛ بابک پرتو؛ چاپ اول،  
تابستان ۱۳۷۶، شش + ۱۲۵ ص، جمع  
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۲۴۰۰ ریال.



این کتاب برای دانشجویان رشته  
کتابداری و اطلاع رسانی در مقطع

کشاورزی در مقطع کارشناسی و  
کارشناس ارشد به عنوان منبع اصلی  
درس زبان تخصصی تدوین شده است.

۱۴. انگلیسی برای دانشجویان رشته  
حقوق جزا و جرم شناسی؛ فرهاد  
مشفق؛ چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶،  
۲۵۸ ص، جمع تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه،  
بها: ۴۸۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته  
حقوق جزا و جرم شناسی در مقطع  
کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی  
درس زبان تخصصی به ارزش ۲ واحد  
تدوین شده است.

۱۵. مجموعه سازی در کتابخانه ها  
(جلد اول: انتخاب مواد کتابخانه ای)؛  
علی سینائی؛ چاپ اول، تابستان  
۱۳۷۶، شش + ۱۲۶ ص، جمع تیراژ:  
۲۵۰۰ نسخه، بها: ۲۴۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته  
کتابداری و اطلاع رسانی در مقطع  
کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس  
«مجموعه سازی (۲): انتخاب کتاب» به  
ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۱۶. انگیزش و هیجان؛ محمدکریم  
پناهی؛ چاپ اول، تابستان ۱۳۷۶،  
هفت + ۲۵۶ ص، جمع تیراژ: ۳۰۰۰  
نسخه، بها: ۵۰۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته  
روانشناسی در مقطع کارشناسی  
به عنوان منبع اصلی درس «انگیزش و  
هیجان» به ارزش ۳ واحد تدوین شده  
است.

کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درس «دستور گشتاوری» به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۲۱. راهنمای زبانهای باستانی ایران (جلد دوم: دستور و واژه‌نامه)؛ محسن ابوالقاسمی؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶، شش + ۳۱۰ ص، جمع تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه، بها: ۶۰۰۰ ریال.



این کتاب که به منظور آموزش زبانهای باستانی تدوین شده به عنوان منبع اصلی دروس «زبان فارسی باستان و فارسی میانه» برای دانشجویان دوره کارشناسی رشته باستانشناسی و منبع اصلی «تحقیق در زبان و ادبیات باستانی ۱ و ۲» برای دانشجویان دوره دکتری رشته ادبیات فارسی و منبع اصلی دروس «زبان فارسی میانه، فارسی باستان و اوستایی» برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی در نظر گرفته شده است.

۲۲. اصطلاحات و تعبیرات در ترجمه؛ غفّار تجلی؛ چاپ اول، پاییز

۱۳۷۶، ۱۵۳ ص، جمع تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۳۰۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته‌های زبان و ادبیات انگلیسی، مترجمی انگلیسی و دبیری انگلیسی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «اصطلاحات و تعبیرات در ترجمه» به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۲۳. انگلیسی برای دانشجویان رشته معدن (استخراج)؛ سیدمحمد مشیری و محمدعلی روشن‌ضمیر؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶، ۲۲۳ ص، جمع تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه، بها: ۴۲۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته معدن - گرایش استخراج در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۲۴. انگلیسی برای دانشجویان رشته فیزیک؛ اسماعیل فقیه؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶، ۲۴۱ ص، جمع تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه، بها: ۵۵۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته فیزیک در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

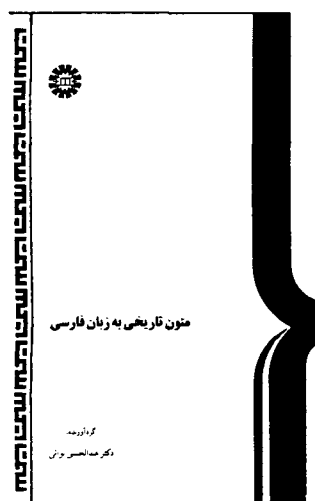
۲۵. انگلیسی برای دانشجویان رشته دامپزشکی؛ مسعود تشفام، حمیده معرفت و شهرام جلیل‌زاده؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶، ۲۴۵ ص، بها: ۶۰۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته دامپزشکی در مقطع دکتری حرفه‌ای به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی به ارزش ۴ واحد تدوین شده است.

۲۶. اداره کتابخانه؛ طاهره علومی؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶، شش + ۱۹۰ ص، جمع تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۳۵۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «اداره کتابخانه» به ارزش ۳ واحد تدوین شده است.

۲۷. متون تاریخی به زبان فارسی؛ دکتر عبدالحسین نوائی؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶، هشت + ۲۷۶ ص، جمع تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه، بها: ۵۴۰۰ ریال.



این کتاب از دروس پایه رشته تاریخ است که برای دانشجویان این رشته در مقطع کارشناسی تهیه شده است.

۲۸. اصول و روش ترجمه؛ حسین ملائذر؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶، ۱۱۳ ص، بها: ۲۲۰۰ ریال.

پاییز ۱۳۷۶، شش + ۲۸۵ ص، جمع  
تیراژ: ۴۰۰۰ نسخه، بها: ۵۳۰۰ ریال.  
این کتاب برای دانشجویان رشته  
زبان و ادبیات فارسی در مقطع  
کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس  
«تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی»  
به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۳۵. آواشناسی؛ محمدحسین  
کشاورز؛ چاپ اول، ۱۳۷۶، ۸۴ ص،  
جمع تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۱۷۰۰  
ریال.

این کتاب برای دانشجویان  
رشته‌های مترجمی، دبیری و زبان و  
ادبیات انگلیسی، در مقطع کارشناسی  
به عنوان منبع اصلی درس «آواشناسی»  
به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۳۶. طراحی صنعتی؛ جان هسکت  
ترجمه غلامرضا رضایی نصیر، چاپ  
اول، ۱۳۷۶، ۲۴۰ ص، جمع تیراژ:  
۳۰۰۰ نسخه، بها: ۴۵۰۰ ریال.



این کتاب برای دانشجویان رشته  
هنر - طراحی صنعتی در مقطع  
کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس

زبان و ادبیات فارسی در مقطع  
کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس  
«معانی و بیان ۱ و ۲» به ارزش ۴ واحد  
تدوین شده است.

۳۲. انگلیسی برای دانشجویان رشته  
مدیریت؛ فرهاد مشفق؛ چاپ اول،  
۱۳۷۶، ۲۱۴ ص، جمع تیراژ: ۵۰۰۰  
نسخه، بها: ۴۰۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته  
مدیریت در مقطع کارشناسی به عنوان  
منبع اصلی درس زبان تخصصی ۱ و ۲  
به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۳۳. تاریخ ادبیات فرانسه جلد دوم:  
قرن هفدهم؛ پیر برونل و دیگران؛  
ترجمه افضل وثوقی، چاپ اول، پاییز  
۱۳۷۶، شش + ۲۵۹ ص، جمع تیراژ:  
۲۰۰۰ نسخه، بها: ۵۰۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته  
زبان و ادبیات فرانسه در مقطع  
کارشناسی به عنوان منبع فرعی درس  
«تاریخ ادبیات فرانسه، قرن ۱۷» ترجمه  
شده است.



۳۴. تجلی قرآن و حدیث در شعر  
فارسی؛ سید محمد راستگو؛ چاپ اول،

این کتاب برای دانشجویان  
رشته‌های مترجمی، دبیری و ادبیات  
انگلیسی در مقطع کارشناسی به عنوان  
منبع اصلی درس «اصول و روش  
ترجمه» به ارزش ۲ واحد تدوین شده  
است.

۲۹. یادگیری حرکتی و اجرا از  
اصول تا تمرین؛ ریچارد ای. اشمیت؛  
ترجمه مهدی نمازی‌زاده و سیدمحمد  
کاظم واعظ موسوی، چاپ اول، پاییز  
۱۳۷۶، شش + ۴۲۷ ص، جمع تیراژ:  
۳۰۰۰ نسخه، بها: ۸۵۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته  
تربیت بدنی و علوم ورزشی در مقطع  
کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان  
منبع اصلی درس «یادگیری حرکتی» به  
ارزش ۲ واحد ترجمه شده است.

۳۰. انگلیسی برای دانشجویان رشته  
معادن (اکتشاف)؛ سیدمحمد مشیری و  
محمدعلی روشن‌ضمیر؛ چاپ اول،  
۱۳۷۶، ۲۲۳ ص، جمع تیراژ: ۲۰۰۰  
نسخه، بها: ۴۲۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته  
معادن - گرایش اکتشاف در مقطع  
کارشناسی - به عنوان منبع اصلی درس  
زبان تخصصی به ارزش ۲ واحد تدوین  
شده است.

۳۱. معانی و بیان؛ محمدعلی  
مقدم و رضا اشرف‌زاده؛ چاپ اول،  
پاییز ۱۳۷۶، هفت + ۱۴۰ ص، جمع  
تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه، بها: ۲۷۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته



ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «تاریخ آموزش و پرورش ایران» به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

#### سمت، ناشر نمونه سال

در آخرین مراحل چاپ مجله، خبر برگزیده شدن سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهها به عنوان ناشر نمونه سال ۱۳۷۶ اعلام گردید. در مراسمی که به همین مناسبت در یازدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب برگزار شد. لوح تقدیری از سوی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران به سازمان اهدا شد.

شایان ذکر است که معیارهای داوران برای گزینش ناشر نمونه، تعداد عناوین کتب چاپ اول، کیفیت مطالب، کیفیت ارائه و فعالیت در یک حوزه تخصصی بوده است.

محمدسعید تسلیمی؛ چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، هشت + ۲۰۸ ص، جمع تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۴۰۰۰ ریال.



این کتاب برای دانشجویان رشته مدیریت دولتی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «مدیریت تحول سازمانی» به ارزش ۳ واحد تدوین شده است.

۴۱. سیستم اطلاعات جغرافیایی؛ پی. ای. بارو؛ ترجمه حسن کیا؛ چاپ اول، پاییز ۱۳۷۶، ۳۶۷ ص، جمع تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۷۰۰۰ ریال.

این کتاب برای استفاده دانشجویان رشته جغرافیا در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درسهای «سیستم اطلاعات جغرافیایی» و «سنجش از دور» ترجمه شده است.

۴۲. تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام؛ کمال درّانی؛ چاپ اول، زمستان ۱۳۷۶، شش + ۱۴۱ ص، جمع تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۲۷۰۰

«تاریخ طراحی صنعتی» به ارزش ۲ واحد ترجمه شده است.

۳۷. گزیده متنها و راهنمای تاریخ ایران جلد اول (از آغاز تا ۱۵۰۰ میلادی)، گردآورنده غلامرضا وطن دوست؛ چاپ اول، ۱۳۷۶، هشت + ۱۹۷ ص، جمع تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۳۸۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته تاریخ در درس «قرائت متون تاریخی به زبان انگلیسی (۱)» در مقطع کارشناسی تدوین شده است.

۳۸. انگلیسی برای دانشجویان رشته حقوق بین‌الملل؛ فرهاد مشفق؛ چاپ اول، ۱۳۷۶، ۲۰۸ ص، جمع تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه، بها: ۴۰۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته حقوق بین‌الملل در مقطع کارشناسی ارشد به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۳۹. انگلیسی برای دانشجویان رشته مهندسی شیمی؛ نصرالله غیاثی، کاظم میرجلیلی و مهشید روشنی؛ چاپ اول، ۱۳۷۶، ۳۰۴ ص، جمع تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه، بها: ۶۰۰۰ ریال.

این کتاب برای دانشجویان رشته مهندسی شیمی در مقطع کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس زبان تخصصی به ارزش ۲ واحد تدوین شده است.

۴۰. مدیریت تحول سازمانی؛

شماره

پرداختن به آنها خودداری می‌شود.

### اما قرائت دیگر

مرحوم آلوسی می‌گوید: «و قرأ علی کرم الله تعالی وجهه و ابن عباس و ابن عمر و ابوسعید الخدری و الحسن و معاویة بن قرة غلبت الروم علی البناء للفاعل و سیغلبون» علی البناء للمفعول و المعنی علی ماقیل: ان الروم غلبوا علی ریف الشام و سیغلبهم المسلمون، و قد غزاهم المسلمون فی السنة التاسعة من نزول هذه الایة ففتحوا بعض بلادهم ... و وفق بین القراءتین بأن الایة نزلت مرتین مرة بمكة علی قراءة الجمهور و مرة یوم بدر کما رواه الترمذی و حسنه عن ابی سعید علی هذه القراءة.

و در کشاف می‌گوید: «و قرئ: غلبت الروم بالفتح و سیغلبون بالضم و معناه ان الروم غلبوا علی ریف الشام و سیغلبهم المسلمون فی بضع سنین و عند انقضاء هذه المدّة اخذ المسلمون فی جهاد الروم».

ملاحظه می‌شود که هر دو مفسر مگوار به تفسیر قرائت دوم پرداخته‌اند اما آن را ناتمام رها کرده‌اند.

آنچه این بنده می‌خواهم بگویم این است که قرائت دوم بر قرائت اول کاملاً رجحان دارد و با توجه به آنچه به اجمال گفته شد، باید این دو پیروزی و دو شکست میان رومیان و مسلمانان باشد، نه میان رومیان و ایرانیان، پیروزی اول غلبه رومیان بر مسلمانان است در جنگ

موته به سال هشتم هجری و پیروزی دوم، غلبه مسلمانان است بر رومیان در اندی سال بعد از آن، که از اواخر خلافت ابوبکر آغاز می‌شود و با گشودن بیت المقدس در رجب سال شانزدهم، به اوج می‌رسد و در واقع پیروزی نهایی مسلمانان بر رومیان تحقق می‌یابد.

این نظر بالحن آیه شریفه که «یومئذ یفرح المؤمنون بنصر الله: در آن روز مؤمنان از یاری خداوند شادمان می‌شوند» کاملاً سازگار است زیرا شادمانی مؤمنان از یاری خداوند در جایی مناسب دارد که آن یاری مربوط به خود آنها باشد و در اینجا هم خدا، خود همان مؤمنان را یاری کرده است نه اینکه رومیان بر ایرانیان پیروز شده باشند و مسلمانان آن را یاری خدا بدانند و از آن شادمان شوند.

مخصوصاً لحن «وعد الله لا یشکلف الله وعده» جز با پیروزی مسلمانان در اثر وعده خداوند، مناسب ندارد؛ زیرا همان‌طور که گفتیم وعده باید بین متکلم و مخاطب باشد و بنابر قرائت دوم، به دنبال وعده‌های مکرر خداوند در قرآن کریم به مؤمنان، که پیروز خواهند شد، جا دارد که بگوید: رومیان (در موت) غالب شدند اما (نگران نباشید) مغلوب خواهند شد (خدا این چنین وعده کرده است آن هم) وعده کردن خدا (و) خدا هم خلف وعده نخواهد کرد. البته این نظر مستلزم آن است که آیات یاد شده را مدنی بدانیم و بگوییم در

سال هشتم هجری بعد از جنگ موته نازل شده‌اند و این خلاف نظر جمهور مفسران است که تمام سوره روم - و یا به قولی همه آن بجز «فسبحان الله حین تمسون ...» - را مکی دانسته‌اند. اما به طور کلی روایات نزول و بخصوص شأن نزولها چندان اعتباری ندارند - مخصوصاً اگر در برابر درایت مستند و قوی قرار بگیرند - گذشته از این که آیه ۳۹ در این سوره روم در باب ریاست که با مکی بودن تمام آن، چندان سازگار نیست.

و نیز مستلزم آن است که چندین روایت مربوط به شأن نزول را نامعتبر بدانیم و کنار بگذاریم، اما این هم زیانی ندارد، زیرا اولاً گفتیم که این روایات متخالف و گاه متعارضند، ثانیاً مضمون برخی از آنها هم آسان‌پذیرفتنی نیست مانند روایات متضمن دستور پیامبر به صدقه دادن شتران قمار، ثالثاً راوی برخی از آنها افراد ضعیفی مانند عکرمه است که گفته‌اند به دروغ‌گویی شهره بوده است، رابعاً چنانکه دیدیم به لحاظ درایت حدیث قبول آنها دشوار است.

و سرانجام خواه قرائت اول را بپذیریم و خواه دوم را، آیه شریفه متضمن غیبتی قاطعی است که از آینده نزدیک آن هم با تحدید مدت پیروز شدن در اندی سال خبر داده است و این نشانه روشنی است بر اینکه رسول خدا (ص) با عالم غیب و ربوبیت مرتبط بوده و رسالت خویش را از آنجا گرفته است.